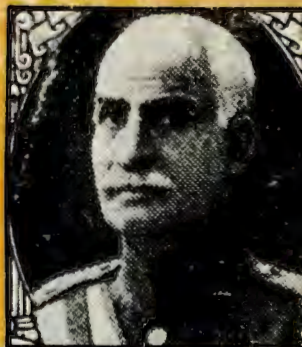
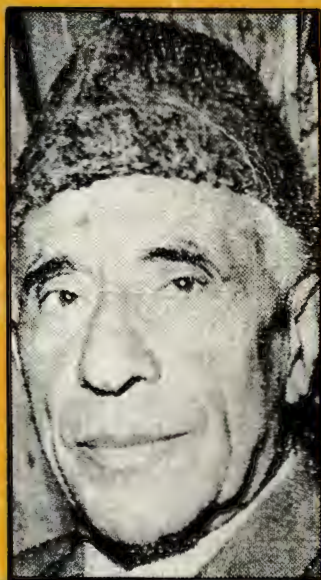
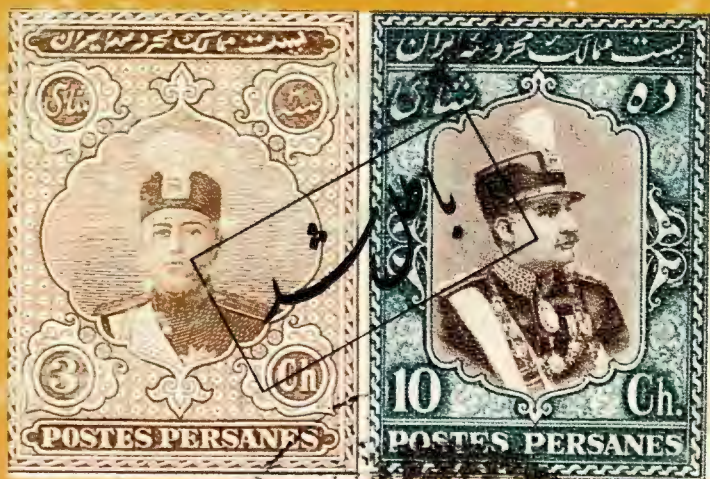


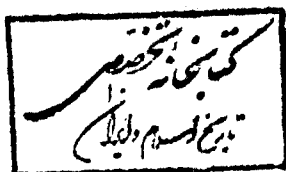
اسناد کابینه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

گردآورنده: حسن مرسلوند





اسناد کابینه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹



اسناد کابینه

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

گرد آورنده: حسن مرسلوند



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، آپارتمان شماره ۳۰۴

اسناد کابینه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

گردآورنده: حسن مرسلوند

چاپ اول بهار ۱۳۷۴

لیتوگرافی: پیماژ

چاپ: چاپخانه سایه

صحافی: پردازش

تیراژ: ۳۰۰۰

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۴۱ صفحه	راهنمای اسناد بخش اول
۱۶۱ "	راهنمای اسناد بخش دوم
۱۸۹ "	راهنمای اسناد بخش سوم
۲۰۳ "	راهنمای اسناد بخش چهارم
۲۲۵ "	راهنمای اسناد بخش پنجم
۲۵۵ "	راهنمای اسناد بخش ششم
۲۸۱ "	راهنمای اسناد بخش هفتم
۳۰۹ "	راهنمای اسناد بخش هشتم
۳۳۹ "	راهنمای اسناد بخش نهم

پیش‌گفتار

کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ بدون تردید رویداد مهمی در تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. این کودتا بعدها موجب تغییر سلطنت از خاندان قاجاریه به پهلوی شد و این تغییر سلطنت به همراه خود تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دنبال داشت. دو عنصر ایرانی پیش‌تاز این کودتا بودند؛ یکی نظامی و دیگری سیاسی، یعنی رضاخان میرپنج فرمانده آتریاد همدان و سیدضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد.

زندگینامه رضاخان میرپنج که پس از کودتا ملقب به سردار سپه و بعد از تغییر سلطنت، رضاشاه پهلوی شد بارها و بارها به زبان پارسی چاپ و منتشر شده است و دیگر نیازی نیست در این پیش‌گفتار آورده شود. ولی از آن جایی که کتاب حاضر مربوط می‌شود به دوره زمامداری سه ماهه سیدضیاءالدین، بهتر آن است که گذشته او و افکارش به طور فشرده مورد بررسی قرار گیرد.

او که فرزند سیدعلی آقای یزدی روحانی شناخته شده زمان خود بود در سال ۱۳۱۰ قمری (حدود ۱۲۷۰ خ) در شیراز زاده شد. در کودکی و نوجوانی دروس دینی را فراگرفت و به لباس روحانیون درآمد. دوران کودکی و نوجوانی را در سه شهر بزرگ ایران یعنی، تهران، شیراز و تبریز گذراند. به هنگام خیزش مشروطه‌طلبی در ایران، به جنبش پیوست و در شیراز وارد انجمنهای مشروطه‌خواه شد. روزنامه‌ای به نام روزنامه اسلام منتشر کرد و در آن به مستبدین تاخت. پس از توقیف روزنامه‌اش در

شیراز، به تهران آمد و یکی از کوشندگان راه مشروطیت ایران شد. در ابتدای سلطنت محمدعلی شاه به فرانسه رفت و دو سال ماند. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۲۸۸ خورشیدی روزنامه شرق را راه اندازی کرد. او طی مقاله‌ای در نخستین شماره روزنامه شرق اهداف سیاسی روزنامه‌اش را چنین بیان کرد: «زمانه انا فناً در تجدد و تبدیل است، افکار بشری در جلوی سیل تجدد به همان ترتیب تبدیل و تجدید می‌یابد... اشخاصی که به افکار و اطلاعات ادوار گذشته اکتفا نموده، هیچ یک از تجارب بشریت و ترقیات علوم و فنون جدید را قبول نمی‌کنند خود را به اضمحلال و پریشانی ابدی دچار می‌سازند.

... ما به طرف ماضی نمی‌رویم! به فقرا بر نمی‌گردیم! قناعت کردن به حال و حاضر نشدن برای استقبال، قبول نکردن چراغ الکتریسته است به جای پیه‌سوز قدیم!!... بنابر این اولین مقصد از تأسیس روزنامه شرق این است که با نهایت جد و جهد به اندازه قوه خود در پیشرفت ترقیات مشرق زمین بکوشد... هنوز هم اگر در مشرق زمین از تجدد صحبت به میان آید فوراً ترجمه به لامذهبی و تأویل به طبیعی‌گری می‌شود! ولی خیر این طور نیست، حق‌گویی و حق‌نویسی یعنی وسیله ارتقاء انجمن بشری... ترقیات افکار ربطی به دین ندارد! چیزی که هست طالبان ظلم و دزدان راه بشری و صاحبان اخلاق فاسده یعنی آنهایی که می‌خواهند ریشه ملل را مقطوع سازند برای اعدام جمعیت‌های بشریه و حبس افکار، جنبه دین را بهانه نموده‌اند و بدین وسیله اغراض نفسانی خود را اجرا می‌دارند.

بنابر این دومین مقصد طرفداری از دوره جدید است که این بهانه را از این اشخاص مقطوع خواهد کرد و شمشیر فساد آنها را خواهد شکست، شبهاتی که به نام دین‌داری می‌نمایند به نام قلم مرتفع خواهد ساخت... سومین وظیفه روزنامه شرق این است که به اندازه‌ای که قوه دارد در استقلال وطن مقدس که ناموس و شرف ملت است کوشیده و ملت را به حفظ وطن که بزرگترین طاعت است ترغیب نماید و

نگذارد وطن شش هزار ساله را که اجدادمان با ریختن خون خود تأمین نموده و وجب به وجب خاک آن به خون نیاکان رنگین است به دشمن فروخته شود!! و شرف و عزّت و ناموس یک ملت که اولاد چنین پدران هستند به هدر رود و این ملت از حیوانات کمتر به شمار آید. زیرا حیوانات، پرندگان وقتی به بیند از طرفی به آشیانه آنها حمله شود به قدری که می توانند در حفظ و حراست آشیانه خود سعی می کنند. آیا ما کمتر از حیوانیم که در حفظ وطن خود تغافل و تکاهل می نماییم؟

چهارمین مقصد روزنامه شرق این است که اشخاصی که خود را به لباس عدالت خواهی ملبس نموده و تظاهر می کنند شناسانده و نگذارد مردمی که ظاهر ساخته و باطن کاسته اند مقصود خود را انجام دهند... پنجمین مقصود داد اشخاص بی دست و پایی است که در دور و نزدیک زیر بار ظلم مانده و فریادشان به گوش اولیاء امور نمی رسد، به داد آنها برخیزد.

ششمین مقصد این است که چون امروز کشتی استقلال ما در گرداب هلاکت است، نگذارد وقت عمال ضایع گردد و ساعتی از ساعات اولیاء امور بی نتیجه شود. ما در این مقاصد مقدس از طرفداران استقلال ایران و ترقیخواهان مدد می خواهیم.

پاینده باد استقلال وطن، زنده باد طرفداران استقلال، نیست و نابود باد ظلم و نفاق."

سید در اروپا با افکار سوسیالیستی آشنایی پیدا کرده و پس از مراجعت به ایران در روزنامه شرق گاه گاهی مروج این افکار بود از جمله در شماره ۶۸ آن روزنامه نوشت: "... اگر مراد از اشتراکی (کمونیسم) است، انتقادی که بر آن نموده اند تا یک اندازه ای صحیح است که مقصود از آن اشتراک در اموال و غیره است و اگر مراد از آن سوسیالیسم باشد، تمجید از آن و مدح از پیروان آن سزاوار و شایسته تعریف است زیرا اساس اجتماعيون، اصلاح هیئت مجتمعه بشریت است عموماً..."

او که قلمی تند و سرکش داشت، در نوشته‌های خود همواره نوعی شورشگری را تبلیغ می‌نمود، همیشه هواخواه دگرگونی، انقلاب و تحول بود. در شماره ۷۶ روزنامه‌اش می‌نویسد: «انقلابی یعنی قربانی تجدد، انقلابی یعنی فدایی تکامل، سرباز آزادی، مجذوب مساوات، فنای نوع، دیوانه تمدن، دوست عموم، مطیع مسلک، انقلابیون آن کسانی هستند که یک دستشان معمار و با یک دستشان اتصالاً بناهای قدیمه را که وقت، مسلوب‌الفایده نموده خراب می‌کنند... دریدن پرده عادات به عهده انقلابیون است، برجیدن اساس کهنه به عهده انقلابیون است... هر چه سعادت برای ملل سعیده عالم حاصل شده، هر چه نهال ترقی در بوستان انسانیت بارآور گردیده، کلیه اثر باران رحمتی است که از آسمان انقلاب باریده و تمام آیت سعادت است که از عرش انقلاب نازل گردیده است...». پر واضح است که در شرایط ایران پس از انقلاب، این سخنان هیجان‌انگیز، از سوی اهالی پایتخت‌نشین مورد استقبال قرار گرفت و به مقام سید نیز به عنوان یک انقلابی دو آتش ارج نهاده شد.

روزنامه شرق در حملات خود به افراد، مشروطه‌خواه و مستبد نمی‌شناخت و همه را به یک چوب می‌راند. کار به جایی رسید که شخصیت و حیثیت افرادی که در مشروطه کوشیده بودند را نیز مورد هجوم قرار داد. کار شکایت وزرا و وکلای دولت مشروطه از روزنامه شرق بالا گرفت و سرانجام این روزنامه تعطیل شد. عده‌ای نوشته‌اند که دولتمردان آن روزگار برای آن که از حملات سید در امان بمانند یا حملات سید را متوجه رقبای سیاسی خود نمایند، به او رشوه می‌داده‌اند. در حقیقت کسانی مورد حمله او قرار می‌گرفتند که نمی‌توانستند و یا نمی‌خواستند که با او کنار بیایند و خلاصه این که روزنامه‌نویسی برای سید محل دخل و بند و بسته‌های سیاسی بوده است.

پس از توقیف شرق، او روزنامه برق را منتشر کرد که چندان طول نکشید تا طبق حکم شماره ۱۳۳۱ نظمیه تهران، آن روزنامه هم توقیف شد.

برای خرید چاپخانه به روسیه رفت و شش ماه در آن جا ماند، اقامت او در روسیه هم‌زمان شد با انفجار و پیروزی انقلاب ۱۹۱۷. او سخت تحت تأثیر انقلاب مردم روسیه قرار گرفت و به گفته خودش از این زمان خیال زمامداری ایران را در سر پروراند. او در مصاحبه‌ای که در سال ۱۳۲۱ خورشیدی انجام گرفت گفت: «... در فوریه ۱۹۱۷ موقع انفجار انقلاب روسیه، این جانب در لنینگراد بودم. تقریباً پنج ماه بود به واسطه نداشتن حریت قلم ایران را ترک و از طریق روسیه عازم شرق اقصی شده و در لنینگراد توقف نمودم. پس از شورش ۱۹۱۷ و عزل تزار، از تمام ملل و بلاد عالم تلگرافات و تهنیت به دوماي روسیه مخابره گردید، از ایران متأسفانه خبری نشد. چون زمامداران امور مملکت خود را می‌شناختم، محرمانه تلگرافی به عنوان آقای علاء که آن وقت ملقب به معین‌الوزاره و ریاست کابینه وزارت امور خارجه را عهده‌دار بودند تهیه و از آقای اسدخان بهادر شازدافر ایران خواش کردم بدون اطلاع وزیر مختار با رمز سفارت به تهران مخابره نمایم، معزی علیه با کمال شجاعت زحمت قبول تهیه رمز را عهده‌دار شدند. متن تلگراف خاطریم نیست... انقلاب روسیه سبب شد که از مسافرت شرق اقصی منصرف و به ایران مراجعت نمایم، ولی تمتع از نسیم آزادی و انقلاب، سه ماه دیگر مرا در لنینگراد متوقف ساخت. لنین و همراهان وی ناگهان به پتروگراد وارد و در اولین خطبه‌ای که لنین از بالای پنجره خانه در محله کارگران به هزارها کارگر خطاب نمود الفای عهدنامه ۱۹۰۷ روس و انگلیس و نسخ امتیازاتی را که روسیه تزاری گرفته بود اعلام و اعاده حقوق ملل مظلومه را بشارت داد. انقلاب روسیه همچنان که دنیا را تکان داد در این دور افتاده نیز تشنج فکری ایجاد و میدانی برای فداکاریهای آتیه‌ام تهیه نمود...

در ماه مه به ایران برگشتم... بالاخره روزنامه رعد را منتشر کردم و ناظر حتی مواجه با یک سلسله حوادثی شدم که تحت تأثیر مقتضیات وقت مصلحت دیده و منتظر فرصت مناسب بودم. بالاخره چون از همه کس و همه جا مأیوس شدم به

کمک یکی دو نفر از همفکران فداکار، شجاعت قبول سنگین‌ترین بار مسئولیت، زمامداری ایران را در خود احساس نمودم.»

پس از بازگشت از روسیه، روزنامه رعد را چاپ و منتشر کرد، که در زمان خود دارای شهرت فوق‌العاده بود. هنگامی که قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلستان را و ثوق‌الدوله امضا کرد و مورد انتقاد شدید اغلب سیاستمداران و روشنفکران ایرانی قرار گرفت، سید ضیاء‌الدین در روزنامه خود به دفاع از و ثوق‌الدوله و قرارداد ۱۹۱۹ پرداخت. و ثوق‌الدوله نیز به پاس خدمات او، وی را در رأس هیئتی برای عقد قرارداد تجارتي با دولت تازه استقلال یافته قفقاز به بادکوبه فرستاد. بد نیست بدانیم که در این مأموریت، کلنل کاظم‌خان سیاح نیز حضور داشت و یکی از اعضای هیئت دوازده نفره بود. کلنل کاظم‌خان یکی از گردانندگان پنج نفره کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ و حاکم نظامی تهران پس از کودتا بود. این مأموریت که در ربیع‌الاول ۱۳۳۸ قمری انجام گرفت نخستین مأموریت سیاسی طباطبایی بود و با توجه به سوابق روزنامه‌نگاری او، سبب شد که پس از بازگشت از این مأموریت، وی مورد توجه محافل سیاسی کشور قرار گیرد.

فتح‌الله اکبر سپهدار رشتی که در چهارم آبان ۱۲۹۹ از سوی احمدشاه فرمان ریاست وزرایی دریافت کرده بود، به سید توجه خاصی داشت و در امور مملکتی او را مورد مشورت قرار می‌داد. سید از سوی سپهدار مأمور پرداخت حقوق عقب افتاده قزاقهای شکست‌خورده در جنگ گیلان شد و همین ارتباط او با قزاقها زمینه‌ساز شرایط داخلی کودتای او شد.

کودتا یک پشتیبان نیرومند خارجی هم داشت که دولت انگلستان بود. در مورد ارتباط مأمورین سیاسی و نظامی دولت انگلستان در ایران با سیدضیاء‌الدین طباطبایی و رضاخان میرپنج اسناد و اطلاعات فراوانی چاپ و منتشر گردیده که دیگر جای سخنی را در این نوشتار باقی نمی‌گذارد. به نظر می‌رسد پایه‌ریزی و یا

پشتیبانی انگلیس از کودتای سوم حوت، انجام این مقاصد باشد: ایجاد دولت مرکزی مقتدر، از بین بردن ملوک الطوائفی، ایجاد ارتش قوی و یکپارچه جهت جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران و منطقه، سرکوب قوای جنگی و بلشویکها پس از خروج نیروهای انگلیسی از ایران و روی کار آوردن دولتی دست نشانده جهت اجرای عملی قرارداد ۱۹۱۹ بدون وجود ظاهری آن.

برای دستیابی به اسرار کودتا و تاریخچه آن، بد نیست بخشهایی از نطق زنده یاد دکتر محمد مصدق در مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاءالدین طباطبایی در مجلس چهاردهم را که در سال ۱۳۲۲ خورشیدی افتتاح شد با جوابیه‌های طباطبایی در این نوشتار بیاوریم. پس از گشایش مجلس چهاردهم و طرح اعتبارنامه نمایندگان، دکتر رادمنش و تقی فداکار وکلای توده‌ای و دکتر محمد مصدق و ضیاءالملک قراگزلو به اعتبارنامه طباطبایی که از یزد انتخاب شده بود اعتراض کردند. دکتر مصدق در ابتدا گفت: «من بیست سال است ملت ایران را ندیده‌ام به ملت ایران تعظیم می‌کنم و امیدوارم که رشد ملی این قدر باشد که نظم را در جلسه رعایت کنند. من خیلی میل دارم که مطالب را سربسته بگویم و این نطقی را که من تهیه کرده‌ام دال بر صحت مدعی است. تلفنهایی که به من رسید، ملاقاتهایی که با من شد و هر کس هم که مرا ملاقات کرد مرا مجبور نمود که قبل از خواندن این نطق یک عریضی بکنم. این طور شهرت داده بودند که من در حزب توده هستم و با حزب توده بستگی دارم یا به جهت بستگی با حزب توده با آقای سیدضیاءالدین مخالفت می‌کنم. من بیست و دو سال است که با ایشان مخالفم، مخالفت امروز من چه دخلی با حزب توده دارد. از آقایان مخالفین حزب توده خواهش می‌کنم که مخالفت خود را پس بگیرند، اگر پس نگیرند من در این جا یک کلمه صحبت نخواهم کرد.

دکتر رادمنش: پس می‌گیریم.

دکتر مصدق: یکی بود؟

فداکار: بنده هم پس می‌گیرم.

دکتر مصدق: دفاع از وطن واجب عینی نیست، واجب کفایی است. اگر یک نفر حاضر شد که دفاع از وطن را بکند از گردن دیگران ساقط می‌شود. من می‌خواهم در راه وطن شربت شهادت را بنوشم. من می‌خواهم در راه وطن بمیرم. من می‌خواهم در قبرستان شهدای آزادی دفن بشوم. من تا آخر عمر برای دفاع از وطن حاضر می‌باشم. در روزنامهٔ رعد امروز دیدم که اقدامات آقای سیدضیاءالدین طباطبایی را به مدرک فرمان شاه قرار داده بودند که چون شاه فرمانی به ایشان دادند، ایشان هم اقداماتی نموده‌اند. خواستم عرض کنم که کودتا در شب سوم حوت شد و فرمان شاه در ششم حوت به ولایات مخابره شد، پس فرمان شاه بعد از کودتا بوده و در نتیجهٔ کودتا بوده. اگر فرمان شاه در اثر کودتا نبود چه طور می‌شد مدیر روزنامهٔ رعد رئیس‌الوزراء بشود؟ در آن فرمان به ایشان مأموریت انجام ریاست وزرایی دادند. کدام سابقه حکم می‌کرد که رئیس‌الوزرا مردم را حبس بکنند، مردم را گرفتار بکنند، نیک و بد را با هم بسوزاند. آقا یک روزنامه‌نویس بودند و فرمانده قوا نبودند، با چه وسیله قشونی که در تحت سرپرستی کلنل اسمایلز انگلیسی بود در تحت اختیارات آوردند؟ اگر قشونی که در تحت اختیار داشتند به امر آقا بود که آقا قرار داد را ملغی فرمودند. وقتی که تلگرافها به شیراز رسید، کونسول انگلیس گفت که مردهٔ گربه را کسی چوب نمی‌زند. قرارداد مرده بود محتاج به موت نبود قرارداد را کی بسته بود؟ وثوق الدوله و سرپرستی کاکس که نظر استعمار داشت...».

وی سپس به شرح وقایع دوران حکومت خود در فارس پرداخت و بعد از آن در بارهٔ لغو قرارداد ۱۹۱۹ که سیدضیاءالدین مدعی بود که بدون مذاکرهٔ قبلی با دولت انگلستان و به طور یک طرفه آن را لغو نموده سخنانی به این شرح ایراد کرد: «... آن وقت آقا در بیانیه خود این طور مرقوم فرموده‌اند که قرارداد را من ملغی کردم. بنده از آقا سؤال می‌کنم اگر آقا قبل از الغاء با نمایندگان انگلیسی داخل در مذاکره شده بودند

و الغاء کردند پس البته در یک کلیاتی مذاکره کردند که کودتا جزء آن بوده است، اگر خیر با نمایندگان انگلیس داخل مذاکره نشده بودند به چه ترتیب قرارداد را ملغی کردند، قرارداد یک عقد دو طرفی است، عقد است، عقد محتاج به ایجاب و قبول است، اگر یکی از طرفین موافقت نکند، فسخ قرارداد ممکن نیست. از آقا تعجب می‌کنم که می‌گویند مذاکراتی فرمودند. چه طور قرارداد را ملغی فرموده‌اند؟ چه طور تصور فرموده‌اند که دولت انگلیس ضعف پیدا کرده باشد که با الغاء قرارداد مخالفت بکند... اگر آقا قرارداد را ملغی کرده بودند چرا بعد از این که رئیس‌الوزرا شدند قشون جنوب را به رسمیت شناخته و چرا مستشار مالیه را که مرحوم مشیرالدوله پس از این که رئیس‌الوزرا شدند بعد از کابینه وثوق‌الدوله برای تفتیش نفت در کمیسیون انگلیس و ایران به لندن فرستادند ایشان به ایران رجعت دادند، همان قشونی را که آقا در تلگراف خودشان مرقوم فرموده‌اند که در تحت امر ایشان بوده آقا را از این مملکت بیرون کرد و اگر آقا در موقع تشریف بردن احتیاج به بودجه نداشتند چرا از مالیه ایران وجه گرفته و اگر محتاج به بودجه بودند آقا بفرمایند در این بیست و دو سال با چه سرمایه تحصیل علم کردند و با چه سرمایه املاکی جمع‌آوری کردند. اهالی یزد که کاغذ و تلگراف تا آن جا چند روز لااقل می‌رسد از ورود آقا چه طور مستحضر شدند و آقا را بعد از بیست و دو سال که نسیاً منسیا بوده از روی چه نظر انتخاب نمودند، فقط یزدی بودن برای انتخاب کافی نیست. من اهل آشتیان هستم و از آشتیان یک رای هم ندارم. از خواص آقا شنیده شد که دو میلیون تومان اهالی یزد برای تشکیلات حزبی آقا داده‌اند، یزیدیها این تمول را از کجا آورده بودند و این سخاوت محیرالعقول را برای چه به خرج داده‌اند؟ ...». دکتر مصدق در بخش دیگری از سخنان خود کودتا و اهداف آن را زیر سؤال برد و گفت: «... آقا در تلگراف ۶ حوت می‌نویسد: «با قشونی که تحت امر دارم هر مانع و مشکلی را به هیچ می‌شمارم». معلوم نیست این قشون به چه ترتیب تحت امر او درآمد. بسیار مشکل است که کسی صاحب منصب نظامی

نباشد و مرکز اتکایی هم نداشته باشد و قشون [را] که تحت سرپرستی اسمایلز انگلیسی است مطیع خود کند و موقعی که وارد تهران شد قشون مرکزی مقاومت نکند و ساکت بماند و شاه هم تسلیم شود. اگر این قشون تحت امر آقا بود چرار رئیس آن خود را در عرض آقا گذاشت و بیانیه‌ای مثل بیانیه خود آقا داد؟ آیا می‌شود گفت که به کمک دسته قزاقی که تحت امر خارجی است انقلاب کنند و ملت را به راه راست دلالت نمایند؟ آیا به وسیله یک بیانیه پوچ می‌توان انقلابی شد و یا این که دعوی اصلاحات کرد؟ کدام آدم بی‌بصیرتی است که به این حرفها گول بخورد، اگر فرمایشات آقا اساس داشت و اگر نظریاتشان در خیر مملکت بود چرا رجال وطن‌پرست را توقیف و حبس نمود؟ اشخاص وطن‌پرست ملت را حقیر نمی‌کنند و به افکار عمومی احترام می‌گذارند تا در بروز حوادث آنها را پشتیبان خود کنند و هر کس که به ملت خود احترام نکرد پشتیبان او جای دیگر است. به اتکای قوای خارجی قیام نمودن و به روی هم و طنان تیغ کشیدن و آنان را توهین کردن و حبس نمودن کار وطن‌پرستان و آزاد مردان نیست. آقا را چه واداشت که پیرامون این عملیات برود و چه باعث شده بود که صالح و طالح را حبس کند و در اصلاحات باید اشخاص بد را از کار خارج نمود و محاکمه و محکوم کرد. اگر مقصود انقلاب بود، خوب است آقا توضیح دهد که در ایران زمینه برای چه انقلابی حاضر بود و با چه اشخاصی می‌خواست هادی انقلاب شود؟ و روزگار ثابت کرد [که] نه مصلح بود و نه انقلابی، و مأمور بود کابینه محلی تشکیل دهد تا از ترس او مردم به سردار سپه ملتجی شوند و به او اهمیت بدهند تا او به مقصود خود برسد. هرگاه قانون مجازات عمومی در آن زمان بود، آقا را من روانه دادگاه می‌نمودم، چون قانون نبود و عقاب بلا بیان هم بی‌مورد است آقا مشمول فقره دهم از ماده ۱۲ قانون انتخابات است که: (مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند حق انتخاب شدن ندارند)...» دکتر مصدق ضمن مشکوک خواندن انتخابات یزد، به

انگلیسی بودن کودتای سوم حوت هم اشاره می‌کند، او در بخشی از سخنانش گفت: «... طرز ورود آقا بعد از بیست و دو سال به ایران و این که فوراً از یزد انتخاب شدند ثابت می‌کند که آقا باز برای کاری مأمور هستند، بسیار جای تأسف است که وعده‌های سهیلی و تدین راجع به عدم دخالت در انتخابات لباس عمل پوشید و در هر کجا هم تحت نفوذ واقع نشدند انتقادات بسیار نمودند و ناموس مملکت را به باد دادند... نظریات من در عدم صلاحیت آقا و طرز انتخابشان معلوم شد ولی ممکن است کسانی که از دورهٔ دیکتاتوری استفادات کلی نموده و باز خواهان آیند این طور اظهار کنند که مملکت محتاج اصلاح است و از خود گذشته هم کسی نیست پس باید با آقا موافقت نمود که ما را به شاه راه ترقی هدایت کند، جواب آنها این است که جامعه را با دو قوه می‌شود اصلاح کرد، قوهٔ اخلاقی که مخصوص پیغمبران و خوبان است و قوهٔ مادی، ما که از نیکان نیستیم پس آقا باید بگویند که با کدام قوه می‌تواند خود را به مقصود رساند. آیا کسی هست بگوید که مرکز اتکاء آقا ملت ایران است؟ به خاطر دارم که سردار سپه رئیس الوزراء وقت در منزل من با حضور مرحوم مشیرالدوله و مستوفی الممالک و دولت‌آبادی و مخبرالسلطنه و تقی‌زاده و علاء اظهار کرد که مرا انگلیس آورد و ندانستند باکی سر و کار پیدا کردند. آن وقت نمی‌شد در این باب حرفی زد ولی روزگار آن را تکذیب کرد و به خوبی معلوم شد همان کس که او را آورد چون دیگر مفید نبود او را برد.»

پس از آن، سیدضیاءالدین در دفاع از خود گفت:

«خدا را شکر که زنده ماندم تا در روزهای محنت وطن ندای هم‌وطنان را شنیده جان بی‌مقدار خود را در طبق اخلاص نهاده تقدیم نمایم. پس از بیست و سه سال غربت از ایران، پس از بیست و سه سال عزلت و انزوا و آوارگی امروز افتخار دارم در این محوطه‌ای که خاطره‌های شیرین و تلخ و فراموش نشدنی از آن دارم حضور پیدا کنم.»

امروز اگر تیرهای تهمت، بدنامی، افترا، ناسزا به من پرتاب می شود افسرده نیستم زیرا سی و هفت سال پیش با همین اسعد (اشاره به رئیس مجلس) با پدر این اسعد با برادر همین اسعد و با هزاران آزادی خواه دیگر در همین محل از دهانه های توپ، گلوله بر سر ما می بارید و ما تحمل کردیم و امید خود را از آتیه ایران سلب نکردیم. به طوری که آقایان می دانند بیست و سه سال بود از ایران دور بودم و خیال مراجعت را نداشتم، پس از وقایع شهریور دوستانم از تهران و ولایات به من مراجعه کردند و تقاضا نمودند که به ایران برگردم، خودداری کردم، شش ماه، یک سال، دو سال گذشت بالاخره چون که همیشه جوانمرد بودم و جوانمردی را صفت خود و آبا و اجداد خود می دانستم دیدم سرزمینی که مرا تربیت کرده، بزرگ کرده من به او قرض داشتم و در حداقل دعوت دوستانم را باید بپذیرم این بود که به ایران مراجعت کردم. پس از مراجعت به ایران در خیال این نبودم که وکیل شوم یا وزیر شوم و یا رئیس الوزراء شوم یا رئیس مجلس شوم، هیچ کدام از اینها نبود. بیست و سه سال قبل که رئیس الوزراء فعال مایشاء ایران بودم، اگر می خواستم اگر مایل بودم این درجه فهم و ادراک در من بود، این درجه از بازبهای تهران واقف بودم که با این و آن بسازم و در همان مسند باقی باشم. ولی من نخواستم به قیمت خرابی ایران به قیمت محو یک ملتی زمامدار شماها باشم، این بود که طالب نبودم و ترک کردم و رفتم. پس از ورود من به تهران، شنیدم اهالی یزد مرا به سمت وکالت مجلس شورای ملی انتخاب کرده اند، تعجب کردم، زیرا چنانچه عرض کردم قصد اشغال مقامی را نداشتم، گفتم بعد از بیست و سه سال مردم ایران مملکت محنت زده خود را به بینم، اگر توانستم خدمتی می کنم، اگر نتوانستم خدمتی بکنم یا در ایران می مانم یا چنانچه بیست و سه سال از این مملکت دور بودم باز هم مراجعت می کنم. خبر وکالت بنده از یزد مرا تکان داد ولی نمی خواستم قبول کنم زیرا به کسی ننوشته بودم و از هیچ یک از رفقا و دوستان خودم یا اهالی یزد تقاضا نکرده بودم. در همین حال دچار یک محظوری

شدم و آن این بود که بیست و سه سال قبل اهالی یزد پدر مرا به سمت وکالت مجلس شورای ملی انتخاب کردند. بیست و چهار سال پیش هم خود من وکیل شدم که وقایع کودتا پیش آمد. این مرتبه سوم بود، اخلاقاً نمی توانستم به اهالی یزد بگویم که من شانه خود را از زیر بار مسئولیت خالی می کنم. اصرار اهالی یزد و تلگرافات متوالی که به من مخابره کردند و اصرار دوستانم باعث شد که من وکالت را قبول کردم، به علاوه یک دلیل دیگری هم داشت، در بیست و چهار سال پیش روزی که از خود گزاشتم و وجود خود را مؤثر در نجات و استقلال ایران قرار دادم روز خطر بود، امروز هم روز خطر بود چون که خطر را دیدم آمدم این جا بایستم، برای این که اگر بتوانم به ملت خودم، به وطن خودم، به ایران عزیز خدمت بکنم و چنان که عرض کردم مدعی هستم وجود من مؤثر در سیاست و استقلال ایران بود و عنقریب به فاصله چند دقیقه آقایان خواهند شنید

[خطاب به دکتر مصدق]: اگر صدای بنده یک قدری بلند است برای این است که حضرت عالی بشنوید.

دوستان من نگران بودند، من هم نگران بودم ولی نگرانی من از این بود که مبدا اعتبارنامه من با سکوت و خاموشی بگذرد و مجبور شوم از یکی از دوستانم خواهش کنم با اعتبارنامه من مخالفت کند، زیرا اگر مخالفت نمی شد یک حقایقی را نمی توانستم بگویم. ممنونم از صمیم قلب که این زحمت را حضرت عالی و بعضی از آقایان دیگر از من رفع فرمودید. چون منتظر چنین روزی بودم زیرا بیست و سه سال سکوت کردم، هر دشنامی، هر ناسزایی، هر تهمت، هر افترای را قبول کردم و حاضر نشدم برای وجاهت خود، برای تیره خود، اسراری را فاش کنم که مصالح عالیه ایران را به خطر اندازم. بیست و چهار سال تحمل، بیست و چهار سال صبر کافی بود آقای مصدق السلطنه، بزرگترین فداکاری من در دوره زندگانی من این بود که سکوت کردم و آنچه را که می دانستم نگفتم و پرده حقایق را پاره نکردم و آقایان

بعضی‌ها می‌گویند چرا در عرض مدت بیست سال که از ایران دور بوده‌ام سکوت کرده‌ام، در روزهایی که بدبختیهای ایران را دیدم چرا صدای خود را در نیاوردم، اکنون دلیلش را به جنابعالی و آقایان عرض می‌کنم، تا چهار سال پنج سال بعد از کودتا، تمام جراید، مجلس شورای ملی، جوانها، پیرها، روشنفکرها، تاریک فکرها همه از اوضاع راضی بودند. شکایتی نبود، پیش‌آمد کودتا سبب خوشبختی و اصلاحاتی که در مملکت شده بود مایه امیدواری آتیه بود که من در مملکت خارجه بودم، جز ایرانیانی که به اروپا برای تحصیل یا گردش می‌آمدند کسی را نمی‌دیدم، همه اظهار مسرت از پیش‌آمدها می‌کردند و بعضی هم راست یا دروغ اظهار تأسف می‌کردند که دست شما از بازیگری در بازیهای ایران کوتاه شد. این احساسات مردم و ملت بود، این ترتیب باقی بود تا زمان تغییر رژیم سلطنت، تا آن تاریخ دلیل نداشت که من در ممالک خارجه بوده از وطن خودم در خارجه حرفی بزنم، از ۳۰۵ تا ۳۱۰ باز آثار ظاهریه خوب بود و اگر چه در معنی و باطن بعضی‌ها ناراضی بودند لکن به طور کلی طبقات هیئت اجتماعیه راضی بودند و مخصوصاً سالی دوستانه نفر محصل و جوانها به اروپا می‌آمدند و آمدن این جوانها نتیجه ثمره نخلی بود که من کاشته بودم. می‌دیدم خیلی خوب هر سال جوانها می‌آیند تحصیل می‌کنند، هر سال چند صد نفر جوان می‌آیند چه می‌کنند. پس دلیل نداشت تا سنه ۱۳۱۰ شکایتی بشود، اما از سنه ۱۳۱۰ به بعد که دیکتاتوری در ایران تشکیل شد، وضع مملکت به جایی رسیده بود که اگر در پاریس یک روزنامه فرانسوی دو سطر بر ضد شهریار ایران می‌نوشت فردا دولت مناسبات خود را با ملت فرانسه قطع می‌کرد. سفارت ایران را از پاریس احضار می‌کردند و سفارت فرانسه را از ایران بیرون می‌کردند. آن رعب که تهران را گرفته بود در خارج هم تأثیری داشت در نتیجه یک همچو موقعی من کجا می‌توانستم چیزی بگویم یا صدای خود را در بیاورم یا بنویسم و وقتی که نوشتم به چه وسیله‌ای به ایران بفرستم و یا وقتی که فرستادم چند صد نفری که کاغذهای من به آنها می‌رسد به

محبس نیفتند. پس من اگر این کارها را نکردم خدمتی به ایران کرده‌ام (صحیح است). اما راجع به آقای دکتر مصدق و اظهاراتی که فرمودند، من انتظار نداشتم که ایشان در ضمن صحبت از یک حدودی که محاورات رجال سیاسی آنها را قبول کرده‌اند خارج شوند و من منتظر نبودم که یک چیزهایی را به من بگویند که من یک چیزهایی را برخلاف میل خودم عرض کنم و به جناب آقای رئیس مجلس اطمینان می‌دهم که آن چه عرض می‌کنم به قصد اسائه ادب نیست و اگر یک حقایقی به خودی خود وقیح است تقصیر من نیست. آقای دکتر را بنده می‌دانم و سابقه هم دارم با من غرض شخصی داشتند، جز غرض شخصی چیز دیگری نبود. این غرض شخصی ایشان در جای خود باقی است ولی ایشان یک نکته‌ای را فراموش کردند، فرمودند وقتی این جا تشریف آوردند که بیست سال بود از ملت ایران دور بودند، این ادعای ایشان هم صحیح است به این معنی که خیال می‌کنند هنوز مردم ایران را با عوام‌فریبی می‌شود اغفال کرد، غافل بودند که در این مجلس شورای ملی عناصر مشخص و متمیزی هستند که اعمال فداکارانه را از اظهارات عوام‌فریبانه جدا می‌کنند، این حقیقتی است که با آقای دکتر مصدق السلطنه یک اختلاف اساسی موجود است و آن این است که من از بدو زندگی خود عوام‌فریب نبوده‌ام و عوام‌فریبی را بزرگترین خیانت به هیئت اجتماعیه می‌دانم، اگر آقای دکتر مصدق السلطنه و امثال ایشان عوام‌فریب نبودند و حقایق را به مردم می‌گفتند ایران سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد.

در جنگ بین‌المللی در ۱۹۱۴ که مخاطراتی متوجه ایران شد فقط سیدضیاءالدین بود که در روزنامه اعلام کرد ایران نباید با دولت روس و انگلیس جنگ بکند و از در سبزه درآید. بی‌عدالتیهای آنها را تحمل کنند و صبر کنند و منتظر روز بهتری شوند، شما و امثال شما آقای دکتر مصدق برای وجاهت خودتان، برای اموال خودتان، برای منفعت خودتان که از مستوفی‌گری و خرید خالصه و کاغذسازی و چه و چه جمع کرده‌اید خواستید آنها را حفظ بکنید صدایتان را در نیاوردید،

حقیقت را به مردم نگفتید، مردم را گمراه کردید و ایران را به جنگ، به آن ویرانی و فلاکت و ادبار انداختید. روزهایی که جنگ تمام شد آقای دکتر مصدق ایران ویران، ایران سرگردان، ایران گرسنه جز شما چند نفر و جهای نالایق چیز دیگری نداشت. بلی آقای مصدق السلطنه! در دوره‌های پیش هیچ کس جز من از همه چیز نگذشت در مقابل هوچی‌ها و نادانان، ولی امروز دوره عوام‌فریبی، دوره اغفال، دوره سکوت گذشته است. آن روز در نتیجه تحریکات و خیال امثال شما، عده‌ای از وطن‌خواهان نتوانستند مرا یاری کنند. البته هر کس آزاد است، تمام اهالی مملکت، برادران من، از دوست و دشمن همه آزاد هستند نسبت به من هر فکری می‌خواهند داشته باشند، ولی کسانی که بی‌غرض هستند، کسانی که مدعی هدایت افکارند، کسانی که در مسئولیت مقدرات مملکت شریک هستند می‌بایست قبل از اتخاذ تصمیم از من توضیح بخواهند، از من علت و موجبات وقایع را بپرسند، پس از آن که شنیدند اگر قانع شدند واضح می‌شود، اگر قانع نشدند، آن وقت حق دارند که فحش بدهند و ناسزا بگویند هر نسبتی که می‌خواهند بدهند. آقای دکتر مصدق السلطنه! یکی از افتخارات من این بود که مقدماتی را فراهم آوردم که روزنامه‌نویس، رئیس‌الوزراء بشود و ایران از دست شما سلطه‌ها و دوله‌ها نجات پیدا کند. بلی آقای مصدق السلطنه!

دکتر مصدق: بله قربان!

این سیدضیاء‌الدین بود که شماها را به چنگ آورد. نمی‌گویم در همین دوره مشروطه، همین مردم بدبخت اسیر چند تا سلطه‌ها و دوله‌ها بودند، دیگر سایر مردم وزن نداشتند، روزنامه‌نویسها بودند که این بتها را شکستند. این خدمت را من به ایران کردم و شماها را لرزاند که چه طور یک روزنامه‌نویس رئیس‌الوزراء یا به عقیده شما صدراعظم ایران می‌شود. ای خاک بر سر اشخاصی که این فرصت را برای سیدضیاء‌الدین تدارک دیدند و این سرنوشت را برای خود فراهم آوردند. اما راجع به محبوسین، اولاً کسی حبس نشد، آقای مصدق السلطنه تحت نظر قرار گرفتن و حبس

شدن دو مطلب است. کسی حبس نشد، تحت نظر قرار گرفت، حالا فرض کنیم حبس شد.

[دکتر مصدق]: استغفرالله!

شما می فرمایید استغفرالله، دعوا نداریم یک نمکی هم در محاورات باشد بد نیست. در مملکت ایران قبل از مشروطه و پس از مشروطه حبس کردن مردم یکی از امور عادی بود. در دوره سابق حکام ولایات یا وزرا در تهران مردم بیچاره را حبس می کردند. خود حبس کردن به خودی خود با آن که برخلاف قانون بود و غلط بود امری بی سابقه نبود، چیزی که بی سابقه بود این بود که سلطنه ها و دوله ها و ملک ها و ممالک ها را بگیرند، این را تصدیق می کنم (خنده حضار).

افتخار پیدایش این سابقه با بنده است و تمام مسئولیت آن را به عهده می گیرم و اگر چند صد نفر از من رنجیده شدند و افسرده شدند هزارها ایرانی بدبخت که قرون متوالی در محبس این دوله ها، ملک ها، سلطنه ها، ممالک ها با هزارها ذلت و بدبختی روزگار می گذراندند فهمیدند که می شود دوله ها و ملک ها و سلطنه ها را هم گرفت.

ملتفت شدید آقای دکتر مصدق السلطنه و اما این که چرا حبس شدند. رئیس الوزرای وقت چنین تشخیص داد که برای مصالح عالیّه مملکت و یک مقتضیاتی که بعد خواهید شنید یک عده ای بدون این که به جان آنها، به حیات آنها، به مال آنها تعرض شود در یک نقاطی تحت نظر قرار گیرند. اگر جناب عالی می فرمایید چرا بد و خوب را با هم گرفتند مقصود دشمنی و عداوت نبود نخواستیم مال کسی را ببریم چنانکه نبردم. جز یک عده که سیاست مملکت را فلج می کردند و کارها را اداره نمی کردند و جز منفی بافی و عوام فریبی کار دیگر نمی نمودند آنها را دستگیر کردم. در آن موقع دو موضوع مهم در پیش بود آقای مصدق السلطنه (بنده متأسفانه حافظه ام خوب نیست از این جهت است که شما را به همان اسم سابقتان

خطاب می‌کنم) دو موضوع مهم بود که برای حیات ایران و برای استقلال مملکت ایران تأثیر مهمی داشت، یکی مسئله ارتباط با ممالک متحده شوروی و یکی مسئله قرارداد ایران و انگلیس بود. این دو موضوع، این دو مسئله، این دو نکته آلت بازی و دسایس رجال تهران از دوله‌ها، ملک‌ها و سلطنه‌ها شده بود. سه سال بود نمایندگان مجلس شورا متعاقب عقد قرارداد انتخاب شده بودند. غالبشان هم در تهران بودند، این وکلا جرأت نداشتند مجلس شورای ملی را باز کنند. سیاسیون تهران هم جرأت نداشتند حرف بزنند. چرا؟ می‌گفتند خوب اگر مجلس شورای ملی باز شد، قرارداد را قبول کنیم یا رد کنیم؟ کو آن مردی که قبول کند؟ کو آن مردی که رد کند؟ پس بهتر این است که مجلس شورای ملی نباشد. با شوروی که سه سال است به ما پیشنهاد کرده است که ما همسایه هستیم، دوست هستیم، عهدنامه ببندیم. کو آن مردی که جرأت داشته باشد بگوید ببندیم؟ و کو آن مردی که بگوید ما نمی‌بندیم؟ پس بهتر آن است که ما جمع نشویم و صدایمان در نیاید.

این آقایانی که توقیف شدند، حبس نشدند و تحت نظر بودند، به طوری که می‌دانند قبل از ریاست وزرایی من بود، ولی مسئولیت آن واقعه را من به عهده می‌گیرم، شانه خالی نمی‌کنم. چرا شانه خالی نمی‌کنم زیرا آن موقع آقای سردار سپه که بعد اعلیحضرت پهلوی شدند، در کارها ما با هم مشاوره می‌کردیم و آنچه من می‌گفتم ایشان می‌کردند، حالا که ایشان دور هستند من سزاوار اخلاقی نیست که ایشان را مسئول بدانم نه.

مسئولیت او را خود من به عهده می‌گیرم و خودم را برای خاطر جناب عالی تبرئه نمی‌کنم، حالا چرا؟ بعد صحبت می‌کنم و اما این که می‌خواستم جناب عالی را بگیرم حبس کنم.

- دکتر مصدق: تحت نظر می‌خواستید بگذارید.

- سیدضیاءالدین: جناب عالی را به واسطه خیانتی که کردید می‌بایستی

حبس کنم. برای این که شما مجرم بودید. شما می‌خواستید تمام عشایر فارس را بشورانید و اشرار را به شورش تحریک کردید. شما خواستید برادرکشی بکنید. شما مجرم بودید. شما جانی بودید. ولی چرا ترتیب اثر ندادم؟ برای این که روحیه و قدرت فکری شما را می‌دانستم. فکر شما فلج بود، می‌دانستم با تمام فعالیتتان هیچ کاری نمی‌توانید بکنید و یک چیز دیگر هم بود که نخواستم این افتخار را به شما بدهم که به واسطه حبس شما شخصیتی برای شما قایل شوم.

دکتر مصدق: پس تلگرافات برای چه بود؟

سیدضیاءالدین: تلگرافات را برای این کردم که شما را به همکاری دعوت کرده باشم آقای دکتر مصدق السلطنه من فعال مایشاء بودم، در آن موقع در ایران از شما بزرگترها، گردن کلفت‌ترها را گرفتم به حبس انداختم، شما را نخواستم حبس بکنم، شما را هم می‌توانستم.

دکتر مصدق: نتوانستید!

سیدضیاءالدین: نه اشتباه می‌کنید، به شما تلگراف کردم که من برای ایران کار می‌کنم، دست به دست هم بدهیم و این مملکت بدبخت را نجات بدهیم و منتظر بودم اول به جای این که شخصیت روزنامه رعد و کوچکی جسمی سیدضیاء را در نظر بیاورید، عرایض او را، تمنای او را، التماس او را که بنام ایران است بشنوید و او را هدایت کنید، راهنمایی کنید، به این جهت آن تلگراف را کردم که اتفاقاً در عرض این ۲۲ سال این تلگراف برای جناب عالی یک سندی شد، شما هر جا می‌خواستید کسب و جاهت بکنید این تلگراف را نشان می‌دادید، این است که تلگراف سیدضیاءالدین را مدت بیست سال در این مملکت به این و آن نشان داده‌اید.

دکتر مصدق: تلگرافات دیگر هم هست.

سیدضیاءالدین: یکیش را نشان بدهید.

دکتر مصدق: بین خودمان باشد خلاصه پس از این که جناب عالی این

تلگرافات را کردید آن اقدامات را کردید.

سیدضیاءالدین: چون من نمی‌خواستم برادرکشی بشود. در تمام اهل ایران کسی با من مخالفت نکرد جز سرکار، تمام اهل ایران هیچ جا مخالف نبودند، سکنه این مملکت از ولایات، دهات، ایلات عشایر، همه اقدام مرا و حکومت مرا تبریک گفتند.

دکتر رادمنش: جز آذربایجان و گیلان.

سیدضیاءالدین: آن وقت گیلان در تحت اشغال تشکیلات مختلط بود آقای رادمنش، ملت گیلان در اظهار فکر خودش آزاد نبود آیا نفهمیدید؟
دکتر رادمنش: اینجا مجلس روضه‌خوانی نیست، ایشان حق ندارند به دکتر مصدق توهین بکنند، یعنی چه؟

رئیس: اینجا صحبت بین‌الائین نکنید، هر کس حرفی دارد بعد حرف بزند.
سیدضیاءالدین: اما مسئله کودتا آقای دکتر مصدق‌السلطنه، قضایا را باید تفکیک کرد، یکی صورت ظاهر امر است، یکی صورت باطن امر است. اما صورت ظاهر امر این است که دسته‌ای از قوای قزاق در شب دوشنبه به تهران وارد شدند و شهر تهران را اشغال کردند و سه روز بعد من رئیس‌الوزرای تهران شدم، یعنی اعلیحضرت مرحوم احمدشاه، معین‌الملک را فرستاد به منزل من و مرا دعوت کرد و من رفتم به قصر فرح‌آباد و پس از دو ساعت مذاکره، دستخط ریاست وزراء را با اختیارات تامه به من تفویض کرد. راجع به قضایا تا ساعت ریاست وزرایی من شما فرصت داشتید در عرض این بیست سال سؤال کنید، توضیح بخواهید، از مرحوم احمدشاه، از فرمانده قوای قزاق و از افراد صاحب‌منصبان قزاق سؤال کنید و شما سؤال نکردید و در مجلس شورای ملی هم وکیل بودید، از اعلیحضرت پهلوی که سردار سپه و وزیر جنگ بودند و شما هم در این پارلمان بودید و به دفعات هم نطق فرمودید و نطقتان را من خواندم می‌بایستی پرسید، چرا نپرسیدید؟ آنچه من مطلعم

جرات پرسش را نداشتید، اما صورت باطن امر این است که می‌فرمایید من مسبب این اوضاع هستم و من این اوضاع را فراهم کرده‌ام و چنانچه اخیراً فرمودید، در آخر مذاکرات خودتان فرمودید با تحریک و دست دیگران من این کار را کردم، برخلاف اظهار شما و بسیاری با آن که چند ماه بعد از کودتا وقتی که آقای سردار سپه وزیر جنگ بودند اعلامیه منتشر کردند و مسئولیت کودتا را به عهده خود گرفتند و چون در آن موقع آن اعلامیه را در تهران دیدید و خواندید نمی‌بایست دیگر از من سؤال کنید، ولی به علت آن اظهاری که کردم این مسئولیت را به عهده می‌گیرم، توضیح می‌دهم برای این که بدانید چرا من مسئولیت را به عهده می‌گیرم. وضعیت قبل از کودتا را باید در نظر بیاورید، مملکت ایران در تحت اشغال قشون اجنبی بود، در بعضی از ایالات ما یک تشکیلاتی بود که با حکومت مرکزی مشغول جنگ و ستیز بود، در همان موقع خزانه مملکت خالی بود، در همان موقع عده‌ای از افراد قشونی و ژاندارمری و امنیه و نظمیه که در حدود چهل هزار نفر بود حقوق آنها هشت ماه و ده ماه عقب افتاده بود. چندین صد نفر و چندین هزار نفر مهاجر از گیلان و مازندران آمده بودند که می‌بایست از خزانه دولت زندگانی کنند و چون در خزانه دولت پولی نبود همه ماهه وزرا و رئیس‌الوزراهای ایران باید به سفارت انگلیس ملتجی شوند برای دویست هزار تومان قرضه ماهیانه به اسم «موراتوریوم» گدایی بکنند و این دویست هزار تومان را بین این و آن تقسیم کنند. عدلیه، نظمیه و امنیه و ژاندارمری هشت ماه مواجبشان عقب افتاده بود و تمام تشکیلات هیئت اجتماعیه مختل شده بود. شاه مملکت که تازه از اروپا برگشته بود به واسطه این وضعیات و به واسطه خبر رفتن قشون انگلیس از ایران، هراسان بود و مرحوم احمدشاه می‌خواست ایران را ترک کند و مراجعت کند و وقتی که گفته شد که چرا مراجعت می‌کنید، گفت من در امان نیستم، اگر قشون انگلیسی برود چگونه می‌توانم در پایتخت خودم که قشون و پلیس و ژاندارم ده ماه مواجب نگرفته‌اند زندگانی کنم و اگر متجاسرین به من هجوم کنند چکنم؟

احمدشاه مرحوم به سفارت انگلیس ملتجی شد. از وزیر مختار انگلیس تقاضا کرد که برای این که او بتواند در ایران بماند قشون انگلیس حرکت خودش را از ایران به تعویق اندازد. مستر نورمان وزیر مختار انگلستان پس از مخابره با لندن به شهریار ایران جواب داد که چون مجلس مبعوثان انگلیس بودجه این قشون را تصویب نمی‌کند قشون نمی‌تواند در ایران بماند. احمدشاه گفت حالا که قشون نمی‌تواند بماند من می‌روم. گفتند نباید بروی. گفت حالا که نباید بروم پس در تهران نمی‌مانم. مذاکره تغییر پایتخت به میان آمد و تهران گرسنه، تهران بیچاره، تهران خواب‌آلود، دوله‌ها و ملک‌ها و سلطنه‌های غفلت‌کار و سیاسیون نادان همه خواب بودند و سرنوشت ایران در اقیانوس تلاطم و بدبختی واژگون بود.

آن وقت بود که سیدضیاءالدین همان سیدضیاءالدین که در بهار جوانی در ۱۸ سالگی خون خود را وقف ایران کرده بود و اکنون ۳۸ سال زیادی زندگی می‌کند، آن سیدضیاءالدین آن روز به فکر شما بود، به فکر زن و بچه شما بود، به فکر شهر تهران، به فکر مملکت، به فکر ایران افتاد. از خود گذشت، بالاخره رئیس‌الوزرا شد. تمام اسرار کودتا را نمی‌توانم به شماها بگویم. ادراک آقای دکتر بزرگتر از این است که حقایق دیگری را بفهمند. هر روز محکمه علیای عدالت ملی تشکیل شد، اول کسی که برای محاکمه حاضر شود سیدضیاءالدین است. آنچه می‌گویم مدرک دارم. خلاصه رئیس‌الوزرا شدم.

اولین اقدام من تلگرافی بود به مرحوم مشاورالممالک سفیرکبیر ایران در مسکو که بدون تأمل عهدنامه شوروی را امضا کنید. اولین اقدام من این بود. دکتر مصدق: آه آه

دومین اقدام من الغای قرارداد ایران و انگلیس بود. می‌فرمایید این قرارداد ملغی بود، تصدیق می‌کنم عملاً ملغی بود ولی یک وضعیت بغرنجی ایجاد کرده بود که افراد را خسته و وضعیت را فلج کرده بود. ما ششصد هزار لیره پول داشتیم در بانک

شاهنشاهی از بابت منافع عقب افتاده کمپانی نفت جنوب و این ششصد هزار لیره آن وقت شاید دو میلیون تومان می‌شد، در حالتی که دولت ایران برای صد هزار تومان باید از سفارت انگلیس گدایی بکند. بانک شاهنشاهی این پول را نمی‌داد و در خزانه هم پول نداشتیم. از گمرک نمی‌توانستیم چیزی بگیریم، چون که وسیله نبود. تا دولت هم حرف می‌زد می‌گفتند آقا تکلیف قرارداد را معین کنید، یا بگیرید یا بدهید، قرارداد اگر عملی نشده بود ولی یک بفرنجی بود، یک مانعی بود که اولاً افکار عموم را متزلزل داشت، هیچ کس نمی‌دانست قرارداد هست یا نه؟ و کلاً نمی‌دانستند به مجلس شورای ملی که می‌روند آیا قرارداد را قبول کنند یا رد کنند. من آمدم این را الفاکردم و اما این که فرمودید آیا از «لرد کرزن» مشاوره کردم و استیذان کردم، این نکته بین خود ماست، این نکته را دوله‌ها و ملک‌ها و سلطنه‌ها نمی‌فهمند. این نکته را یک مدیر روزنامه می‌فهمد، بدون مشاوره با دولت انگلیس، بدون استشاره با سفیر انگلیس و لرد کرزن من با مسئولیت خودم این قرارداد را الفاکردم. یعنی من مدیر روزنامه ملفی کردم تا معلوم شود که می‌توان کرد. به همین جهت لرد کرزن از من رنجید تا هفتم حمل یعنی یک ماه و سه روز حکومت مرا نشناخت و خدا می‌داند چه اندازه همین رنجش لرد کرزن تأثیری داشت در بودن و نبودن من در ایران. این را من نمی‌دانم خدا می‌داند اما این که این چه نوع کودتایی بود؟ آقای دکتر حکومت ملی یعنی چه؟ حکومت ملی مرکب است از قوه مقننه و قوه قضاییه و قوه مجریه. قوه مقننه وجود نداشت، پارلمانی نبود، مؤسسات مشروطه در بین نبود.

دکتر مصدق: مستشار مالیه که آوردند نفرمودید.

سیدضیاءالدین: صبر کنید جوابش را عرض می‌کنم. مجلس شورای ملی وجود نداشت، پس از تعطیل دوره سوم، و کلاً کرسی خودشان را ول کردند و مملکت را به پیش آمد واگذار کردند. تا آن روزی که من رئیس‌الوزرای ایران شدم، تمام رئیس‌الوزراها و دولتهای شما را سفارت روس و انگلیس تصویب و تشکیل می‌داد،

تنها رئیس‌الوزرا و دولتی که به شهادت خدای متعال بدون مداخلهٔ سفارت اجنبی تشکیل شد دولت من بود. بلی دوله‌ها و ملک‌ها و سلطنه‌ها نمی‌فهمند. این نکته را یک نفر مدیر روزنامه می‌فهمد. هر کسی را بهر کاری ساختند، میل آن را بر سرش انداختند. اعلیحضرت مرحوم احمدشاه مرا احضار فرمود، دستخط هم به من داد و اختیارات تام هم به من داد، حالا داخل این بحث نمی‌شوم که این مقدمه را من چیده بودم یا دیگران چیده بودند به عقیدهٔ حضرت‌عالی صحیح بود یا غلط نتیجه‌اش را ببینم چه بود.

دکتر مصدق: فرار بود.

سیدضیاءالدین: شما فارس را بر ضد من شورانید، قوم و خویشهای شما مرا فرار دادند. شما و امثال شما در تهران دسائس کردید. شما مسئولید در پیشگاه خدا، در پیشگاه تاریخ، در پیشگاه ملت ایران، من جز این که جان بدهم چه می‌کردم، نتیجهٔ کودتا چه بود؟ چهل هزار نفر قشون پراکندهٔ ایران از ژاندارمری و قزاق و پلیس و امنیه در تحت ادارهٔ یک سرباز لایق که اسمش رضاخان میرپنج بود جمع کردیم. اداره شدند، امنیت در مملکت فراهم شد. تهران از خطر گذشت، شاه راضی شد بماند. شاه هم که مرعوب بود دید در تهران هم قوه‌ای هست، در تهران هم کسانی هستند که جرأت دارند بگویند که ما زنده هستیم و می‌خواهیم زنده باشیم، ما نمی‌خواهیم تسلیم شویم، با این اراده ما و از جان‌گذشتگی ما شاه هم جرأت گرفت، فقط وقتی که دستخط ریاست وزرا را به من داد از من قول گرفت پس از آن که امنیت در مملکت مستقر شد، وسایل مسافرت او را به اروپا فراهم کنم. من هم وعده دادم. و بعد نتوانستم. و همانکه نتوانستم بین بنده و آن مرحوم بهم خورد. بیچاره مرحوم احمدشاه در نتیجهٔ بی‌قابلیتی و عدم لیاقت دوله‌ها و ملک‌ها و سلطنه‌ها قبل از تشکیل کابینهٔ این جانب و پس از آن که از سفارت انگلیس مأیوس شد تلگرافی به دربار انگلستان و به مقامات عالی‌مقامه نمود که اگر ممکن است احضار قشون

انگلستان را از ایران به تعویق بیاندازید، جوابی نیامد، کودتا پیاپی شد. پس از آن که امنیت برطرف شده تجدید شد، پس از آن که امضای عهدنامه شوروی شد یعنی یک مسئله بفرنج و غامضی بین ما و همسایه که مناسبات تاریخی، سیاسی، اجتماعی ما را به یکدیگر مربوط ساخته و سه هزار کیلومتر با هم هم سرحد هستیم حل شد و روابط حسنه ایجاد گردید در طهران و مملکت یک آسایش فکری برای همه ایجاد شد. یک کار دیگر هم کردم که در آنجا فراموش کرده بودم و حالا در نتیجه تذکر آقای دکتر خلیلی خوشحال شدم توضیح می‌دهم، زیرا من آن را فراموش کرده بودم و آن مسئله پلیس جنوب بود. به طوری که می‌دانید کابینه‌های دوله‌ها و ملک‌ها و سلطنه‌ها اجازه تشکیل پلیس جنوب را چند سال قبل از این داده بودند. پس از این که من رئیس‌الوزرا شدم، یکی از اقداماتم این بود که به وزیر مختار انگلیس اظهار کردم من نمی‌توانم پلیس جنوب را تحت اداره افسران انگلیس قبول کنم و باید منحل بشود و منظم ژاندارمری ایران گردد. ژنرال فریزر را به تهران احضار کردم، آن وقت ماژور فریزر بود، و جلسه‌ای در هیئت وزرا تشکیل دادیم و مذاکره کردیم و اصولی را با هم موافق شدیم که پلیس جنوب تسلیم ایران بشود و از بابت مخارج گذشته قبول کردند که دولت انگلستان از ایران ادعایی نکند. ولی ژنرال فریزر گفت که این اردو را کی تحویل خواهد گرفت آیا افسرهای تهرانی شما که دیروز همدست آلمانها بودند؟ گفتم نه، من از دولت سوئد پنجاه نفر صاحب منصب برای این احضار کرده‌ام که تشکیلات ژاندارمری ایران را منظم کنند و به آقای علاء که در آن موقع در لندن بودند در این باب تلگرافاً دستور دادم که برود به استکهلم و با دولت سوئد داخل مذاکره بشود. گفت خوب حالا تا وقتی که صاحب منصبان بیایند ما چه بکنیم؟ بین بنده و ماژور فریزر موافقت حاصل شد عده صاحب منصبان انگلیسی که دویست نفر بودند به چهل نفر تنزل یابد و تا مدت یک سال در خدمت دولت ایران باشند و به مجرد این که صاحب منصبان سوئدی به ایران آمدند صاحب منصبان انگلیسی مواجب خودشان را

بگیرند و بروند. زیرا اگر هم خود ژنرال فریزر آن تکلیف را به من نمی‌کرد، من نمی‌دانستم چه کنم، چون تشکیلات آنها طرز مخصوصی بود، من نمی‌توانستم یک قوه که در آن موقع امنیت جنوب را عهده‌دار بود بدون سرپرست بگذارم و اگر چه جناب عالی ملاقات رسمی با آنها نمی‌کردید، ولی تشریف داشتن جناب عالی در فارس به تکیه آنها بود، پس من پلیس جنوب را به این ترتیب منحل کردم.

دکتر مصدق: احضار فرمودید.

سیدضیاءالدین: منحل کردم و ثلث یا نصف آن را هم به اصفهان احضار کردم و در اصفهان ماندند.

دکتر مصدق: به تهران احضار فرمودید.

سیدضیاءالدین: خیر به اصفهان احضار کردم و چنانچه گفتم علاقه من در انحلال پلیس جنوب بود. گذشته از این که به استقلال و سلامت مملکت ما لطمه وارد می‌آورده، در بدو امر که ما با دولت همجوار شوروی دارای مناسبات حسنه شده بودیم نمی‌خواستیم در ایران دولت یک تشکیلاتی را داشته باشد که در تحت اداره افسران یک مملکتی باشد که در آن موقع با دولت شوروی دارای مناسبات حسنه بودند و همدیگر را شناخته بودند.

دکتر مصدق: پس چرا به تهران احضار کرده بودید؟

سیدضیاءالدین: عرض کردم، کی آمدند به تهران؟ حالا عرض می‌کنم تازه هم به تهران احضار کرده باشم از وظایف من بود. وقتی که شما رئیس الوزرا شدید احضار نکنید، من بودم کردم، به شما هم مجبور نیستم توضیح بدهم، به شما هم اجازه نمی‌دهم که در شئون رئیس الوزرای من داخل بحث شوید و از من استیضاح کنید که چرا آن کار را کردید؟ و چرا آن کار را نکردید؟ لازم نمی‌دانم به جناب عالی هم توضیح بدهم جناب عالی از اوامر شهریار ایران سرپیچی کردید من به شما چیزی نگفتم، حکم دولت مرکزی را دور انداختید.

دکتر مصدق: پاره کردم.

سیدضیاءالدین: من چیزی نگفتم، خلاصه موفقیّت من در انحلال پلیس جنوب موفقیّت شایانی بود و از مازور فریزر که در آن قضیه با من کمک و مساعدت کرد امتنان دارم و از دولت انگلیس و حکومت هندوستان که در انحلال پلیس جنوب با من مساعدت کرد و حتی وعده دادند از بابت مصارف گذشته چیزی در آن موقع مطالبه نکنند امتنان دارم. اقدام دیگر من در آن موقع شروع به اصلاحات داخلی و جلوگیری از دزدی و افراط در مالیه بود. برای من نهایت مسرت است که ایرانیها می توانند بگویند که یک روزی، یک رئیس الوزرا و دولتی داشتیم که دزد نبود و دزدی نکرد، این افتخار مال شماها است، مال ملت است، زیرا من فرزند این مملکت. چون که فرمودند دیگران محرک من بودند باید این را بگویم روزی نماینده کمپانی نفت جنوب آمد پیش من و از من تقاضا کرد که امتیازات نفت شمال «خوشتاریا» را به او بدهم. گفتم من نمی توانم. گفت چرا؟ گفتم به دو دلیل: اول این که مطابق عهدنامه ایران با حکومت شوروی به ایران مسترد داشته ما حق نداریم به هیچ دولت اجنبی دیگری بدهیم. دیگر این که دادن امتیاز از حقوق من نیست و از مختصات مجلس شورای ملت است. صحبت هایی شد، حرف هایی زد، پس از آن که دید نمی تواند مرا قانع کند زبانی گشود که به مذاق من خوش نیامد. جواب دادم آقای مستر فلان من حاضر هستم برای مصالح عالیّه ایران و انگلیس منافع کمپانی های انگلیس را فدا کنم و چنین هم کردم و این جا هم خدا می داند تا چه اندازه این اظهار من در بودن و نبودن من در ایران تأثیر کرده. امتیاز راه شوسه تهران به قم را یک کمپانی انگلیسی سالها بود اشتغال کرده بود، الفاکردم. و ژنرال های انگلیسی و کلنل های انگلیسی که برای قرارداد به تهران آمده بودند از تهران بیرون کردم.

دکتر مصدق: شما انگلیسها را عاجز کردید!!

سیدضیاءالدین: اگر عاجز نکرده بودم آقای دکتر مصدق السلطنه مستر نرمان

شریفترین وزیر مختار انگلیس در ایران از خدمت وزرات خارجه انگلیس خارج نمی‌شد. بله کردم! خلاصه تا بوده‌ام خیلی کارها کرده‌ام حالا نمی‌خواهم آنها را عرض کنم. با آن که آنچه عرض می‌کنم خارج از موضوع نیست هر چه تاکنون عرض کرده‌ام بس است، کوتاه کنیم. من این کارها را کردم و تا بودم با آقای سردار سپه وزیر جنگ وقت با کمال وداد با هم همکاری می‌کردیم و من شخصاً از ایشان گله‌های شخصی ندارم. اگر اختلافاتی هست در نظریات سیاسی است و من پس از این که از ایران حرکت کردم... مقتضیاتی پیش آمد که آنهم از اسرار کودتا است که من بودن خود را در ایران برای مصالح ایران مقتضی ندیدم، با طیب خاطر ایران را ترک کردم. کسی مرا بیرون نکرد و اگر اطلاعی ندارید به شما بگویم روزی که من از تهران حرکت کردم شش هزار ژاندارم در تحت امر من بود. در تهران قوه قزاق نبود، قزاقها را به قزوین و منجیل مراجعت داده بودم. در تحت امر سردار سپه هزار و هشتصد و یا دوهزار نفر افراد بریگاد مرکزی بودند. در همان موقع من قادر بودم هر چه می‌خواستم بکنم، کسی مرا بیرون نکرد، طرد نکرد و این هم یکی از اسراری است که من فقط می‌دانم و مجبور هم نیستم به شما توضیح بدهم. من از ایران رفتم ولی اقدامات سه ماهه من روحی در ایران دمید که تا ده سال بعد از من ایران در عداد ملل زنده دنیا به شمار آمد. هر چه در ایران امروزه دیده می‌شود مولود کودتا است. اگر در طرح اساسی کودتا من بانی بوده‌ام اما در وقایع ناگوار آن حاضر نبوده‌ام و شرکت نداشتم. در انتخابات دوره پنجم اهالی تهران مرا به وکالت انتخاب کردند، رای دادند. پس از این که دیدند من وکیل می‌شوم همین آراء حومه که امروز جناب عالی را به این جا آورد، آوردند در آراء انتخابیه و نگذاشت من اکثریت حاصل کنم. جناب عالی آقای دکتر فعلاً موضوع دیگری را به میان آوردید، موضوع سلطنت را به میان آوردید. شما بعد از بیست و سه سال از مرحوم احمدشاه مدافعه می‌کنید در صورتی که شما همان کسی بودید که در همین تریبون آنچه فحش و ناسزا و بی‌احترامی بود به احمدشاه کردید. در نطقتان

ناسزا گفتید.

دکتر مصدق: کی؟

دیشب در نطقتان دیدم و بعد این جا آنچه توانستید مدح و تملق و چاپلوسی از والا حضرت پهلوی کردید.

دکتر مصدق: کی؟

در صورتی که علاء و تقی زاده مخالفت خودشان را اظهار کردند بدون این که تملقی بگویند. پس از مجلس شما رفتید چکمه بوسیدید و نتیجه همین چکمه بوسی شما این بود که داماد شما، برادرزاده شما که مجرمتترین رئیس الوزرای این مملکت بود....

دکتر مصدق: به من چه! شما می خواستید دختر خودتان را بفرستید، به وسیله دخترتان با او صحبت کنید، بلی همان داماد شما که جوانهای این مملکت را به محبس کشید، قوه قضائیه این مملکت را محو کرد.

دکتر مصدق: هوچی گری نکنید.

قوه اجرائیه را در قضائیه مداخله داد. اینها حقایقی است که باید گفته شود. اینها را کسی فراموش نمی کند. باقی می ماند، بگذارید باقی بماند. شالوده سعادت ایران طرح ریزی شده بود. ولی من سردار سپه را رئیس الوزرا نکردم. من ریاست وزرا را به ایشان ندادم. من ایشان را به پادشاهی برنگزیدم. تمام ملت، تمام مملکت خدمات او را تا پنج سال بعد از حرکت من تقدیر می کرد و امروز هم مقتضیات مملکت را مناسب نمی دانم که یک قضیه ای که چند سال پیش در غیبت من پیش آمده و امروز شما برای دشمنی من و عوام فریبی خودتان تجدید می کنید پیش کشیده و در اطراف آن توضیحات زیاده تری بدهم. امروز در مملکت مواجه با یک بدبختی هایی هستیم، با یک بیچارگی هایی هستیم، با یک مصائبی هستیم و فقط سزاوار است از قضایایی بحث کنیم که مجرمیت مرا ثابت کند، نه این که کی شاه بود و چه

طور بود و چه طور رفت. این که مصائب بیست ساله را ذکر می‌کنید و مرا مسبب بدبختیهای ایران می‌دانید. مثل این است که مسئول شهادت حسین بن علی در صحرای کربلا، حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد، زیرا اگر پیغمبر اسلام را نیاورده بود بنی امیه هم پیدا نمی‌شد، معاویه هم پیدا نمی‌شد، حسین بن علی هم کشته نمی‌شد. به همان اندازه که جد اکرم پیغمبر مسئول فجایع کربلا است من هم مسئول فجایع بیست ساله هستم. مطلبی را با کنایه فرمودید ولی جرأت نداشتید وقایع را روشن بگویید و اشاره به یک نحوی کردید ولی من جرأت دارم و با جرأت می‌گویم.

دکتر مصدق: البته!

سیدضیاءالدین: گفتید کودتای انگلیسی بود و این کودتا را انگلیسها کردند. قضیه خیلی مضحک است. انگلستان برای اجرای قرارداد کودتا نکرد، برای الغای آن چرا کودتا می‌کند؟ مردم بشنوید تعجب کنید. سه سال بود که قرارداد امضا شده بود، آنچه من مطلع‌ام، آنچه من اطلاع دارم در هیچ تاریخی، هیچ سفارت انگلیسی به دولت ایران فشار نیاورده بود که این قرارداد را اجرا بکنید. وقتی که دولت انگلیس برای اجرای آن نمی‌خواهد کودتا کند برای الغایش چرا کودتا بکنند؟ پس مطلب چیست؟ باید مدیر روزنامه بود تا این مسائل را فهمید. باید از مردم بود تا این حقایق را دانست. باید از طبقه اشراف ملک و دوله و سلطنه نبود. باید کسی باشد که در تمام دوره زندگی وقت خودش را صرف جمع مال از طرق غیر مشروع و مستوفی‌گری و خالصه‌خواری نکرده باشد تا بتواند بفهمد چه گونه یک از جان گذشته می‌تواند به یک مملکت خدمت بکند و یک کاری بکند که عقول ناقصه ادراکات منکسر از قوه درک ان عاجز است. خیر آقا! این کودتای انگلیس نبود. انگلیسها پیش‌بین هستند. انگلیسها سیاست سه ماهه ندارند. اگر انگلستان می‌خواست سیاست سه ماهه داشته باشد کار انگلستان چند قرن پیش مثل کار امروز ما شده بود، نه خیر این یک کودتای

انگلیسی نبود.

دکتر مصدق: پس چه بود؟

سیدضیاءالدین: فداکاری سیدضیاءالدین بود. حالا این اظهارات من شما را قانع نکرد، حقایق دیگری هست که من نگفتم و نمی‌گویم. اگر می‌خواهید محکمه علیای عدالت ملی را تشکیل دهید، من برای محاکمه حاضر هستم.

دکتر مصدق: تعلیق به امر محال می‌فرمایید!

سیدضیاءالدین: البته با اشخاص مانند شما تعلیق به محال ممکن است بشود. من مسئولیت مسبب بودن وقایع سوم حوت را به عهده می‌گیرم. در مقابل خدا، در مقابل تاریخ، در پیشگاه ملت ایران از این کودتا برای خودم بهره‌ای نبردم، جز یک مزاج علیل، نه دزدی کردم، نه کسی را کشتم، دستم به خون کسی آلوده نشد، مال کسی را نبردم، خانه کسی را خراب نکردم، فقط یک عده کسانی که معتاد نبودند در گذشته حبس شوند تحت نظر گرفتم. در آن روزهای تاریک فقط من بودم که از خود گذشتم و ایران را از خرابی و تجزیه نجات دادم. از این اظهارات قصدم تحریک آقایان نیست برای تصویب اعتبارنامه من. علاقه شخصی من، محرک بودن و نبودن من در مجلس نیست و کسانی که به من محبت یا بی‌لطفی دارند فقط باید وجدان خود را حاکم عرایض من و وقایع تاریخی قرار بدهند. من طالب مقام نیستم، طالب شهرت نیستم، طالب راحتی و جمع مال نیستم. دو ماه پیش به من تکلیف شد سفارت آمریکا و ریاست هیئت اعزامیه را به ممالک خارجه قبول کنم، من نکردم. اگر پول می‌خواستم به واشنگتن می‌رفتم. اگر مقام و ذوق ملک و دوله و سلطنه داشتم به واشنگتن می‌رفتم. من اینجا ماندم و اینجا هم می‌مانم برای ایران. خلاصه من چه باشم و چه نباشم امیدوارم آقایان وکلای ملت وضعیات بدبختی مملکت خودمان را تشخیص بدهند.

کوشش من در افتتاح مجلس برای یک حقیقتی بود، فقط این که مجلس

ناقص را از نبودنش بهتر می‌دانم. از لحظه اول مصمم شدم اتحاد و اتفاق خودم را نشان بدهم. با هیچ اعتبارنامه‌ای مخالفت نکردم. نه این که اعتبارنامه‌ها صحیح بود و یا انتخابات تمام مراحل قانونی و حقیقی خود را طی کرده بود، نه، برای این نبود، برای این بود که وضع مملکت را مناسب با تعویق افتتاح ندیدم. این دو روزه در روزنامه‌ها برداشتند به آقایان وکلای ملت حمله کردند که چرا اعتبارنامه‌ها را این طور تصویب کردید و یک نسبت‌های ناسزایی به اکثریت دادند. خواهش می‌کنم از فحش روزنامه‌ها افسرده نشوید، شما یک وظیفه نمایندگی دارید. من چه در مجلس باشم چه در مجلس نباشم خواهان مجلس هستم و کوشش خواهم کرد شماها را در مقابل دشمنان مجلس مدافعه کنم. من عظمت و استقلال فکر مجلس را خواهان هستم. زیرا تمام مظهر قدرت ملی با این مجلس است. آقایان نمایندگان این ایام بدترین ایام تاریخ ایران است، این ایام بهترین ایام تاریخ ایران است. این دوره دوره ایمان است، این دوره دوره بی‌ایمانی است. این عصر عصر دانش و خردمندی است، این عصر عصر نادانی و بی‌خردی است. این فصل فصل روشنی است، این فصل فصل تاریکی است. بهار امید در پیش است، زمستان ناامیدی در برابر عفریت بدبختی دامن نیستی را گسترده و فرشته سعادت پر و بال خود را گشوده، چرا؟ زیرا همه چیز داریم و هیچ نداریم. از آنچه گفتم و شنیدید و البته گوش هم داده‌اید شاید تباین و تناقضی تشخیص دهید، به نظر من اگر تباینی باشد در عقول و افهام است. اگر تناقضی باشد در سنجش و ادراک است و اگر اختلافی باشد در تشخیصات است. همه می‌دانید چرا این ایام بدترین ایام تاریخ است. اکنون ببینید چگونه این ایام بهترین ایام تاریخ است. اگر ما ایرانیان، اگر کسانی که سرنوشت این مردم بدبخت را در دست گرفته‌اند با فداکاریهای خود، با از خودگذشتگیهای خود، با خداشناسی و مردم‌دوستی خود، با اخلاص و چشم‌پوشیهای خود قدمهایی بردارند آن وقت است که ما می‌توانیم بگوییم این ایام بهترین ایام تاریخ ایران است. اگر مفهوم اضمحلال را بدانیم، اگر

روزهای تاریکی که برای نسل آتیه در پیش است به نظر آوریم، نسلی که هنوز از کتم عدم به عرصه وجود نیامده و جز ذلت و ادبار و فلاکت میراثی برای وی تهیه نشده و با دیده عبرت بنگریم و با یک تکان خود را از لعنت و سرزنش ابدی رهایی بدهیم، اگر با اخلاص و ایمان به خدا قرض خود را به ملتی که ما را پرورش داده ادا کنیم، آن وقت است که با سربلندی فصل روشن و بهار سعادت ایران را پیش خود دیده، با جلوه‌ترین صفحات تاریخ ایران را به وجود آورده‌ایم. پس هر چه هست درما است. آقایان اگر شماها فداکاری بکنید، به جای چشمهای اشکبار در آتیه نزدیکی با لبهای خندان و پیشانیهای گشوده سیمای متبسم ایرانیان را نگرسته، همدیگر را شادباش خواهید گفت. آن وقت است که آثار اهتزازات فکر روشن ایرانی، شعله الهامات الهی، جلوه تجلیات معرفت انسانی، شعله عشق خداپرستی، یعنی مردم‌دوستی نتیجه اخلاص خدمتگزاران با تقوای ملت و ارزش واقعی دوستان صمیمی ایران را ملاحظه خواهیم کرد. آمین یا رب العالمین.»

افراد مختلفی در آن دوران نامزد کودتا یا در فکر کودتا بودند ولی به هر حال قرعه فال به نام سید زده شد. کودتا با مشارکت رضاخان میرپنج (پهلوی)، سیدضیاءالدین طباطبایی، احمدآقاخان (امیر احمدی)، کلنل کاظم‌خان (سیاح) و مازور مسعودخان (کیهان) در سحرگاه سوم اسفند ۱۲۹۹ اتفاق افتاد. کودتاچیان تقریباً بدون هیچ عکس‌العملی از سوی نیروهای پلیس و ژاندارم پایتخت، از دروازه قزوین وارد تهران شدند و مراکز حساس دولتی را تصرف کردند. شاه فردای کودتا یعنی چهارم حوت تحت فشار کودتاچیان حکم ریاست وزرایی طباطبایی را در قصر فرح‌آباد امضا کرد و در پی آن، عصر همان روز طی اطلاعیه‌ای به تمام حکام ایالات و ولایات این مطلب را اعلام نمود. شاه در اعلامیه خود، زمامداران دوره‌های گذشته را «غفلت کار» و «لاقید» خواند و همین موضوع موجبات رنجش خاطر و آزرده‌گی دولتمردان را که پس از کودتا بسیاری از آنان به دستور سیدضیاء دستگیر و زندانی

شدند فراهم آورد.

پس از کودتا کلیه مطبوعات کشور تعطیل شد، حتی روزنامه رعد که به رهبر سیاسی کودتا تعلق داشت.

عده‌ای از رجال سیاسی چه خادم و چه خائن دستگیر و راهی زندان شدند. به دنبال اعلام حکومت نظامی و منع آمد و رفت، هر گونه ندای مخالفی با نیروی قزاق پاسخ داده شد. بر در و دیوار شهر اعلانات تهدیدکننده و خشن نظامی چسبانده شد. سید روز دهم حوت (اسفند) اعضای کابینه خود را تعیین و در روز یازدهم حوت در قصر فرح آباد آنان را به شاه معرفی کرد. اعضای دولت او عبارت بودند از:

۱. سیدضیاءالدین طباطبایی، رئیس‌الوزرا و وزیر داخله.

۲. مازور مسعودخان (کیهان)، وزیر جنگ.

۳. رضاقلی‌خان نیرالملک، وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.

۴. میرزا محمودخان مدیرالملک (جم)، وزیر خارجه.

۵. میرزا عیسی‌خان، وزیر مالیه.

۶. دکتر مؤدب‌الدوله (نفیسی)، وزیر صحیه و خیرات عمومی.

۷. مشیر معظم، وزیر پست و تلگراف.

۸. میرزا محمودخان موقرال‌دوله، وزیر فواید عامه، فلاح و تجارت.

۹. منصورالسلطنه، کفیل وزارت عدلیه.

۱۰. عدل‌الملک (دادگر)، کفیل وزارت داخله.

به جز رضاقلی‌خان نیرالملک، سایر اعضای کابینه سیدضیاء هیچ یک سابقه وزارت نداشتند و حتی برخی از آنان در محافل سیاسی تهران گمنام بودند. شاید یکی از مشکلات عمده سید نیز همین مسأله بود.

اول فروردین ۱۳۰۰ خورشیدی، رئیس‌الوزرا همراه اعضای کابینه‌اش در کاخ گلستان برای مراسم سلام عید نوروز در پیشگاه سلطان احمد شاه قاجار حضور

یافت. این مراسم با سردی تمام انجام گرفت و جز سید و اعضای کابینه‌اش و چند نفر از کارکنان دربار کس دیگری حضور نداشت. اغلب سیاستمداران در زندان بودند و کسانی مانند مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک هم که در زندان نبودند دعوت شاه را نپذیرفته و در مراسم شرکت نکردند. علت این امر مربوط می‌شود به اعلامیه صادره از سوی شاه که در آن زمامداران گذشته را «غفلت کار» و «لاقید» خوانده بود.

در بخشهای مختلف این کتاب با عملکرد کابینه سه ماهه سیدضیاء بیشتر آشنا خواهیم شد و نیازی نیست که در این پیشگفتار به بررسی وضعیت کابینه بپردازیم، اما بد نیست بدانیم که در دوم خرداد ماه ۱۳۰۰ بین احمدشاه و سید مشاجره لفظی شدیدی درگرفت و شاه به او دستور استعفا داد.

سید نپذیرفت و گفت مرا عزل کنید. شاه نیز به همدستی رضاخان سردار سپه که در آن روزگار وزیر جنگ و دارای نفوذ و قدرت فوق‌العاده‌ای بود در چهارم خرداد ماه همان سال سید را عزل و تلگراف زیر را به ایالات و ولایات مملکت مخابره کرد: «نظر به مصالح مملکتی میرزا سیدضیاءالدین را از ریاست وزرا متفصل فرمودیم و مشغول تشکیل هیئت وزراء جدید هستیم. باید کمال مراقبت را در حفظ انتظامات به عمل آورید و مطالب مهمه را مستقیماً به عرض برسانید.

شاه»

سیدضیاءالدین ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز به همراه ایپکچیان رئیس بلدیّه، مازور مسعودخان، کلنل کاظم‌خان و عده‌ای مستحفظ قزاق تهران را به سوی قزوین، بغداد و اروپا ترک کرد. او در حقیقت از ایران تبعید شده بود.

طبقه‌بندی اسناد:

در این کتاب اسناد در هشت بخش مستقل طبقه‌بندی شده که در ابتدای هر بخش راه‌نمای اسناد همان بخش آورده شده. گردآورنده این اسناد ادعا ندارد که توانسته همه اسناد کابینه سیدضیاء را بی‌هیچ کم و کاستی فراهم آورد، اما در این راه تلاش کافی انجام گرفته است. برخی از اعلامیه‌ها و اسناد (که تعدادشان در این مجموعه اندک است) قبلاً چاپ و منتشر شده بود که برای کاملتر شدن مجموعه، بدان افزوده شد.

حسن مرسلوند

بهار ۱۳۷۳

منابع پیشگفتار:

۱. عاقلی، باقر. روزشمار تاریخ ایران. نشر گفتار، ۱۳۶۹.
۲. مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران، جلد اول. امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۳. حکیم الهی، فریدون. اسرار سیاسی کودتا و زندگانی آقای سیدضیاءالدین طباطبایی.

بخش اول:

گرفتاران سیاسی

راه‌نمای اسناد بخش اول:

[سند شماره ۱/۱]:

از: علی اکبر پزشکیان قزوینی

به: رئیس‌الوزرا

موضوع: درخواست آزادی مشاور اعظم

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۲]:

از: مدیرالملک

به: هیأت دولت

موضوع: درخواست آزادی علاء‌السلطان

تاریخ: ۶ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۳]:

از: سیدضیاءالدین طباطبایی

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: حکم آزادی علاء‌السلطان

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۴]:

از: علی اکبر دهخدا

به: [؟] احتمالاً سیدضیاءالدین طباطبایی

موضوع: درخواست آزادی میرزایحیی برادر علی اکبر دهخدا

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۵]:

از: رئیس دفتر سیدضیاءالدین طباطبایی

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: حکم آزادی میرزایحیی، برادر علی اکبر دهخدا

تاریخ: ۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۶]:

از: علی اکبر دهخدا

به: [؟] احتمالاً سیدضیاءالدین طباطبایی

موضوع: درخواست آزادی میرزایحیی

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۷]:

از: م. ب. س. جراح مریضخانه دولتی

به: [؟]

موضوع: گواهی نامه بیماری سالار فاتح

تاریخ: ۲۸ فوریه ۱۹۲۱

[سند شماره ۱/۸]:

از: دفتر رئیس الوزرا
به: حاکم نظامی تهران
موضوع: بیماری سالار فاتح و آزادی میرزا احمدخان
تاریخ: ۱۲ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۹]:

از: رئیس دفتر ریاست وزرا
به: حاکم نظامی تهران
موضوع: حکم آزادی سالار فاتح
تاریخ: ۴ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۱۰]:

از: حکومت نظامی تهران
به: اداره نظامیه
موضوع: دستور آزادی سالار فاتح
تاریخ: ۶ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۱۱]:

از: دفتر ریاست وزرا
به: حکومت نظامی تهران
موضوع: عدم تعرض به امین الدوله و خانواده او
تاریخ: ۱۳ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۱۲]:

از: سلطان محمد

به: [؟]

موضوع: گزارش سند بعدی

تاریخ: ۱۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۱۳]:

از: [؟]

به: [؟] احتمالاً سیدضیاءالدین طباطبایی

موضوع: گزارش رضاخان سردار سپه در مورد علت دستگیری سردارحشمت

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۱۴]:

از: حکومت نظامی تهران

به: خانواده مستشارالدوله

موضوع: تسلیم مستشارالدوله به حکومت نظامی

تاریخ: ۱۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۱۵]:

از: خانواده مستشارالدوله

به: رئیس الوزرا

موضوع: عدم اطلاع از مکان مستشارالدوله

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۱۶]:

از: سید ضیاءالدین طباطبائی

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: عدم تعرض نسبت به مستشارالدوله و خانواده او

تاریخ: ۲۶ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۱۷]:

از: حکومت نظامی تهران

به: رئیس الوزرا

موضوع: برداشتن قزاقها از خانه مستشارالدوله

تاریخ: ۲۶ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۱۸]:

از: حکومت نظامی تهران

به: رضاخان رئیس دیویزیون قزاق

موضوع: تعیین قزاق جهت همراهی مستشارالدوله

تاریخ: ۲۶ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۱۹]:

از: رضاخان رئیس دیویزیون قزاق

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: عدم اطاعت از حکم رئیس الوزرا در مورد مستشارالدوله

تاریخ: ۲۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۲۰]:

از: حکومت نظامی تهران

به: رضاخان رئیس دیویزیون قزاق

موضوع: توضیح در مورد سند قبل

تاریخ: ۲۶ حوت ۱۲۹۹ [تاریخ نامه با توجه به سند قبل اشتباه و احتمالاً ۲۹

حوت درست است.]

[سند شماره ۱/۲۱]:

از: وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

به: رئیس الوزرا

موضوع: دستگیری اسدالله خان و محمدقلی خان برادران مدیرالملک سهراب زاده

به جای او

تاریخ: ۱۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۲۲]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: عدم تعرض نسبت به سعدالملک

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۲۳]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: عدم تعرض نسبت به معدل الممالک شیرازی

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۲۴]:

از: حکومت نظامی تهران

به: رئیس الوزرا

موضوع: عدم تعرض نسبت به سعدالملک و معدل الممالک شیرازی

تاریخ: ۱۸ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۲۵]:

از: سفارت انگلیس در تهران (کلنل هیگ)

به: ریاست وزرا

موضوع: تقاضای صدور مجوز سفر جهت شاهزاده اسماعیل میرزا معتمدالدوله

تاریخ: ۲ مارس ۱۹۲۱

[سند شماره ۱/۲۶]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: دستور صدور جواز عبور به خارج از شهر برای شاهزاده اسماعیل میرزا

معتمدالدوله

تاریخ: ۱۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۲۷]:

از: سیدضیاءالدین طباطبائی
به: حکومت نظامی تهران
موضوع: دستور آزادی کوکفکین روسی
تاریخ: ۲۲ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۲۸]:

از: حکومت نظامی تهران
به: اداره نظمیه
موضوع: تحویل کوکفکین روسی به مسیو فیودور
تاریخ: ۳ حوت ۱۲۹۹ [تاریخ نادرست است، احتمالاً ۲۳ حوت درست است].

[سند شماره ۱/۲۹]:

از: سردار اعظم
به: رئیس الوزرا
موضوع: درخواست آزادی خود از زندان
تاریخ: ۲۲ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۳۰]:

از: [؟]
به: [؟]
موضوع: گزارش در باره سردار اعظم
تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۳۱]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: عدم دستگیری ناظم التجار کرمانی

تاریخ: ۲۲ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۳۲]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: بازگشت قزاقهای اعزامی به خانه ممتازالدوله

تاریخ: ۲۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۳۳]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: درخواست صدور مجوز سفر به خارج از شهر برای چند تن از رجال

سیاسی

تاریخ: ۲۶ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۳۴]:

از: سیدضیاءالدین طباطبایی

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: عدم تعرض نسبت به سید عبدالرحیم خلخالی
تاریخ: ۲۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۳۵]:

از: ایالت و بلدیہ تهران
به: عموم مأمورین نظامی
موضوع: عدم تعرض نسبت به سید عبدالرحیم خلخالی
تاریخ: ۲۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۳۶]:

از: میرزا سلیمان
به: رئیس الوزرا
موضوع: درخواست منع تعقیب برای خود
تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۳۷]:

از: دفتر رئیس الوزرا
به: حکومت نظامی تهران
موضوع: عدم تعرض نسبت به میرزا سلیمان خان
تاریخ: ۲۲ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۳۸]:

از: سردار فاخر

به: رئیس الوزرا

موضوع: درخواست آزادی مشارالدوله

تاریخ: ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۳۹

[سند شماره ۱/۳۹]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: سردار فاخر

موضوع: اطمینان از وضعیت مشارالدوله

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۴۰]:

از: سید ضیاء الدین طباطبایی

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: آزاد کردن مشارالدوله و اعزام او به هیأت دولت برای مذاکره با

رئیس الوزرا

تاریخ: ۱۶ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۴۱]:

از: سفارت انگلیس [اسمارت]

به: رئیس الوزرا

موضوع: وساطت از صلاح الملک و صلاح السلطنه به توصیه میرزا احمد رخشان

تاریخ: ۲۸ فوریه ۱۹۲۱ برابر با ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۳۹

[سند شماره ۱/۴۲]:

از: احمد رخشان

به: سفارت انگلیس [اسمارت]

موضوع: تقاضای توصیه برای رهایی صلاح السلطنه و صلاح الملک

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۴۳]:

از: سفارت انگلیس [اسمارت]

به: دفتر رئیس الوزرا

موضوع: توصیه برای سپهسالار اعظم

تاریخ: اول مارس ۱۹۲۱ برابر با ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۳۹

[سند شماره ۱/۴۴]:

از: سید ضیاء الدین طباطبایی

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: اجازه برای ملاقات احیاء السلطنه با سپهسالار اعظم در زندان

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۴۵]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: سفارت انگلیس [اسمارت]

موضوع: پاسخ نامه اسمارت [سند شماره ۱/۴۳]

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۴۶]:

از: حاجی محمد

به: [؟]

موضوع: اجازه ملاقات احياء السلطنه با سپهسالار اعظم

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۴۷]:

از: حکومت نظامی تهران

به: اداره نظمیه

موضوع: دستگیری میرزا یانس

تاریخ: ۲۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۴۸]:

از: حکومت نظامی تهران

به: رئیس الوزرا

موضوع: ارسال گزارش معاینه پزشکی از میرزایانس

تاریخ: ۲۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۴۹]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: انتقال میرزایانس به بیمارستان یا جایی که هوایش بهتر باشد

تاریخ: ۲۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۵۰]:

از: اداره زندان

به: [؟]

موضوع: رسید زندان برای میرزایانس

تاریخ: ۲۸ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۵۱]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: انتقال میرزایانس به جای بهتر

تاریخ: ۲۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۵۲]:

از: ایالت و بلدیة تهران [دکتر نادرخان]

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: گزارش معاینه پزشکی از میرزایانس

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۵۳]:

از: شیخ محمدعلی بهجت‌العلما

به: رئیس الوزرا

موضوع: درخواست آزادی برای خود

تاریخ: ۲۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۵۴]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: اداره نظمیه

موضوع: دستور آزادی شیخ محمد علی بهجت العلماء

تاریخ: ۲۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۵۵]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: رئیس دیویزیون قزاق [رضاخان]

موضوع: دستور آزادی دکتر جاناناتان تبعه امریکا و پزشک مخصوص سفارت

امریکا

تاریخ: ۲۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۵۶]:

از: رئیس دیویزیون قزاق [رضاخان]

به: رئیس الوزرا

موضوع: سوء تفاهم در مورد جلب و دستگیری دکتر جاناناتان

تاریخ: ۲۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۵۷]:

از: دکتر جاناناتان

به: دیویزیون قزاق

موضوع: عذرخواهی دکتر جانانان از درگیری با یک قزاق
تاریخ: [؟]

[اسند شماره ۱/۵۸]:

از: سفارت فرانسه در تهران [هانری هوپون

به: رئیس الوزرا

موضوع: استرداد نامه‌های مربوط به هانری هوپون که بین نوشته‌جات
نصرت‌الدوله هنگام دستگیری بوده است.

تاریخ: ۱ مارس ۱۹۲۱

[اسند شماره ۱/۵۹]:

از: ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: تحقیق در باره نامه‌های هانری هوپون که نزد نصرت‌الدوله بوده و
توقیف شده است.

تاریخ: ۱۲ حوت ۱۲۹۹

[اسند شماره ۱/۶۰]:

از: ایالت تهران

به: ریاست وزرا

موضوع: تحقیق در باره نامه‌های هانری هوپون

تاریخ: ۱۲ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۶۱]:

از: ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: گزارش گردش کار در مورد نامه‌های هانری هوپون

تاریخ: ۱۳ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۶۲]:

از: حکومت نظامی تهران

به: ریاست وزرا

موضوع: دستور تحقیق از نصرت‌الدوله در باره نامه‌های هانری هوپون

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۶۳]:

از: سفارت انگلیس [هایگ]

به: ریاست وزرا

موضوع: ترجمه نامه هایگ در باره بدهی‌های نصرت‌الدوله به دولت و اتباع

انگلیس

تاریخ: ۳۰ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۶۴]:

از: دیویزیون قزاق [رضاخان]

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: عدم اطلاع از اموال توقیف شده نصرت‌الدوله

تاریخ: حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۶۵]:

از: ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: عدم تعرض نسبت به منزل حاج مخبرالسلطنه

تاریخ: ۱۸ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۶۶]:

از: سیدضیاءالدین طباطبائی

به: حکومت نظامی

موضوع: توصیه تبعید سردار معظم خراسانی به قم

تاریخ: ۱۰ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۶۷]:

از: وزارت امور خارجه

به: [؟]

موضوع: دستور عدم تعرض نسبت به دارایی های سردار معظم در خراسان

تاریخ: ۲۵ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۶۸]:

از: [؟]

به: [؟]

موضوع: دستور عدم تعرض نسبت به اموال سردار معظم خراسانی

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۶۹]:

از: ریاست وزرا

به: کلنل محمدتقی خان [پسیان]

موضوع: حفظ و نگهداری اموال و خانواده سردار معظم خراسانی

تاریخ: ۲۸ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۷۰]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: اجازه ملاقات عمیدالملک با حاج یمینالملک در زندان

تاریخ: ۲۲ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۷۱]:

از: حکومت نظامی تهران

به: رئیس دیویزیون قزاق

موضوع: عدم ممانعت از ملاقات عمیدالملک با حاج یمینالملک

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۷۲]:

از: حکومت نظامی تهران

به: [۹]

موضوع: دستور آزادی شیخ جلال یمین الملک

تاریخ: ۲۳ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۷۳]:

از: نصرت السلطنه

به: حکومت نظامی

موضوع: وساطت در مورد مهام الدوله

تاریخ: ۶ رجب ۱۳۳۹

[سند شماره ۱/۷۴]:

از: ایالت و بلدیه تهران

به: رئیس دیویزیون قزاق

موضوع: تغییر منزل مهام الدوله و رعایت رفاه او

تاریخ: ۱۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۷۵]:

از: حکومت نظامی تهران

به: عموم مأمورین نظامی

موضوع: دستور آزادی مهام الدوله

تاریخ: ۲۶ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۷۶]:

از: حکومت نظامی تهران

به: رئیس دیویزیون قزاق

موضوع: اجازه ملاقات انتظام الدوله با امیر اسعد

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۷۷]:

از: حکومت نظامی تهران

به: رئیس دیویزیون قزاق

موضوع: اجازه ملاقات ناصرقلی خان با مشیرالدوله

تاریخ: ۲۲ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۷۸]:

از: [؟]

به: [؟]

موضوع: وساطت در باره سالار ارفع

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۷۹]:

از: ایالت و بلدیة تهران

به: [؟]

موضوع: پاسخ نامه مربوط به سند قبل

تاریخ: ۲۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۸۰]:

از: ایالت و بلدیہ تهران
به: عموم مأمورین نظامی
موضوع: حکم آزادی سالار ارفع
تاریخ: ۲۱ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۸۱]:

از: سید ضیاء الدین طباطبایی
به: حکومت نظامی تهران
موضوع: دستور آزادی عماد السلطنه
تاریخ: ۱۸ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۸۲]:

از: دفتر ریاست وزرا
به: حاکم نظامی تهران
موضوع: تحویل میرزا علی کازرونی نماینده تنگستان به موقرالدوله
تاریخ: ۲ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۸۳]:

از: حکومت نظامی تهران
به: اداره نظمیه
موضوع: تحویل میرزا علی کازرونی به موقرالدوله وزیر فواید عامه
تاریخ: ۶ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۱/۸۴]:

از: دختر حاجی امین دربار، همسر آقاباقر
به: حکومت نظامی تهران
موضوع: عرض حال و درخواست آزادی آقاباقر
تاریخ: [؟]

[سند شماره ۱/۸۵]:

از: ایالت و بلدیة تهران
به: اداره نظمیه
موضوع: اعزام آقاباقر و یک نفر مفتش به هیأت دولت
تاریخ: ۲۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۸۶]:

از: حکومت نظامی تهران
به: کلنل هیگ [سفارت انگلیس]
موضوع: دستگیری مسیو کابچیکف و شخصی دیگر
تاریخ: ۲۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۸۷]:

از: حکومت نظامی تهران
به: اداره تأمینات نظمیه
موضوع: دستور آزادی نصرالملک، شیخ العراقرین زاده و سیدعلی قعی
تاریخ: ۲۳ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۸۸]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: ارسال صورت دستگیر شدگان برای مستر کادت

تاریخ: ۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۱/۸۹]:

از: سفارت انگلیس [اسمارت]

به: دفتر ریاست وزرا

موضوع: تقاضای وزیر مختار انگلیس مبنی بر ارسال صورت اسامی دستگیر

شدگان سیاسی برای او

تاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ برابر با ۱۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۹

قربان وجود مبارکت شوم

پس از طی مراسم عبودیت و تشکرات قلبیه که امروزه وظیفه هر یک نفر وطن خواهی است، لازم دانست در این موقع جسارتاً به عرض حضرت اشرف عالی برسانم اگر چه تاکنون سبب توقیف آقای مشاور اعظم را ندانسته‌ایم که برای چیست ولی آن چه را که تصور می‌کنم مسلماً برای انحلال عدلیه نیست، زیرا به عقیده بنده ایشان اول کسی می‌باشند که طالب اصلاح عدلیه گذشته بوده‌اند. حالا اگر مغرضین مسئله را به طور دیگر در حضور مبارک جلوه داده‌اند بسته به نظر حضرت اشرف است که صدق و کذب اقوال آنها را به سنجند.

و یا اگر به واسطه خصوصیتی بوده است که سابقاً با شاهزاده نصرت‌الدوله داشته‌اند آن هم باز گمان چاکر این است که حضرت اشرف بهتر از هر کس در نظر داشته باشند که ایشان را در کابینه آقای وثوق‌الدوله که یک عضو فعال مهم آن همین شاهزاده بود از کار انداختند و مدتی بیکار و خانه‌نشین شدند که بالاخره بعد از مدتی بیکاری و خسارت مجدداً در کابینه آقای مشیرالدوله ایشان را به روی کار آوردند. پس چگونه می‌شود تصور کرد که ایشان خود را آلت دست این چنین اشخاص قرار دهند و بر خلاف مصالح ملک و ملت اقدامی نمایند.

و هرگاه به واسطه خیانت و خطاهای دیگر است که بر بنده هم که برادر ایشان هستم مطلب مجهول می‌باشد پس چگونه است که در مقابل این جانب جز یک مبلغ قروض معینه چیز دیگر مشاهده نمی‌کنم و بعد از رفتن اقلأً یک صد هزار تومان میراث آبا و اجدادی، سزاوار نیست که حالیه در ردیف یک مشت مردمان عزیزان

بی جهت و مفت خوران مملکت ایشان هم توقیف باشند.

در صورتی که به صدیقۀ طاهره سلام الله علیها قسم است خانواده اش هم معاش یومیه خود را عاجالتاً به قرض می گذرانند. در هر صورت این بود عرایض بنده، چنان چه باز هم باید ایشان بدون جهت در توقیف باقی بمانند البته باز به نظر حضرت اشرف است و غیر تسلیم چاره [ای] نیست / یعنی امر امر مبارک است.

علی اکبر پزشکیان قزوینی

۶ حوت

مقام منیع هیئت وزراء عظام دامت شوکته

از قراری که اطلاع حاصل شده است آقای علاء السلطان نماینده خزانه مأمور قزاقخانه را به امر رئیس دیویزیون توقیف و حبس نموده اند. علت توقیف از قرار مذکور عنوان رسیدگی به محاسبات مشارالیه است. تصدیق خواهند فرمود که مسئله رسیدگی به حساب با حبس مأمور دولت منافات دارد. مستدعی است مقرر فرمایند فوراً مشارالیه را مرخص نموده در عرض سه روز بعد از مرخصی مشارالیه، حساب دوره تصدی و مدافعه آقای علاء السلطان در امر پرداخت قزاقخانه با اسناد مثبت به هر کس مقرر شود تهیه و تقدیم خواهد شد.

چاکر

مدیرالملک

حاشیه:

حضوراً از مقام منیع ریاست وزراء عظام امر صادر شد.

[سند شماره ۱/۳]

آقای کاظم خان کماندان نظامی شهر

از قراری که آقای مدیرالملک خزانه دار کل اطلاع می دهند آقای علاء السلطان نماینده خزانه مأمور قزاقخانه، به عنوان رسیدگی به محاسبات مشارالیه توقیف شده است. نظر بر این که آقای علاء السلطان از طرف خزانه داری کل متصدی محاسبات قزاقخانه بوده، آقای مدیرالملک عهده دار شده اند که در ظرف سه روز، مشارالیه حساب خود را با اسناد مثبت حاضر نماید. لازم است قدغن نماید مشارالیه را مرخص و آزاد نمایند.

سیدضیاءالدین طباطبایی

تصدقت شوم

دیروز عصر از دربار احضار فرمودید و بعد [؟] خط بنده اجازه شرفیابی نداد. ولی این قدر برای بنده کشف شد که لطف قدیم بر جای خویش بوده، منتها در بین احضار و تشرف شاید ساعی هم سعایت خود را کرده است. دو دقیقه تشرف بنده اگر مفید نبود ضرری هم نداشت. دیروز و دیشب بنده هم در میان غلق و اضطراب یک مادر پیر و چند طفل زبان نفهم به پایان آمد. میرزایحیی خان که شخصاً یکی از ارادت کیشان قدیم خودتان است با اجازه تلگرافی آقای کفیل و خزانه دار از قزوین به طهران می آمده، اردوی قزاق در تحت نظریه کلی، ایشان را هم در ضمن سایر مسافرین توقیف کرده، حالا که اردو در شهر است هیچ مانع دیگری برای استخلاص ایشان نیست. حالا در مقابل این پیش آمد اتفاقی چند دلیل برای [؟] ادامه توقیف ذکر می شود، یکی این که شش هفت ماه رئیس مالیه قزوین بوده و باید حساب بدهد. مطلبی نهایت منطقی است ولی تا حالا هیچ رئیس مالیه بی آزادی، بی اسناد و بی وقت نتوانسته است حساب بدهد. و باز می گویند چون حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا با قزاقخانه قرار داده اند که در امر محبوسین دخالت نفرمایند و آقای رئیس دیویزیون می گویند حکم حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا کافی است و حق هم با ایشان است چه اگر بنا شد قدرت مرکزیت پیدا نکند چطور یک خرابه آباد می شود و آن وقت خدای نکرده باید گفت این دفعه هم دفعه فاصل و نهایی نیست. می گویند آقای کفیل مالیه در حساب میرزا یحیی خان نظریاتی دارند، خود ایشان به بنده می فرمایند این طور نیست و بر صحت فرمودند که ایشان کاغذ ده روز پیش

خودشان که نزد بنده است شهادتی می‌دهد که می‌نویسند آقای سپهدار ایشان را معزول کرده‌اند ولی من معزول نمی‌کنم، فقط بی‌اجازه مثل [؟] دفعه دیگر به طهران نیایند.

تصدقت شوم. این لطفی را که می‌خواهید در آخر در باره یک دوست قدیم بدبخت مبذول فرمایید چه ضرر دارد قدری تسریع شود. یحیی ناخوش است، مادرش مریض است، مرخصش فرمایید. و اگر برای حسابش اشکالاتی هست بنده و اخوی دیگر را مثل علاءالسلطان به کفالت قبول فرمایید، یا هر سه را در خانه فلاکت در تحت نظر قزاق بگیرید. ولی از حالا می‌توانم عرض کنم که در حساب او هم با رسیدگی بی‌طرفی هیچ چیز نیست.

تصدقت

علی اکبر دهخدا

[سند شماره ۱/۵]

ریاست وزرا

نمره کتاب ثبت ۱۱۷۷۵

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۳

ذکر نمره قبلی ۶

تاریخ ارسالی ۷ حوت ۹۹

آقای سلطان کاظم خان فرمانده نظامی شهری

از قراری که آقای میرزا علی اکبرخان دهخدا اظهار می دارند آقای میرزایحیی خان، اخوی معزی الیه که در توقیف هستند کسالت مزاج دارند. چون آقای مدیرالملک خزانه دار کل عهده دار شده اند که به حساب آقای میرزایحیی خان رسیدگی نمایند، از طرف این جانب از ریاست دیویزیون قزاق تقاضا نمایید که مشارالیه را مستخلص و مرخص نمایند.

امضا

[سند شماره ۱/۶]

قربانت شوم

پس از اظهار نهایت امتنان از بذل لطف مخصوص در باب رفع توقیف شاه‌آباد میرزایحیی خان اخوی برای اتمام اکرام تمنا می‌کنم که فوری امر شود او را از قزاقخانه به منزلش بفرستند که رفع نگرانی خانواده‌اش شده و بنده نیز از یک دوستی قدیم برای همیشه ممنون [؟] بمانم.

قربانت علی‌اکبر دهخدا

حاشیه:

عصری او را وارد کرده و گویا به قزاقخانه برده‌اند.

طهران ۲۸ فوریه ۱۹۲۱

ترجمه از انگلیسی

این شهادت نامه ایست در خصوص سالار فاتح که در چند مدت قبل به واسطه قرح معائی (Duodenalwleer) و آپندیس که دارا بود و به توسط ما معالجه شد. او به واسطه ناسلامتی مزاجش غذاهایی که برای مریض لازم است لازم دارد که با این حالت نمی تواند در توقیف باشد. عقیده من این است که یک عمل جراحی دیگری را لازم دارد تا به خوبی رفع مرضش بشود و دکتر مکدول را هم که من خواهش کرده بودم که رفته ایشان را به ببند و در چند روز قبل رفته بود عقیده اش همین است. ممکن است که حبس برای صحت مشارالیه نتایج مهلکی خواهد داشت. جرف اسکات

م. ب. س.

جراح مریضخانه دولتی

[سند شماره ۱/۸]

ریاست وزرا

به تاریخ ۱۲ برج حوت

نمره ۱۱۹۷۷

آقای سلطان کاظم خان کماندان نظامی شهری

از قرار معلوم آقایان میرزا احمدخان و سالار فاتح سهواً دستگیر شده‌اند و اسامی آنها جزو صورت اشخاص محکوم به توقیف نبوده است و به علاوه دکتر اسکات تصدیق داده است که مشارالیهما مریضند و ادامه توقیف آنها مضر می‌باشد، بنابراین این قدغن نمایند مشارالیهما را مرخص و آزاد نمایند.

حاشیه:

نوشته شود که سالار فاتح را برای معالجه به مریضخانه دولتی بفرستند و تحت نظر باشد و آقای میرزا احمدخان را اگر راپرت [۹] از ایشان نرسیده است مرخص نمایند.

[سند شماره ۱/۹]

کابینه ریاست وزراء

نمره ۱۲۹

بد تاریخ ۴ برج حمل ۱۳۳۹

خدمت حضرت آقای کلنل کاظم خان حکمران نظامی طهران دام اقباله العالی

حسب الامر حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت عظمته مقرر فرماید

آقای سالار فاتح را آزاد نمایند.

امضا

[سند شماره ۱/۱۰]

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۶۳

کارتن ۸ دوسبه ۶

تاریخ ۶ حمل ۱۳۰۰

اداره جلیله نظامیه

به موجب مرقومه مطاعیه نمره (۱۲۹) حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء
دامت عظمته آقای سالار فاتح را آزاد نمایید.

امضا

[سند شماره ۱/۱۱]

ریاست وزرا

نمره کتاب ثبت ۱۱۹۸۴

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲

نمره‌های قبل ۶

ارسالی ۱۳ حوت ۹۹

آقای کلنل کاظم خان فرمانده نظامی ریاست طهران

آقای امین‌الدوله و خانواده ایشان به موجب این حکم از هر گونه تعرض
مصون هستند. لازم است در این زمینه تعلیمات مقتضیه صادر نمایند.

امضا

[سند شماره ۱/۱۲]

ریاست وزرا

به تاریخ ۱۵ برج حوت پیچی ٹیل
خیلی فوری است

قربانت شوم

استدعا دارم موقعی که به هیئت تشریف می آورید ارادتمند را برای دادن
توضیح در موضوع مراسلات ملفوف احضار فرمایید.

ارادتمند

سلطان محمد

آقای سردار سپه تفصیل زیر را کتباً نیز حضور مبارک عرض خواهند کرد علت توقیف سردار حشمت این است که مشارالیه انتریک بر ضد وضع حالیه می نماید حتی به مناسبت این که رئیس فوج کمره است استشهادی به مُهر کلیه سربازان بریگاد رسانده که اگر کسی غیر از سردار حشمت رئیس ما باشد ما از خدمت نظامی کناره خواهیم کرد.

آقای سردار سپه اظهار داشتند که به موجب حکم حضرت اشرف رئیس الوزرا سردار حشمت را مرخص خواهیم کرد ولی قبول او به سمت ریاست فوج کمره در دیویزیون قزاق غیرممکن است.

بنده اگر امری نیست مرخص شوم

امضا

[سند شماره ۱/۱۴]

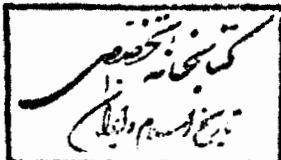
مواد مشروح حکومت نظامی

به تاریخ ۱۵ برج حوت

۳۶۰۹

حسب الامر اولیای دولت قوی شوکت علیه، خانواده و کسان آقای
مستشارالدوله اخطار می شود هر گاه از تاریخ ۱۵ حوت تا ۵ روز دیگر آقای
مستشارالدوله خود را تسلیم حکومت نظامی طهران ننماید کلیه اموال ایشان از
منقول و غیر منقول ضبط دولت علیه خواهد شد.

محل مُهر حکومت نظامی



مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

شرحی از حکومت نظامی که سواد آن تقدیم می شود رسیده به طوری که خاطر مبارک مستحضر است از وقتی که حضرت آقای مستشارالدوله تشریف بردند از محل توقف ایشان بی اطلاع و فوق العاده نگران هستیم در این صورت ابلاغ حکم حکومت نظامی به ایشان غیرممکن است، لهذا استدعا داریم امر و مقرر فرمایید حکومت نظامی بی جهت متعرض منزل ایشان نشود و اسباب وحشت یک عده اطفال را فراهم نکند. بعد از این که محل توقف ایشان معین شد با خود ایشان داخل مذاکره شوند.

خانواده مستشارالدوله

[سند شماره ۱/۱۶]

ریاست وزراء

نمره ۱۲۵۸۱

به تاریخ ۲۶ برج حوت ۱۳۳۹

حکومت نظامی طهران

لازم است مقرر داريد قزاقهايي که در خانه آقاي مستشارالدوله هستند از آن جا رفته متعرض ايشان و خانواده شان نبوده و چون قصد دارند به شميران تشریف ببرند یک دو نفر قزاق يا ژاندارم به خدمت ايشان بگماريد.

سيد ضياء الدين طباطبائي

[مهر و امضا]

حکومت نظامی طهران

به تاریخ ۲۶ برج حوت پیچی ثیل ۹۹

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

دستخط نمره (۱۲۵۸۱) در خصوص برداشتن قزاق‌های مأمورخانه آقای
مستشارالدوله زیارت و حسب الامر قزاق‌ها را برداشته، دو نفر قزاق معین شد که در
معیت ایشان به شمیران بروند.

مُهر و امضا

[سند شماره ۱/۱۸]

حکومت نظامی تهران

نمره کتاب ثبت ۳۹۳۱

کارتن ۸ دوسید ۶

تاریخ ۲۹ حوت ۱۲۹۹

مقام محترم ریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی و فرمانده کل قوا دام
اقباله

سواد دستخط نمره (؟) حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزرا دامت عظمة
نسبت به آقای مستشارالدوله برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می گردد. مقرر
فرمایید دو نفر قزاق معین نمایند که در معیت آقای مستشارالدوله به شمیران بروند و
در خدمت ایشان باشند.

امضا

دیویزیون قزاق اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی

نمره ۳۳۸۰

به تاریخ ۲۹ برج حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹

حکومت محترم نظامی

در جواب مراسله نمره ۳۹۳۱ اظهار می دارد که از مأمورین دربخانه آقای
مستشارالدوله اطلاعی نداشته و قزاقی هم برای خدمت معزی الیه به شمیران فرستاده
نخواهد شد.

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت اقدس همایونی و فرمانده کل قوای نظامی.

امضا: رضا

مهر: دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی

[سند شماره ۱/۲۰]

حکومت نظامی تهران

به تاریخ ۲۶ برج حوت پیچی نیل ۱۳۳۹

مقام محترم ریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی و فرمانده کل قوا دام
اقباله

در جواب مرقومه جوابیه نمره ۳۳۸۰ راجع به دو نفر قزاق برای آقای
مستشارالدوله اطلاعاً خاطر محترم عالی را مستحضر می دارد به موجب امر حضرت
اشرف آقای رئیس الوزرا به کسان آقای مستشارالدوله که خود را مخفی کرده بود
اخطار شد هرگاه در ظرف پنج روز خود را به حکومت نظامی تسلیم ننمایند خانه و
اموال او ضبط خواهد شد. پس از موعد مقرر به خانه مشارالیه حسب الامر قزاق
فرستاده چون خود را به دولت تسلیم کرد از طرف حضرت اشرف اعظم آقای
رئیس الوزراء مقرر گردید که مشارالیه عاجلاً به وسیله دو نفر قزاق به شمیران فرستاده
شوند که با کسی مراوده و معاشرت ننمایند. بنابر این مراتب به حضرت مستطاب
اجل مراجعه گردید که مقرر فرمایید دو نفر قزاق با مستشارالدوله به شمیران بروند که
مواظب اعمال ایشان باشند. و دو نفر قزاق مزبور برای خدمت ایشان نیست بلکه
مأمور مواظبت اعمال آقای مستشارالدوله می باشند.

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

نمره ۴۴۳۱

مورخه - شهر ۱۵ برج حوت ۹۹

مقام منبع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

موقعی که مأمورین حکومت نظامی می خواستند مدبرالملک سهرابزاده را دستگیر نمایند و به دست نیامده در عوض اسدالله خان و محمدقلی خان برادران او را که مستخدم این وزارتخانه هستند توقیف نموده اند، لهذا در استخلاص مستخدمین مزبور استدعای بذل توجه دارد.

مُهر و امضا

[سند شماره ۱/۲۲]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۱۵۸

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۱۷ حوت ۹۹

حکومت نظامی طهران

به موجب این حکم جناب آقای سعدالملک از هر نوع تعرض مصون هستند
به مأمورین نظامی قدغن نمایند متعرض ایشان نباشند.

امضا

[سند شماره ۱/۲۳]

ریاست وزراء

به تاریخ ۱۷ حوت ۹۹

نمره کتاب ثبت ۱۲۱۵۹

کارتن ۱۲ دوسید ۱۲/۶

حکومت نظامی ایالت طهران

به موجب این حکم جناب آقای معدل الممالک شیرازی از هر نوع تعرض
مصون هستند به مأمورین نظامی قدغن نمایند متعرض ایشان نباشند.

امضا

[سند شماره ۱/۲۴]

حکومت نظامی طهران

به تاریخ ۱۸ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۳۶۹۸

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

دو فقره دستخط نمره (۱۲۱۵۹) و نمره (۱۲۱۵۸) در خصوص آقای
معدل الممالک شیرازی و آقای سعدالملک زیارت و حسب الامر قدغن شد مأمورین
نظامی متعرض آنها نشوند.

مُهر و امضا

[سند شماره ۱/۲۵]

ترجمه است

سفارت انگلیس

مورخه ۲ مارس ۱۹۲۱

حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء

شاهزاده اسماعیل میرزا معتمدالدوله شرح ذیل را به این جانب نوشته‌اند: از
قراری که چند نفر مسافر به بنده تقریر کرده‌اند والدہام به شدت مریض است، استدعا
دارم در عالم انسانیت و دوستی یک اجازه نامه یک ماهه و یک جواز مسافرت به
چاکر داده شود که لااقل بتوانم قبل از فوت مادرم دیداری نمایم انجام این مطلب را از
شما می‌خواهم و متعهد می‌شوم که در اصفهان به هیچ کاری نپرداخته حتی درب را به
روی احدی باز ننمایم.

استدعا دارم مقرر فرمایید چه جوابی در این موضوع باید داده شود.

احترامات فایقه را تجدید می‌نماید

کلنل میگ

[سند شماره ۱/۲۶]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۲۰۸

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۱۹ حوت ۹۹

جناب آقای کلنل کاظم خان حاکم نظامی ایالت طهران

چون حضرت والا شاهزاده معتمدالدوله عازم اصفهان هستند و مطابق صورت جداگانه که ملاحظه می کنید اجزای شخصی همراه دارند، قدغن نمایید جواز عبور به خارج شهر به آنها بدهند که در موقع حرکت متعرض آنها [؟]

امضا

[سند شماره ۱/۲۷]

ریاست وزراء

نمره ۱۲۳۲۲

به تاریخ ۲۲ برج حوت پیچی ٹیل ۱۳۳۹

حکومت نظامی ایالت طهران

مقتضی است قدغن نمایند کوکفکین روسی را که توقیف شده است به مسیو
فیودر تحویل بدهند.

سیدضیاءالدین طباطبائی

[امضا]

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۳۸۰۱

کارتن ۸ دوسیه ۶

تاریخ ۳ شهر رجب (۳ برج حوت) ۱۳۳۹

اداره جلیله نظمیه

به موجب دستخط نمره (۱۲۳۲۲) ریاست وزراء عظام دامت عظمته

کوکفکین روسی را به مسیو فیودر تحویل نماید.

۲۲ حوت ۹۹

مقام منیع ریاست وزراءالعظام دامت شوکته

روز پنجشنبه گذشته این بنده را توقیف و جلب به نظمیه کرده‌اند. در این دو روزه هر چه فکر می‌کنم آیا چگونه گناهی ممکن بوده است از بنده سر بزند عقلم به جایی نرسیده و فقط تصور می‌کنم که در ساحت محترم اشتباه کاری کرده‌اند. لهذا از آن جایی که معدلت حضرت اشرف را می‌دانم یقین دارم که اگر بنده را احضار فرمایید به آسانی حضور محترم ثابت خواهد شد که بنده هیچ‌گونه تقصیری ندارم. مدت عمر بنده در اروپا به تحصیل گذشته است. در این چند ساله هم که در ایران هستم احدی را نمی‌شناسم و هیچ وقت هم متصدی هیچ‌گونه شغل دولتی نبوده‌ام. بقیه بسته به معدلت خود حضرت اشرف است. زیاده جسارت نورزیده.

سردار اعظم

[سند شماره ۱/۳۰]

راپرت

سردار اعظم که اکنون توقیف است ده سال مالیاتی را که به زور روسها ندها بودند و متجاوز از هشتاد هزار تومان بود در زمان وزارت صارم الدوله بلع نمود، بلکه این شخص محترم یک عمارت و باغ بزرگ سلطنتی ایران هشت بهشت را غاصباً تصرف نمود. این شخص تمام املاکش خالصجات دولتی است که تماماً با اسباب چینی برده است.

نوشتجاتش تماماً را توقیف کنند معلوم می شود این شخص با معیت دکتر حسین قلی خان رئیس حزب کارگر بر علیه دولت حالیه می خواستند اقدام کنند و به اصفهان فرار نمایند. هر روز در منزل خود او دکتر حسین قلی خان و بعضی روسها حاضر می شده اند. در اطراف خانه اش سردار اعظم عمارات و خانه های متعدد دارد که تمام احتمال دارد تفنگ و غیره را آنجا مخفی کرده اند حالا هم در صدد هستند نوشتجات و جواهر و پول و غیره آنچه که دارد در منزل نوکرهایش دکتر حسین قلی خان و سایر نوکرهای دیگر مخفی بنمایند. قریه دیز در اصفهان که پنجاه هزار جمعیت دارد و سالی صد هزار تومان عایدی دارد مال دولت بوده و حالا دست این شخص است.

[سند شماره ۱/۳۱]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۳۰۱

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۲۲ حوت ۹۹

حکومت نظامی طهران

آقای ناظم التجار کرمانی که از طرف مأمورین نظامی تعقیب شده است متعهد می شود در پاره ای جریانات داخل نشود و بر طبق مقررات حکومت نظامی رفتار نماید بنابر این قدغن خواهید نمود از توقیف ایشان منصرف شده و متعرض نشوند.
امضا

۹۸ / اسناد کابینه کودتا

[سند شماره ۱/۳۲]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۵۶۹

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۲۵ حوت ۹۹

حکومت نظامی طهران

قدغن نمایید قزاقهایی که به منزل ممتازالدوله رفته‌اند مراجعت کنند و
متعرض ایشان نشوند.

[سند شماره ۱/۳۳]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۶۲۱

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۲۶ حوت ۹۹

از کابینه

خدمت حضرت اجل حکومت نظامی طهران

آقایان مفصله ذیل در ایام عید قصد دارند که به خارج از شهر بروند، قدغن فرمایید مأمورین حکومت نظامی از رفتن آنها به خارج شهر ممانعت نکنند:

آقای میرزا محمدخان بدر
عزت الله خان جامع
سلیمان خان
میرزاتقی خان طایر
میرزا محمدخان همایون
جهانشاه خان صالح
زین العابدین خان پهلوی
میرزا علی اصغر خان حکمت
حسن خان صارم
علی محمد خان عامری

[سند شماره ۱/۳۴]

ریاست وزراء

نمره ۱۲۲۵۲

به تاریخ ۲۰ برج حوت ۱۳۳۹

آقای کلنل کاظم خان حاکم نظامی ایالت طهران

آقای آقا سید عبدالرحیم خلخالی که از طرف حکومت نظامی اخطار شده در ظرف پنج روز حاضر گردد نزد این جانب حضور یافته و تعهد کرده است در آتیه متشبث به پاره‌ای عملیات و اقدامات نشده و داخل در بعضی جریانها نشود. لهذا به موجب این حکم، ایشان را از هرگونه تعرض مصون داشته و قدغن نمایند مزاحم ایشان نشوند.

سید ضیاءالدین طباطبایی

[امضا]

ایالت و بلدیہ طهران

نمره کتاب ثبت ۳۷۳۵

کارتن ۸ دوسید ۶

تاریخ ۲۰ حوت ۱۲۹۹

عموم مامورین نظامی را مقرر می دارد

حسب الامر مقام ریاست وزراء عظام دامت عظمة آقای آقا سید عبدالرحیم
خلخالی از این تاریخ آزاد و از هر تعرضی مصون خواهند [بود] و هیچ یک از
مأمورین حق تعرض به ایشان ندارند.

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

با این که سابقاً شرحی به آن مقام محترم عرض کرده که احضار بنده محتاج به هیچ فشار و سختی نیست هر وقت در هر کجا امر فرمایند با کمال اطاعت حاضر و فقط به واسطه کسالت مزاجی که داشته‌ام نتوانسته‌ام در اولین روز در قزاقخانه حاضر شوم، معیناً دیروز شرحی به این بنده رسیده که از طرف حکومت نظامی خطاب به بستگان بنده شده که بایست تا روز یکشنبه در حکومت نظامی حاضر و در صورت تخلف دارئیم ضبط شود. این است که باز تجدید عرض کرده که برای اطاعت انجام امر حاضرم بدون هیچ فشاری، لهذا مقرر فرمایید از طرف حکومت نظامی امر تعقیب نشود. آنچه مقرر فرمایید حاضرم، اطاعت نمایم.

سلیمان

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۲۹۸

کارتن ۱۲ دوسید ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۲۲ حوت ۹۹

حکومت نظامی طهران

قدغن نمایید مأمورین حکومت نظامی متعرض آقای میرزا سلیمان خان نشوند، ایشان در خانه خودشان هستند و البته متعهد خواهند شد با کسی مراوده و معاشرت ننموده و داخل در بعضی جریانات نگردند.

امضا

۱۹ جمادی الثانی ۱۳۳۹

قربانت شوم

چند روز قبل برای عرض تبریک مشرف شده چون تشریف فرما نبودند به وسیله کارت تقدیم تبریک نمود.

نظر بر این که تراکم امور و کثرت مشاغل حضرت مستطاب عالی را می دانست مقتضی ندید به شرفیابی تضييع وقت مبارک را نماید، این است که پس از تجدید مراتب ارادت و عرض تبریک صمیمانه لازم دانست بدون جستن وسائط مستقیماً و بلاواسطه به وجدان پاک و حسن انصاف خودتان مراجعه و خاطر مقدس را متذکر کنم که آقای مشارالدوله را حقیقهً نه در زمره حزبی‌های بی مسلک و مرائی و نه در جرگه جمعی که استفاده از خزانه ملت کرده‌اند می توان محسوب داشت. خسارت وارده بر ماها در این چند ساله اخیر که تقریباً دارایی موروئی از میان رفته بر همه کس واضح، مسالمت و بی طرفی ایشان نیز پس از معاودت به طهران ثابت و شاید خود حضرت عالی هم بی اطلاع نبوده‌اند. در این چند ماهی هم که در وزارت جنگ بودند نه فقط خیال استفاده به خاطرشان نرسید بلکه جلو استفاده‌های نامشروع دیگران را هم حتی المقدور گرفته بودند و روی هم رفته از این خدمت ناراضی و همواره در صدد بودند که برای سرپرستی مختصر علاقه به فارس مراجعت نمایند.

با این ترتیب یقین دارم حسن نیت و حس عدالت‌پروری و وسعت اطلاع حضرت اجل عالی اجازه نخواهد داد که ایشان بدون هیچ سبب و تقصیری در عداد

دیگران داخل شوند، هرگاه به واسطه سؤ تفاهمی بوده است مستدعیم بنده را احضار که هر گونه توضیحی لازم است عرض نمایم و الا خودتان بر بنده ارادت مند منت گذارده حکم استخلاص ایشان را صادر و مرحمتی فرمایند که موجب شکرگزاریم جمله بود. دیگر به رای متین و بی غرض خودتان واگذار می نمایم.

که هر چه حکم کنی بر وجود من حکمی

ارادت مند سردار فاخر

[سند شماره ۱/۳۹]

ریاست وزراء

از کابینه به آقای سردار فاخر

فدایت شوم

مرفومه جنابعالی راجع به استخلاص آقای مشارالدوله به مقام منیع ریاست وزراء عظام رسید و فرمودند معزی الیه را چند روز دیگر مرخص خواهند فرمود و برای ایشان هیچ نوع آسیبی متصور نیست.

[سند شماره ۱/۴۰]

ریاست وزراء

نمره ۱۲۱۰۰

به تاریخ ۱۶ برج حوت ۱۳۳۹

خیلی فوری است

جناب آقای کلنل کاظم خان فرمانده نظامی ایالت طهران

بر طبق تعلیمات شفاهی که به جناب عالی داده ام لازم است آقای مشارالدوله را از توقیف خارج و ایشان را به هیئت وزراء روانه نمایند که ملاقات حاصل شود.

سید ضیاء الدین طباطبائی

[مهر و امضا]

[سند شماره ۱/۴۱]

۱۹ جمادی الثانیه ۱۳۳۹

۲۸ فوریه ۱۹۲۱

[از] سفارت انگلیس

فدایت شوم

لغاً یک طغرا مراسله به امضای آقای میرزا احمدخان رخشان در خصوص گرفتاری آقایان صلاح‌الملک و صلاح‌السلطنه جهت حضرتعالی ارسال می‌دارم. دوستی دوستدار با آقای رخشان غیر پلتیکی و بیشتر راجع به ادبیات می‌باشد و آنچه دوستدار از ایشان استنباط کرده‌ام این است که جوان بی‌غرض و نیک فطرتی هستند و به علاوه خیلی متجدد می‌باشند و به عقیده بنده از آن جوانانی هستند که برای تقویت ترتیبات جدید از آنها باید جذب قلوب نمود. از آقایان صلاح‌الملک و صلاح‌السلطنه دوستدار خیلی جزیی اطلاع دارد و نمی‌دانم آیا استخلاص آنها صلاحیت دارد یا خیر، لکن برای اجرای تکالیف دوستی مکتوب آقای رخشان را پیشنهاد می‌نمایم و چنانچه انجام تقاضای مشارالیه امکان داشته باشد خیلی اسباب امتنان دوستدار خواهد بود در خاتمه مراتب دوستی صمیمانه خود را تجدید می‌نمایم.

اسمارت

امضا

تصدقت شوم

برای اتفاق تازه‌ای مجبورم شدم این چند جمله را جسارتاً تقدیم دارم. دیروز سحر دو نفر از اقوام نزدیک ما را به نظمیه بدون هیچ علتی جلب کرده‌اند. مشارالیه‌ها شوهر خواهر من صلاح السلطنه و برادر او صلاح الملک بوده است که شخص آخری با [؟] وجود مبارک ارادت داشته است. این واقعه اسباب تأسف و زحمت ما را فراهم کرده و مخصوصاً زنهای بدبخت [؟] طاقتی نمی‌ماند. [؟] تمنی می‌کنم اگر ممکن بشود منتی به چاکر بگذارید و اگر خلاف مصالح مملکتی نباشد دستخطی به آقای رئیس‌الوزراء مرقوم فرموده تا این دو نفر را که غیر مهم است مستخلص دارند. در صورت قبول مستدعی است حکم استخلاص آن‌ا به دست خود چاکر رسیده که بنده به نظمیه برده و آنها را مطمئن دارم. بیش از این اسباب تصدیع مبارک را فراهم نیاورده و با کمال عجله و انتظار منتظر این فرصت خواهم بود.

احمد رخشان

[سند شماره ۱/۴۳]

۲۰ جمادی الثانیه ۱۳۳۹

اول مارس ۱۹۲۱

[از] سفارت انگلیس

فدایت شوم

از خانواده آقای سپهسالار اعظم به جناب اجل وزیر مختار اطلاع داده شده که آقای سپهسالار خیلی کسل می باشند و طبیب ایشان نیز اظهار می دارد که چنانچه بیش از این در قزاقخانه توقف نمایند محتمل است خطر جانی برای ایشان بوده باشد و از جناب وزیر مختار خواهش کرده اند که به ریاست وزراء پیشنهاد نمایند که آقای سپهسالار یا در منزل شخصی خودشان و یا در باغ فردوس در تحت نظر توقیف بوده باشند تا در آنجا معالجه نمایند. جناب اجل وزیر مختار از دوستدار خواهش نموده اند که این مطلب را به جنابعالی اطلاع دهم تا به ریاست محترم وزراء ابلاغ فرمایید و البته چنانچه آقای سپهسالار فی الحقیقه مریض باشند آقای رئیس الوزرا رعایت انسانیت را در باره ایشان خواهند فرمود.

ایام دوستی پایدار باد

امضا

[سند شماره ۱/۴۴]

ریاست وزراء

حکومت نظامی طهران

آقای احیاء السلطنه اجازه دارند که آقای سپهسالار اعظم را با حضور نماینده نظامی ملاقات نمایند. قدغن نمایند ممانعت نکنند.

امضا

[سند شماره ۱/۴۵]

فدایت شوم

مدلول مرقومه محترمه را راجع به آقای سپهسالار اعظم به عرض مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمة رساندم، جواباً خاطر محترم عالی را مطلع می دارم که حضرت معظم له همه وقت ملاحظاتی را که احساسات انسانیت پرستانه ایجاب می نماید رعایت فرموده و در مورد آقای سپهسالار اعظم امر مخصوص صادر خواهند فرمود که همه قسم وسائل راحت ایشان فراهم باشد.

حسب الامر آقایان [؟] جعفرخان و محمدباقی خان [؟] حاضرند چاکر هم برای اخذ اجازهٔ احیاء السلطنه پیشکار سپهسالار اعظم و کاغذی که راجع به شرف‌الملک رئیس شعبه [؟] عدلیه است انتظار دارم که مرحمت فرموده مرخص شوم. اگر هم لازم است راجع به آقایان و احیاء السلطنه و شرف‌الملک توضیحات حضوری عرض شود امر به [؟] و الا هستم.

چاکر حاجی محمد [؟]

حاشیه:

حکم صادر شد که احیاء السلطنه اجازه دارد که سپهسالار را ملاقات نماید.

[سند شماره ۱/۴۷]

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۳۸۹۷

تاریخ ۲۵ حوت ۱۲۹۹

اداره جلیله نظمیه

حسب الامر ریاست وزراء عظام دامت عظمته میرزایانس به نظمیه فرستاده
می شود. قدغن نمایند ایشان را محفوظاً توقیف نمایند و رسید مشارالیه داده شود.
[دو کلمه ناخوانا]

[امضا]

حکومت نظامی طهران

نمره ۳۸۸۱

به تاریخ ۲۵ برج حوت پیچی نیل ۱۳۳۹

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

سواد راپرت طبیب مأمور معاینه میرزایانس مسیحی رالفاً برای استحضار
خاطر مبارک تقدیم که به هر طور مقرر می فرمایند رفتار شود.
مهر و امضا

حاشیه:

مشارالیه را به اطاقی که مرطوب نباشد انتقال دهند و معالجه نمایند.

[سند شماره ۱/۴۹]

ریاست وزراء

نمره ۱۲۶۷۸

به تاریخ ۲۷ برج حوت پیچی لیل

فوری است

خدمت حضرت آقای کلنل کاظم خان حکمران دارالخلافه طهران دام اقباله

حسب الامر ابلاغ می دارد نظر بر این که مسیو میرزایانس کسالت دارد مقرر
فرمایید او را در مریضخانه یا در اطاقی که هوایش خوب باشد معالجه نمایند.

ایام عزت مستدام

امضا

[سند شماره ۱/۵۰]

مجلس ایران

تاریخ ۲۸ حوت ۹۹

میرزایانس را که بر طبق امر از مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته از اداره محترم حکومت نظامی در طی مراسله نمره ۳۸۹۷ به نظمیه اعزام داشته بودند تحویل دایره مجلس گردیده است.

[امضا]

[سند شماره ۱/۵۱]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۷۱۴

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۳/۶

تاریخ ارسالی ۲۹ حوت ۹۹

حکومت نظامی طهران

سواد راپورت طبیب مأمور معاینه میرزایانس مسیحی که در ضمن مشروحہ
۳۸۸۱ ارسال داشته بودید ملاحظه شد، قدغن نمایید مشارالیه را به اطاقی که
مرطوب نباشد انتقال داده و معالجه نمایند.

امضا

[ناخوانا]

مقام منبع حکومت جلیله نظامی دامت شوکته

حسب الامر دو ساعت و نیم از ظهر گذشته معاینه طبی از آقای میرزایانس به عمل آمد. مشارالیه به یک برنشیت (سینه درد) جزئی که از زکام عارض شده است مبتلا هستند و سلفه [سرفه] زیادی کرده و می‌کند. در همین ساعت درجه حرارت و مقیاس تب در حضور [؟] در دهن [دهان] ایشان گذاردم تب نداشتند و حرارت بدن به طور معمولی سی و هفت درجه نیم زیر زبان بود. محتمل است شب سلفه [سرفه] شدت نموده و تب خفیف عارض شود.

مداوای [مداوا]: سیگار و دخانیات دیگر ممنوع، مکان گرم، شوربای داغ و مکان راحت و گرم برای خواب. اگر لازم [به] دستور دیگری است امر شود.

ظهر [؟] سه بعد از ظهر

دکتر نادرخان

[سند شماره ۱/۵۳]

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمه

این بنده شیخ محمدعلی بهجت‌العلما که سالیان دراز است از ارادت کیشان حضرت اشرف اعظم هستم الحال قریب دو هفته است که به واسطه سوء تفاهمی در توقیف نظمیه هستم و از حرمان اولاد خود که همگی از محصلین و محصلات هستند و به جز این بنده پرستاری ندارند متصل در تب و تابم. این خودم مریض و آنان به واسطه سختی معیشت در کمال مشقت زندگی می‌نمایند و هیچ چاره‌ی ندارم به جز توسل به ذیل عنایت حضرت اشرف اعظم دامت عظمه که امر و مقرر بفرمایید بنده را مرخص بنمایند تا از پرتو مراحم کامله که شامل حال تمام طبقات است با آسایش خاطر مشغول تربیت و پرستاری اولاد خود و همگی مشغول دعاگویی ذات کامل البرکات حضرت اشرف باشیم.

شیخ محمدعلی بهجت‌العلما

حاشیه:

راپورت مفصلی از علت توقیف مشارالیه هم تقدیم شده است، حال عرض حال مشارالیه را نیز تقدیم می‌دارد تا هر نوع تشخیص [ناخوانا] در تاریخ ۱۹ حوت راپورت نمره ۱ در تحت کلاسه ۱/۶۰۵ به ریاست کل تشکیلات تقدیم شد.

[سند شماره ۱/۵۴]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۶۴۲

کارتن ۱۲ دوسید ۱۳/۶

تاریخ ارسالی ۲۷ حوت ۹۹

اداره جلیله نظمیه

حسب الامر ابلاغ می دارد مقرر فرماید آقای شیخ محمد علی بهجت العلماء را
آزاد نمایند. نتیجه را اطلاع دهید.

[سند شماره ۱/۵۵]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۶۸۸

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۳/۶

تاریخ ارسالی ۲۷ حوت ۹۹

ریاست محترم دیویزیون قزاق اعلیحضرت اقدس همایونی

سفارت امریکا اطلاع می دهد که دکتر جانانان تبعه امریکا و طبیب
مخصوص سفارت، مومی الیه را اداره محترم دیویزیون قزاق جلب و توقیف نموده،
نظر به مقتضیات قدغن فرماید او را آزاد نمایند و نتیجه را اطلاع دهید.

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایون
شاهنشاهی

نمره ۳۴۵۷

بد تاریخ ۲۷ برج حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹

ضمیمه سواد اعتذار دکتر جاناناتان

مقام مقدس ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمه

با کمال توقیر در جواب مرقومه ۱۲۶۸۸ زحمت عرض می دهد که از طرف
اداره دیویزیون قزاق برای جلب و توقیف دکتر جاناناتان اقدامی نگردیده، این موضوع
سوء تفاهمی شده است. برای استحضار خاطر مبارک سواد اعتذاری که خواسته است
لفاً تقدیم داشت.

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت اقدس

همایونی و فرمانده کل قوای نظامی

[مهر]

[سند شماره ۱/۵۷]

دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

سواد اعتذار دکتر جاناناتان

این جانب دکتر جاناناتان بطرس که در توی واگون در سر جا با قزاق طرفیت حاصل نموده و نسبت به اولیای ایشان بعضی اظهارات نمودم، چون برای این جانب حالت عصبانی روی داده بود بدین واسطه کمال معذرت را در بی قانونی می خواهم. امید عفو است.

محل امضا

دکتر جاناناتان

حاشیه:

تصدقت شوم

در این موضوع فردا ظهر شرفیاب شده با حضر تعالی مذاکره خواهم کرد.

امضا

[سند شماره ۱/۵۸]

ریاست وزراء

[از] سفارت فرانسه [در] طهران

۱ مارس ۱۹۲۱

حضور مبارک آقای رئیس‌الوزراء

در بین نوشته‌جاتی که شاهزاده نصرت‌الدوله در حین معاودت از فرانسه همراه داشته دو فقره مراسله بوده است که از پاریس برای این جانب توسط ایشان فرستاده بودند که یکی از آنها را یکی از دوستان شخصی این جانب مسیو ژنرال ژان کوکتو نوشته و دیگری را مسیو فیلیپ برتلوت سفیر فرانسه و سکرتر وزارت امور خارجه در پاریس نگاشته است. نظر به این که اطلاع یافته‌ام که نوشته [های] شاهزاده فیروزمیرزای نصرت‌الدوله از طرف دولت ضبط شده است از حضرت اشرف نهایت درجه امتنان را خواهم داشت چنانچه مقرر فرمایید که این دو مراسله را که روز قبل از دستگیری شاهزاده در ضمن بار و بنه ایشان رسیده است به این [جانب] مسترد دارند. در خاتمه قبول احترامات فائقه را مستدعی است

هانری هوپون

امضا

[سند شماره ۱/۵۹]

ریاست وزراء

۱۱۹۳۹

۱۲ حوت ۹۹

جناب آقای کاپیتان کاظم خان فرمانده نظامی شهر طهران

از سفارت فرانسه اطلاع می دهند که شاهزاده نصرت الدوله حامل دو فقره مراسله از طرف اشخاص ذیل:

m. Jean cocteau

m. Philippe Berthelot

برای سفارت فرانسه بوده و مراسلات نرسیده در ضمن اموال شاهزاده نصرت الدوله توقیف شده است. لازم است قدغن نمایند معلوم نمایند مراسلات مزبور را شاهزاده معزی الیه در کجا گذارده و به دست آورده بفرستند که به سفارت فرانسه ارسال شود.

[سند شماره ۱/۶۰]

ایالت طهران

نمره ۳۵۹۱

به تاریخ ۱۲ برج حوت ۱۳۳۹

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمة

بر طبق مرقومه نمره ۱۱۹۳۹ راجع به دو فقره مراسلات سفارت فرانسه که شاهزاده نصرت الدوله حامل آن بوده به ریاست دیویزیون قزاق و فرمانده کل قوا امر مبارک ابلاغ و نوشته شد مراتب را از شاهزاده معزی الیه تحقیق و مراسلات مزبوره را گرفته ارسال دارند. پس از وصول جواب مراتب به عرض خواهد رسید.

[مهر و امضا]

[سند شماره ۱/۶۱]

حکومت نظامی طهران

نمره ۳۵۹۲

به تاریخ ۱۳ برج حوت ۱۳۳۹

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

در جواب دستخط نمره ۱۱۹۳۹ راجع به دو فقره مراسلات سفارت فرانسه که شاهزاده نصرت الدوله حامل آن بوده است و مرقوم فرموده‌اند در ضمن اموال شاهزاده معزی‌الیه توقیف شده است اطلاعاً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد امر مبارک به فرمانده کل قوا ابلاغ و ارسال مراسلات مزبوره خواسته شده بود، اینک سواد مراسله جوابیه فرمانده کل قوا برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌گردد که تکلیف آن را معلوم فرمایند.

[مهر و امضا]

[سند شماره ۱/۶۲]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۱۲۳

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۱۷ حوت ۹۹

حکومت نظامی طهران

در تکمیل مشروح جوابیه ۳۵۹۱ راجع به دو فقره مراسله سفارت فرانسه لازم است از شاهزاده نصرت الدوله تحقیق و معلوم نماید که این دو فقره مراسله چه شده و کجا مانده است.

امضا

[سند شماره ۱/۶۳]

ریاست وزراء

فوری است

برج ۳۰ حمل تخافوی ئیل

در ۲۷ مارس مستر نارمن مراسله رسمی به وزارت خارجه در موضوع مطالبات اتباع انگلیس و دولت انگلیس از شاهزاده نصرت الدوله فرستاده و اظهار شده است که چون کلیه دارایی شاهزاده مزبور امروزه در توقیف و تحت اختیار دولت است، دولت بایستی عهده دار تسویه این قبیل دعاوی بشود. وزیر مالیه توسط مستر بالفور اطلاع داد که دولت نمی تواند چنین تعهدی را بنماید.

مستر نارمن هیچ دلیلی برای تعقیب این رویه تصور نمی کند. چند فقره از این مطالبات راجع به اتباع انگلیس است که در استخدام شاهزاده نصرت الدوله بوده اند و امروزه دچار زحمت شده اند، مثلاً شخصی موسوم به بیکر که شوفور و مکانیک شاهزاده بوده عریضه به سفارت داده و از فقدان وسیله معاش و گذران خود شکایت می کند. به همین طور مستر گارتن مستشار فنی شاهزاده به همین حال و روز افتاده است. وضع و حال این دو نفر خیلی اسفناک است و در صورتی که به همین منوال بگذرد مناقشاتی روی خواهد داد که لطمه بزرگی بر حیثیات و اعتبارات دولت ایران وارد خواهد آورد. این مسأله مسلم است که شاهزاده در حال حاضر نمی تواند به ایفای تعهدات خود نسبت به اشخاص طلبکار موفق گردد. به تصور مستر نارمن [۴] این مسأله نزد دولت علیه ایران کاملاً واضح و آشکار است که آنهایی که نظارت تام

نسبت به اموال اشخاص دارند البته مسئولیت دعاوی نسبت به آنها را هم عهده‌دار می‌باشند و بدون آن که بر حیثیات خود لطمه وارد سازند نمی‌توانند خود را از مسئولیت بری الذمه نمایند.

گذشته از نظرات معروضه، دعاوی مهم دیگری نیز وجود دارد که با وجود اهمیت آنها مثل قضیه این دو نفر اتباع انگلیسی فوریت ندارد.

از قراری که از قونسول کرمانشاه شنیده شده اداره ژاندارمری حسب الامر طهران از مأمورین نظامی انگلیس مطالبه اتوموبیل آقای نصرت‌الدوله را که نزد آنها امانت گذارده شده می‌کنند و به علت رویه‌ای که دولت در این موضوع تعقیب نموده‌اند مستر نرمان مجبوراً به قونسول تلگرافاً دستور داده‌اند از مأمورین نظامی تقاضا نماید که اتوموبیل آقای مزبور را از دست ندهد، چرا که تنها وثیقه که برای مساعدت با این اتباع انگلیسی که حالیه در طهران هستند در دست است همین اتوموبیلها می‌باشد.

امضا

هایگ

[سند شماره ۱/۶۴]

[ناخوانا]

ادارهٔ محترم کماندانی طهران

در جواب مشروحہ ۳۵۷۹ آن اداره اظهار می‌دارد که چه اموالی از شاهزاده
نصرت‌الدوله توقیف شده این اداره اطلاعی ندارد، در ثانی یادآور خواهید شد تا
اقدامات لازمہ به عمل آید.

رئیس کل دیویزیون قزاق اعلیحضرت اقدس همایونی

رضا

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۷۶۹

کارتن ۱۶ دوسیه ۱/۶

تاریخ ارسالی ۱۸ حمل ۱۳۰۰

فوری

حکومت نظامی طهران

منزل آقای حاج مخبرالسلطنه فرمانفرمای ایالت آذربایجان از هر گونه مزاحمت به عنوان تفتیش اسلحه و غیره معاف و مستثنی است. قدغن نمایند به هیچ وجه مأمورین نظامی به منزل معظم له نروند.

امضا

[سند شماره ۱/۶۶]

ریاست وزراء

بد تاریخ ۱۰ برج حمل ۱۳۳۹

حکومت نظامی

اجازه می‌دهد آقای سردار معظم خراسانی را تحویل آقای نظم‌الملک رئیس محاکمات وزارت خارجه بنماید. آقای سردار معظم در بیست و چهار ساعت باید وسایل حرکت خود را فراهم بیاورد اگر چنانکه سردار میل داشته باشد اختیار دارند فامیل خود را همراه خود به قم ببرند. آقای نظم‌الملک در این بیست و چهار ساعت شخصاً مسئول تن آقای سردار معظم خواهد بود باید به همین ترتیب از آقای نظم‌الملک نوشته بگیرند.

رئیس‌الوزرا

سیدضیاءالدین طباطبایی

[امضا]

وزارت امور خارجه

مورخه ۲۵ حمل ۳۰۰

قربانت شوم

یک ساعت قبل که در حضور مبارک بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا روحی فداه بودم استدعا کردم توصیه و امر تلگرافی به حکومت نظامی خراسان راجع به علاقه جات آقای سردار معظم مرحمت فرمایند. مقرر فرمودند خدمت جنابعالی عرض کنم اوامر تلگرافی لازم صادر و به امضای مبارکشان رسانیده برای بنده ارسال فرمایند که مخابره نمایم. خواهشمند است مقرر فرمایید بر طبق موادی که لفاً تقدیم می شود قدغن فرمایید تلگراف مزبور را صادر و برای بنده ارسال نمایند که فوق العاده متشکر خواهم شد.

امضا

[سند شماره ۱/۶۸]

نسبت به علاقه‌جات آقای سردار معظم کمال مراقبت و توجه را نمایند که کسی
تخطی و بی‌اعتدالی نکند و در امور حقّه با کسان ایشان مساعدت کامل نماید.

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۳۷۶

کارتن ۲۱ دوسیه ۱/۷

تاریخ ارسالی ۲۸ حمل ۱۳۰۰

تلگراف

مشهد

جناب آقای کلنل محمدتقی خان دام اقباله

نظر به این که در این موقع سردار معظم خراسانی توقیف و به قم اعزام شده است، مراقبت و توجه نمایند که کسی تخطی و بی اعتدالی نسبت به علاقه جات مشارالیه نکند و در امور حقه با کسان ایشان مساعدت کامل نمایند.

[سند شماره ۱/۷۰]

ریاست وزراء

بد تاریخ ۲۲ برج حوت پیچی ٹیل

خدمت حضرت اجل آقای کلنل کاظم خان حکمران ایالت طهران
دام اقباله العالی

حسب الامر حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء دامت عظمتہ آقای
عمید الملک اجازه دارند حاج یمین الملک را ملاقات فرمایند. مستدعی است او امر
لازمه صادر فرمایند.

امضا

حاشیه:

به رئیس دیویزیون قزاق نوشته شود آقای عمید الملک می خواهند آقای حاجی
یمین الملک را ملاقات نمایند مقرر فرمایند مأمورین ممانعت ننمایند.

امضا

حکومت نظامی طهران

نمره ۳۷۷۴

مقام محترم ریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی و فرمانده کل قوا
دام اقباله

حسب الامر ریاست وزراء عظام آقای عمیدالملک می خواهند آقای حاج
یمین الملک را ملاقات نمایند مقرر فرمایید مأمورین ممانعت ننمایند.

امضا

۱۴۰ / اسناد کابینه کودتا

[سند شماره ۱/۷۲]

حکومت نظامی طهران

تاریخ ۲۳ حوت ۱۲۹۹

حسب الامر ریاست وزراء عظام دامت عظمتہ آقا شیخ جلال یمین الملک آزاد
و مستخلص هستند.

امضا

[سند شماره ۱/۷۳]

نصرة السلطنة

۶ رجب

حکومت جلیله نظامی طهران

این جانب در طی مذاکرات حضوری با حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته برای جناب آقای مهام الدوله تأمین گرفتم که در منزل خودشان بدون مداخله در امور سیاسی آزاد باشند خواهشمندم مقرر فرمایند از آن حکومت جلیله هم تأمین نامه ایشان صادر شود که کسی متعرض نشود.

[امضا: نصرة السلطنة]

[سند شماره ۱/۷۴]

ایالت و بلدیه طهران

نمره کتاب ثبت ۳۷۱۴

کارتن ۸ دوسیه ۶

تاریخ ۱۹ حوت ۱۲۹۹

مقام محترم ریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی و فرمانده کل قوا
دام اقباله

حسب الامر حضرت اشرف اعظم ریاست وزراء عظام دامت عظمتهم مقرر
فرمایید منزل آقای مهام الدوله را تغییر داده و در مرتبه فوقانی در محل بهتری ایشان را
سکونت بدهند که رعایت راحتی ایشان فراهم گردد.

[امضا]

حکومت نظامی طهران

تاریخ ۲۶ حوت ۱۲۹۹

عموم مأمورین نظامی شهر طهران را مقرر می‌دارد آقای مه‌ام‌الدوله از هر تعرضی آزاد و مصون هستند هیچ یک از نظامیان و مأمورین به ایشان مزاحمت ندهند.

[امضا]

[سند شماره ۱/۷۶]

حکومت نظامی طهران

نمره ۳۷۶۹

به مقام محترم ریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی و فرمانده کل
قوا دام اقباله

حضرت مستطاب اجل آقای انتظام الدوله مایل هستند که آقای امیر اسعد را
ملاقات نمایند. مقرر فرمایید مأمورین موجبات ملاقات ایشان را با آقای امیر اسعد
فراهم نمایند.

[امضا]

[سند شماره ۱/۷۷]

حکومت نظامی طهران

نمره ۳۷۷۳

تاریخ ۲۲ حوت

مقام محترم ریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی و فرمانده کل قوا
دام اقباله

مقرر فرمایید از ملاقات آقای ناصرقلی خان با آقای مشیرالدوله ممانعت
نمایند.

[امضا]

[سند شماره ۱/۷۸]

قربانت شوم

راجع به آقای سالار ارفع چنانچه خاطر شریف را مسبوق نمودم که آقای سردار ظفر با ریاست وزراء عظام مذاکره فرموده و مشارالیه را عفو فرموده و با خود حضرت عالی هم که حضوراً مذاکره نمودم قول مساعدت دادید و فرمودید که این کار را خاتمه می‌دهم، متأسفانه به تاریخ ۱۹ برج حوت مراسله از حکومت نظامی به این مضمون (به خانواده و کسان سالار ارفع اخطار می‌شود حسب الامر اولیای معظم دولت علیه هر گاه سالار ارفع تا ۵ روز پس از صدور این اخطاریه خود را تسلیم حکومت نظامی ننماید تمام اموال و دارایی او از منقول و غیر منقول ضبط مالیه دولت علیه خواهد شد) رسیده که با آن قولی که دیشب دادید خیلی منافات دارد. متمنی است به هر ترتیب است حکم آزادی مشارالیه را صادر و لطف فرمایید. نهایت تشکر حاصل می‌شود.

حاشیه:

جواب صادر شد

راجع به آقای امیر جنگ است.

ایالت و بلدیۀ طهران

تاریخ ۲۰ حوت ۱۲۹۹

قربانت شوم

مرقومۀ شریفه در خصوص آقای سالار ارفع و تهیهٔ آسایش ایشان عز و وصول بخشید. به طوری که وعده داده شده است در ایفای آن و انجام فرمایش جناب عالی حاضر هستم و قولی را که حضوراً داده‌ام فراموش نشده است، فقط برای این که اوامر دولت بدون استثنا باید به موقع اجرا گذاشته شود و بنده هم می‌توانم ایشان را حفظ نمایم، قدغن نمایم خودشان در ادارهٔ حکومت نظامی حاضر شده و این جانب را ملاقات نمایند. بدیهی است کاملاً در آسایش ایشان اقدام و اهتمام خواهد شد.

[امضا]

[سند شماره ۱/۸۰]

ایالت و بلدیہ طهران

تاریخ ۲۱ حوت ۱۲۹۹

عموم مأمورین نظامی شهر طهران را مقرر می‌دارد آقای سالار ارفع آزاد و از هر تعرضی مصون خواهند بود. هیچ یک از مأمورین نظامی حق تعرض به ایشان نخواهند داشت.

[امضا]

حاشیه:

بی‌نمره به سالار ارفع داده شد.

[سند شماره ۱/۸۱]

ریاست وزراء

نمره ۱۲۱۹۱

به تاریخ ۱۸ برج حوت ۱۳۳۹

حکومت نظامی شهر طهران

نظر به کسالت خانواده عمادالسلطنه و نظر به این که مشارالیه ضامن معتبر سپرده که هر مبلغ به دولت بدهکار شد فوراً بپردازد مشارالیه را آزاد نماید. برای رسیدگی به محاسبات مشارالیه تعلیمات لازمه به وزارت مالیه صادر شده است.

سید ضیاءالدین طباطبایی

[مهر و امضا]

حاشیه:

اقدام و آزاد شدند

ضبط شود.

[سند شماره ۱/۸۲]

کابینه ریاست وزراء

نمره ۱۸

تاریخ ۲ برج حمل ۱۳۳۹

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای کلنل کاظم خان حاکم نظامی طهران دام
اقباله

بر حسب امر بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا دامت شوکتہ خاطر عالی را
مستحضر می دارم که قدغن فرمایید آقای میرزا علی کازرونی نماینده تنگستان را
خدمت حضرت آقای موقرالذوله وزیر فواید عامه فرستاده و تحویل ایشان بدهند.
[مهر و امضا]

[سند شماره ۱/۸۳]

نمره کتاب ثبت ۶۳

کارتن ۸ دوسیه ۶

تاریخ ۶ حمل ۱۳۰۰

حکومت نظامی طهران

اداره جلیله نظمیه

به موجب مرقومه مطاعه نمره ۱۸ ریاست وزراء عظام دامت عظمته قدغن
نمایید آقای میرزاعلی کازرونی نماینده تنگستان را خدمت حضرت آقای موقرالذوله
وزیر فواید عامه فرستاده و تحویل ایشان بدهند.

[امضا]

[سند شماره ۱/۸۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل آقای کلنل کاظم خان حکمران مرکزی زیده
اقباله

عرض می شود این کمینه دختر مرحوم حاجی امین دربار، عیال آقا باقر آقا که
اینک در نظمیه هفده روز است که توقیف می باشد با کمال عجز و انکسار عرض
می کنم هیجده نفر صغیر و کبیر ورثه مرحوم حاجی امین دربار بلا تکلیف و بی شام و
شبند. خود این کمینه هم با سه طفل کوچک صغیر بی مرد و معیشت هستم. کریم آباد
محل معیشت این طایفه است که در دست آقا باقر آقا می باشد اینک موقع بذر و
سیفی کاری است، اضافه از روزی ۵۰ تومان به صغیر و کبیر آن مرحوم خسارت وارد
می آید. استدعای عاجزانه از آن یگانه فرزند ایرانی چنان است که یا تقصیر مشارالیه را
در جواب عریضه کمینه مرقوم فرمایند که مطمئناً مباحثی از جهت قریه کریم آباد
تهیه نموده که آسایش ورثه باشد یا این که اگر بی تقصیر است او را مرخص فرموده که
با یک مشتی بازپسین خود به دعاگویی مشغول باشد.

کمینه بلقیس بیچاره

[امضا]

[سند شماره ۱/۸۵]

نمره کتاب ثبت ۳۷۴۵

کارتن ۸ دوسیه ۶

تاریخ ۲۰ حوت ۱۲۹۹

۴ بعد از ظهر

ایالت و بلدیة طهران

اداره جلیله نظمیه

قدغن نمایید باقر آقا را به وسیله یک نفر مفتش فوراً به کابینه ریاست وزراء
عظام دامت عظمتہ بفرستند.

[امضا]

[سند شماره ۱/۸۶]

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت [؟]

کارتن ۸ دوسیه ۶

تاریخ ۲۵ حوت ۱۲۹۹

جناب جلالتمآب آقای کلنل هیگ دام اقباله

در جواب مراسله شریفه راجع به اظهار [؟] و دستگیری پدر مشارالیه و مسیو کابچیکف اطلاعاً خاطر محترم را مستحضر می‌دارد یک عده اسلحه و پاره‌ای نوشتجات شگفت‌آور از مشارالیه‌ها به دست و کار آنها فوق‌العاده جدی و در تحت رسیدگی است. قریباً خاطر جناب عالی مستحضر خواهد شد.

[امضا]

[سند شماره ۱/۸۷]

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۳۸۲۶

کارتن ۸ دوسید ۶

تاریخ ۲۳ حوت ۱۲۹۹

اداره تأمینات نظامیه

آقایان نصره‌الملک و شیخ‌العراقین‌زاده و سیدعلی قمی آزاد هستند. قدغن
نمایید متعرض آنها نشوند.

[امضا]

[سند شماره ۱/۸۸]

ریاست وزراء

به تاریخ شب ۹ حوت ۹۹

اسم نویسنده: رئیس دفتر مخصوص

از کابینه

خدمت جناب مستطاب اجل آقای سلطان کاظم خان کماندان
شهری دام اقباله

بر حسب امر بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا دامت عظمته زحمت
افزا می شوم که قدغن فرمایید صورتی از اسامی اشخاصی که اخیراً دستگیر شده اند
تهیه و برای جناب مستر کادت ارسال فرمایید.

[چند کلمه ناخوانا]

[سند شماره ۱/۸۹]

۱۷ جمادی الثانیہ ۱۳۳۹

۲۶ فوریه ۱۹۲۱

[از] سفارت انگلیس

فدایت شوم

جناب اجل وزیر مختار انگلیس خواهش می نماید که در صورت امکان صورتی از اشخاصی که در این تصفیہ اخیر دستگیر شده اند برای ایشان ارسال گردد. خواہشمندم در صورتی که آقای رئیس الوزرا صلاح بدانند جنابعالی قبول زحمت فرموده صورت مزبور را تهیه نموده و برای دوستدار ارسال دارند.

زیاده تصدیع نمی دهد

امضا

حاشیہ:

آقای کاپیتان کاظم خان

نوشته شد که صورتی ارسال دارند.

بخش دوم:

خاموشی مطبوعات

راه‌نمای اسناد بخش دوم:

[اسند شماره ۲/۱]:

از: غلامعلی محمدی

به: رئیس‌الوزرا

موضوع: درخواست اجازه نشر روزنامه نهضت

تاریخ: [؟]

[اسند شماره ۲/۲]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: آزادی طبع و نشر روزنامه وطن به مدیریت میرزاهاشم خان محیط

تاریخ: ۱۱ حمل ۱۳۰۰

[اسند شماره ۲/۳]:

از: میرزاده عشقی

به: ریاست وزرا

موضوع: درخواست صدور مجوز برای جریده هفتگی قرن بیستم و اجرای دو اُپرا

تاریخ: ۱۱ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۴]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: اجازه اجرای دو قطعه اپرا توسط میرزاده عشقی

تاریخ: ۱۸ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۵]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: اجازه انتشار جریده هفتگی قرن بیستم توسط میرزاده عشقی

تاریخ: ۲۲ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۶]:

از: ریاست وزرا

به: وزرات معارف و اوقاف

موضوع: اجازه انتشار جریده هفتگی قرن بیستم

تاریخ: ۲۴ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۷]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: وزرات معارف و اوقاف

موضوع: اجازه انتشار روزنامه کاریکاتور ناهید به مدیریت میرزا ابراهیم خان

ناهید

تاریخ: ۱۸ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۸]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: اجازه انتشار روزنامه ناهید

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۲/۹]:

از: تقی بهرامی

به: ریاست وزرا

موضوع: درخواست اجازه برای انتشار مجدد جریده طبیعت

تاریخ: ۲۲ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۱۰]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: رفع توقیف از مجله طبیعت

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۲/۱۱]:

از: مدیر جریده تهذیب

به: ریاست وزرا

موضوع: تعهد مدیر جریده تهذیب مبنی بر عدم دخالت در سیاست و درخواست اجازه انتشار آن
تاریخ: ۱۶ رجب ۱۳۳۹

[سند شماره ۲/۱۲]:

از: اداره جریده تهذیب

به: ریاست وزرا

موضوع: درخواست اجازه مجدد برای جریده تهذیب یا اجازه انتشار روزنامه ری دولت علیه ایران
تاریخ: ۱۶ رجب ۱۳۳۹

[سند شماره ۲/۱۳]:

از: مدیر جریده وطن

به: [؟]

موضوع: گواهی عدم سابقه سیاسی برای غلامعلی خان
تاریخ: ۸ ثور ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۱۴]:

از: عزیزالله نعیم مدیر روزنامه هگتولا

به: رئیس الوزرا

موضوع: درخواست اجازه انتشار مجدد روزنامه هگتولا
تاریخ: ۸ شعبان ۱۳۳۹

[سند شماره ۲/۱۵]:

از: دفتر ریاست وزرا
به: حکومت نظامی تهران
موضوع: دستور رفع توقیف از روزنامه هگئولا
تاریخ: ۱۱ ثور ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۱۶]:

از: میرزا سید علی شرف الملک افشار ارومیه
به: رئیس الوزرا
موضوع: عرض حال و تقاضای صدور مجوز برای مجله روشنایی
تاریخ: ۱۳ ثور ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۱۷]:

از: دفتر ریاست وزرا
به: حکومت نظامی تهران
موضوع: اجازه طبع و نشر مجله روشنایی به مدیریت میرزا سید علی افشار ارومیه
تاریخ: ۳ جوزای ۱۳۰۰

[سند شماره ۲/۱۸]:

از: مدیر جریده نوروز
به: ریاست وزرا
موضوع: عرض حال
تاریخ: [؟]

[سند شماره ۲/۱]

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

این جانب که هیچ‌گونه سابقهٔ سوئی نداشته و داخل هیچ دسته و حزبی نبوده و نیستم تمنای اجازهٔ انتشار روزنامه [ای] به نام نهضت دارم که موضوعش ادبی، تاریخی، اجتماعی است و برای هر نوع تضمینات اخلاقی که عدم سابقه و دخالت بنده را در پلتیک کفایت نماید حاضر هستم.

غلامعلی محمدی

آدرس: کوچهٔ مدرسهٔ ناموس نمره ۳۸

حاشیه:

سابقاً در بلدیۀ قزوین بوده‌اند. در مدرسهٔ شرف مظفری طهران و در بغداد چهار سال قبل تحصیلات نموده‌اند.

[سند شماره ۲/۲]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۴۳۶

کارتن ۸ دوسیه ۱/۱۰

تاریخ ارسالی ۱۱ حمل ۳۰۰

خدمت حضرت آقای کلنل کاظم خان حاکم نظامی طهران دام اقباله

نظر به این که آقای میرزا هاشم خان محیط تقاضا کرده اند که اجازه طبع و نشر مجدد روزنامه وطن به ایشان داده شود بر حسب امر مبارک حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکتہ قدغن فرماید معزی الیه را در طبع و نشر روزنامه مزبوره آزاد گذاشته ممانعت ننمایند.

[سند شماره ۲/۳]

۱۱ حمل ۱۳۰۰

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

از آن مقام منیع صدور دستخط امتیاز جریده‌یی جدی، هفته‌گی [هفتگی]، مصور، اجتماعی، سیاسی، ادبی و اخلاقی به نام (قرن بیستم) [را] با نهایت خضوع تمنا می‌نماید.

جریده‌ی قرن بیستم بیشتر اجتماعی [بوده] و همه هفته یک سلسله مقالاتی که به نیت سوق مشرق زمین به زندگانی در خور قرن بیستم نوشته خواهد شد نشر خواهد داد.

و نیز نمایش آهنگی (اُپرا) به نام رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های مداین که تاکنون نظایرش در ایران نبوده، این گوینده سروده به ضمیمه نمایش آهنگی (اُپرت) به نام از تاریکی به روشنایی. تمنا دارد اجازه فرمایند این دو نمایش آهنگی برای تهیه سرمایه قرن بیستم به موقع اجراگذاشته شود. و آن چه تبلیغات برای این دو مسئله لازمست به سرافرازی این گوینده ابلاغ فرمایند.

ر. میرزاده عشقی

حاشیه:

به عرض برسد.

در این باب دستوراتی مقرر نفرموده‌اند [باب تبلیغات]

اجازه داده شود.

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۷۴۸

کارتن ۸ دوسید ۳/۱۰

تاریخ ارسالی ۱۸ حمل ۱۳۰۰

حکومت نظامی طهران

آقای میرزاده عشقی یک نمایش آهنگی (اپرا) به نام رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های مداین و یک نمایش نیم آهنگ (اپرت) به نام از تاریکی به روشنایی سروده‌اند و می‌خواهند به معرض نمایش بگذارند. حسب الامر قدغن فرمایید از این نمایش ممانعت ننمایند.

امضا

[سند شماره ۲/۵]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۰۱۷

کارتن ۸ دوسیه ۳/۱۰

تاریخ ارسالی ۲۲ حمل ۱۳۰۰

حکومت نظامی طهران

آقای میرزاده عشقی از مقام منبع ریاست وزراء عظام اجازه حاصل کرده اند
یک جریده هفتگی مصور اجتماعی، سیاسی، ادبی و اخلاقی به نام قرن بیستم طبع و
نشر کنند. حسب الامر مقرر خواهند فرمود از انتشار آن جلوگیری نکنند

امضا

[سند شماره ۲/۶]

ریاست وزراء

به تاریخ ۲۴ برج حمل ۱۳۳۹

نمره ۱۱۳۶

وزارت جلیله معارف و اوقاف

آقای میرزاده عشقی اجازه طبع و نشر یک جریده هفتگی مصور، اجتماعی، سیاسی، ادبی و اخلاقی به نام قرن بیستم تحصیل نموده اند، بدیهی است از طرف آن وزارت جلیله امتیاز روزنامه مزبور به ایشان داده خواهد شد که شروع به انتشار آن نمایند.

امضا

حاشیه:

از طرف مقام منبع ریاست وزراء نوشته شده است.

[سند شماره ۲/۷]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۷۵۹

کارتن ۸ دوسید ۳/۱۰

تاریخ ارسالی ۱۸ حمل ۱۳۰۰

وزارت جلیله معارف و اوقاف

حسب الامر مقام منیع ریاست وزراء عظام آقای میرزا ابراهیم خان ناهید اجازه دارند یک روزنامه کاریکاتور موسوم به (ناهید) طبع و نشر کرده مقرر خواهند فرمود امتیاز روزنامه مزبوره را به ایشان بدهند که شروع به انتشار آن نمایند.

امضا

حکومت نظامی طهران

آقای میرزا ابراهیم خان ناهید دارای امتیاز و اجازه طبع و انتشار جریده ناهید کاریکاتور می باشد. قدغن فرمایید مأمورین حکومت نظامی به هیچ وجه از طبع و نشر آن ممانعت نکنند، حسب الامر.

امضا

ریاست وزراء

وزارت جلیله معارف و اوقاف

حسب الامر آقای میرزا ابراهیم خان ناهید اجازه دارند یک روزنامه کاریکاتور
موسوم به (ناهید) طبع و نشر کنند. قدغن فرمایید امتیاز روزنامه مزبوره را به ایشان
بدهند که شروع به انتشار آن نمایند.

[سند شماره ۲/۹]

مقام منیع محترم ریاست وزراء عظام دامت شوکته العالی

به موجب اعلامی که چندی قبل راجع به توقیف عمومی مطبوعات از طرف حضرت اشرف منتشر شد، من بنده نیز از انتشار (طبیعت) خودداری نمودم. ولی از آنجا که (طبیعت) نامه‌ای است علمی و باسیاسیات مملکتی به هیچ وجه سر و کاری ندارد اجازه طبع و توزیع آن را از حضرت اشرف تقاضا می‌نمایم.

تقی بهرامی

حسن آباد- منزل دکتر مذهب السلطنه.

حاشیه:

یک نسخه نیز به جهت ملاحظه به خدمت فرستاده شد.

اجازه داده شد.

ریاست وزراء

حکومت نظامی طهران

قدغن نمایند از مجله (طبیعت) که در تحت مدیریت آقای میرزا تقی خان منتشر می شد رفع توقیف نموده و مجله مزبوره را برای طبع و نشر آزاد بگذارند مشروط بر این که به هیچ وجه مقالات سیاسی درج نکنند.

امضا

[سند شماره ۲/۱۱]

اداره جریده تهذیب - طهران

مورخه ۱۶ شهر رجب المرجب ۱۳۳۹

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

در تعقیب عریضه سابق که راجع به آزادی جریده تهذیب معروض گردید، زحمت افزا می شود که اولاً ورقه تهذیب به موجب همین عریضه متعهد می شود که ابداً تا موقعی که از طرف [؟] اشرف اشاره نشود در سیاسات مملکتی دخالتی ننموده و ثانیاً مشی خود را به ادبی و درج مقالات اجتماعی اختصاص می دهد. در این دو صورت اگر باز هم مانعی در پیش است امر فرماید تا به کلی اساس اداره را برچیده و بی [؟]

امضا

اداره جریده تهذیب - طهران

مورخه ۱۶ شهر رجب المرجب ۱۳۳۹

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

در عریضه جداگانه آزادی ورقه تهذیب را درخواست نموده‌ام، اینک متمنی است اگر تصمیم قطعی فرموده‌اید که جراید سابقه آزاد و منتشر نشوند مقرر فرمایید اجازه طبع روزنامه (ری دولت علیه ایران) که سابقاً به عهده مرحوم مؤیدالممالک [؟] سابق مرحمت کنند که محتوی تصویب‌نامه‌ها، امتیازات، قراردادهای، فرامین و کلیه [؟] باشد. در واقع آن روزنامه هفتگی تاریخ صحیح برای آتیه خواهد بود.

امضا

[سند شماره ۲/۱۳]

اداره جریده وطن
طهران

به تاریخ ۸ برج نور تخافوی ثیل ۱۳۳۹

آقای غلامعلی خان تاکنون داخل در هیچ دسته و جمعیتی نبوده و به هیچ وجه مداخلاتی در پلتیک نداشته و سوء اخلاق از ایشان تا حال مشاهده نشده است.
امضا

مدیر وطن

اداره روزنامه «هگتولا»

عنوان تلگرافی: «هگتولا» طهران

تاریخ ۸ ماه شعبان المعظم ۱۳۳۹

مقام منبع رفیع بندگان حضرت اشرف اعظم ریاست وزراء دامت شوکته العالی

به عرض حضرت اشرف اعظم عالی می‌رساند در هفتم شهر شعبان عریضه‌ای به حضور بندگان حضرت اشرف اعظم عالی معروض داشت و درخواست نمود که امر و مقرر فرمایند اجازه ثانوی طبع و انتشار جریده (هگتولا) صادر گردد. تاکنون جریده مزبوره به حال تعطیل باقی است و مبالغی ضرر متوجه کارکنان اداره آن گشته است. جریده (هگتولا) به خط عبری و زبان فارسی طبع و نشر می‌شود.

مسلک جریده (هگتولا): ملی، اجتماعی، ادبی، اخلاقی، تاریخی و بیشتر در اوضاع و احوال کلیمیان بحث و گفتگو می‌کند و اخبار ملی آنها را منتشر می‌سازد. اینک از بندگان حضرت اشرف اعظم عالی استدعا و درخواست می‌نماید که امر و مقرر فرمایند که جریده مزبوره کما فی السابق طبع و منتشر گردد تا بیش از این ضرری متوجه کارکنان اداره روزنامه (هگتولا) نشود. امر امر مطاع

عزیزالله نعیم

حاشیه:

اجازه داده می‌شود. به حکومت نظامی نوشته شود. [ناخوانا]

[سند شماره ۲/۱۵]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۲۱۵۲

کارتن ۸ دوسیه ۱/۱۰

تاریخ ارسالی: ۱۱ ثور ۱۳۰۰

حکومت نظامی طهران

روزنامه «هگئولا» که به زبان فارسی و حروف عبری به مدیریت میرزا عزیزالله نعیم کلیمی طبع و نشر می شد کما فی السابق آزاد خواهد بود. قدغن نمایند
از طبع و انتشار آن ممانعت نکنند.

امضا

۱۳ نور ۱۳۰۰

مقام مقدس ریاست وزراء عظام دامت عظمته

اضطرار و ناچاری که امروز چاکر را احاطه نموده و امید حیات را بالمَره مقطوع می دارد وادارم کرده که در کابینه آن مقام منیع متحصن گردیده بیچاره گی خود را به هر وسیله است به عرض رسانده تا بلکه عطوفت و رأفت نوع خواهانه آن وجود مقدس را به خود جلب نماید.

چاکر از اهالی بخت برگشته ارومیه می باشم که تمام علاقجات و املاک و عده کثیری از فامیل مرا آتش انقلاب آثورینها [آشورینها] چنان برباد فنا داده است که قابل ترمیم نمی باشد.

عده [ای] از فامیل را که بقیة السیف و مقداری کم از ثروت را برداشته فراراً در گیلان اقامت گزیده و به مناسبت معلوماتی که دارم باقوة جوانی توأم گردیده در دوایر حکومتی و مالیه گیلان با مقامات محترمی خدمات لایق عرضه [؟] می نمودم تا اخیراً واقعه گیلان اضافه بر بدبختی گردیده، لخت و عور با پای پیاده فامیل و خودم را سلامت به طهران رساندم.

شرافت من مانع التماس و التجا به این در و آن در بود و فقط خدمتی را که در نظر خود توانستم با منت کم عهده دار شوم خدمت در عالم مطبوعات بود، این بود که امتیاز مجله فکاهی و ادبی کاریکاتوری به اسم (زنبور) گرفتم ولی به مناسبت عدم مساعدت محیط و نبودن وسایل طبع و از همه بیشتر نداشتن سرمایه کافی مانع از

انجام این مقصود گردید.

تا دوره زمامداری به دست با قدرت آن طبیب حاذق افتاد و روز به روز امیدواری کاملتر گردید تا این که درجه عسرت من هم به پایه‌ای رسید که الآن این عریضه [را] در وقتی می‌نویسم که نمی‌دانم جواب امشب خانواده خود را از حیث معاش چه بدهم و فقط چاره را دراز کردن دست توسل به دامن مبارک دانسته که با کمال خجلت عرض کنم ای رئیس‌الوزرای با قدرت یک نفر از فامیل‌های محترم که همیشه خدمات خود را در راه استقلال مملکت با استعداد فطری به قدر مقدور نموده و ابداً پیرامون هیچ خیانتی نگردیده نگذارید از گرسنگی بمیرد. یا خدمتی که لایق باشد رجوع فرمایند و یا اجازه فرمایند با یک مساعدت قلیلی یک مجله تاریخی و فنی و ادبی مصور به اسم روشنایی تأسیس نماید. امر مبارک مطاع است.

میرزا سیدعلی شرف‌الملک افشار ارومیه

ریاست وزراء

طهران به تاریخ ۳ جوزا ۱۳۳۹

نمره کتاب ثبت ۳۵۳۰

کارتن ۸ دوسید ۳/۱۰

تاریخ ارسالی ۳ جوزای ۱۳۰۰

حکومت نظامی طهران

اجازه و امتیاز طبع و نشر یک مجله تاریخی، فنی و ادبی مصور به اسم (روشنایی) به آقای میرزا سیدعلی شرفالملک افشار ارومیه داده شده است. قدغن نمایند مأمورین حکومت نظامی مانع انتشار آن نباشند.

وزارت معارف و اوقاف

به آقای میرزا سیدعلی شرفالملک افشار ارومیه اجازه داده می شود که یک مجله تاریخی، فنی و ادبی مصور به اسم روشنایی به مدیریت خودشان طبع و نشر کنند. لازم است از آن وزارتخانه مطابق مقررات اداری امتیازات مجله مزبوره را به مشارالیه بدهند.

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

حضرت اشرف! از گوشهٔ محبس به نگارش این [؟] مصدع خاطر مبارک می‌گردم. اگر توقیف جریدهٔ نوروز و توقیف مدیر جریدهٔ نوروز در این قرن بیستم از طرف شخص حضرت اشرف که یکی از پیشوایان آزادی افکار و جریده‌نگاران قرن حاضر ایران به شمار می‌روند واقع می‌شد، این بنده حق داشتم فریاد شکایت و اعتراض خود را اگر چه از گوشهٔ محبس بلند سازم، ولی در مقابل اعتراض‌های عموم مردم حضرت اشرف [؟] حق داشته‌اند هرگونه اقدام سخت در بارهٔ بنده [؟] بنده به جا بیاورند.

مقصود از توقیف بنده فقط هوادار[ی] از افکار مردم و رضایت خاطر [؟] و چون این مأمول به جا آورده شده و این مسئله در جراید هم منعکس گردیده است تصور [؟] حضرت اشرف راضی باشند بیشتر از این چند شبانه روز یک نویسنده و شاعر ایران در محبس زیست نماید. خدای من شاهد است که از نقطه نظر آزادی طلبی و آزادی [؟] عقیده بود که من مقالهٔ مزبور را در جریدهٔ خود منتشر ساختم و ابداً این تصور [؟] که این قدر گرفتار بی‌مهتری و خشم حضرت اشرف و سایر مردم واقع [؟] شد. ولی حالا که این اقدام بنده در نظر دیگران یک اقدام جنون‌آمیزی به شمار رفته است باور کنید اگر عرض نمایم این توقیف برای تعقل بنده [؟] از نشر بعضی مقالات در غیر [؟] بر خلاف افکار عمومی کفایت [؟] ولی من خودم را مجبور می‌بینم خاطر انور حضرت اشرف را به این [؟] معطوف سازم که از نقطه نظر وجدان و انصاف نباید این بنده را زیاد مقصر بشناسند زیرا نویسندهٔ مقاله شخص دیگری می‌باشد که به من

اظهار داشته است حاضر می‌باشد از طرف مدیر جریده نوروز وکیل گردیده و با هر کس که مدعی و مخالف نگارش [؟] عقیده او می‌باشد محاکمه علمی و قانونی و رسمی نماید. این نکته فقط محض اطلاع حضرت اشرف عرض گردید که اگر مایل باشند من آن وکیل را معرفی نمایم و الا حضرت اشرف قطعاً مطلع شده‌اند که این بنده در این خصوص تقصیر کار نبوده فقط مرتکب یک اشتباه شده‌ام و به علاوه این خودم هم اعتراف می‌نمایم چقدر این اشتباه بزرگ بوده است. در این صورت از مراتب لطف و شفقت حضرت اشرف مستدعی است اولاً رفع توقیف فدوی را امر فرمایند و ثانیاً، اگر مقتضی باشد، وسایل جبران این اشتباه را که پس از آن همه سوابق ملی و محبوبیتها [؟] متوجه بنده شده است به خود فدوی واگذار نمایند که برای رفع آن و ترمیم [؟] قادر خواهم بود. منوط به لطف و عطف حضرت اشرف است.

در محبس نظمیه مورخه عصر روز چهارشنبه
فدوی ی.

حاشیه:

از دفتر محبس گذشته است

بخش سوم:

لغو قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس

راه‌نمای اسناد بخش سوم:

[سند شماره ۳/۱]:

از: حاجی حسین امین‌الضرب

به: سپهدار رشتی [کابینه قبل از کودتا]

موضوع: تشویق سپهدار رشتی به لغو قرارداد ۱۹۱۹

تاریخ: ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۹

[سند شماره ۳/۲]:

از: -

به: -

موضوع: مصوبه هیأت دولت در باره لغو قرارداد ۱۹۱۹

تاریخ: ۱۳ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۳/۳]:

از: ریاست وزراء

به: سفیر انگلیس در تهران

موضوع: مذاکره در باره لغو قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس

تاریخ: ۱۸ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۳/۴]:

از: سفارت انگلیس در تهران

به: وزیر امور خارجه

موضوع: موافقت با لغو قرارداد ۱۹۱۹

تاریخ: ۱۳ رجب ۱۳۳۹

[سند شماره ۳/۵]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: وزارت امور خارجه

موضوع: تصویب الغای قرارداد ۱۹۱۹ در جلسه هیأت دولت و اطلاع آن به

سفارت انگلیس

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

به تاریخ ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۳۹

نمره ۵۰۷۸

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل امجد اشرف اعظم
آقای رئیس الوزراء مدظله

قربانت شوم

اوضاع جاریه مملکتی و استحضار از نظریات عمومی و وحشت از
پیش آمدهای غیر مترقبه فدوی را الزام نمود که چون یک فرد از اهالی مملکت هستم
به مقام محترم زمامدار معظم ایران این عریضه را تقدیم دارم.

مذاکرات و ترتیبات و اختلافات اخیر، خصوصاً پیش آمدهای این سه چهار
روژه دارد متدرجاً این مملکت را به بدبختیها و فلاکتیایی سوق می دهد که علاج آن
بسیار صعب و مشکل خواهد بود البته چنانچه عقلاً گفته اند علاج واقعه قبل از وقوع
باید کرد به خصوص وقتی که علت العلل معلوم و مشخص باشد.

امروز حکایت قرارداد آقای وثوق الدوله با سفارت انگلیس وسیله حملات و
تهاجمات داخلی و خارجی شده از هر گوشه سر و صدایی بلند است و مسلماً هر
هیئت دولتی به ضجرت و مصائب مذاکرات و نظریات اطراف و جوانب این قرارداد
گرفتار و مبتلا گردیده راه نجات و رستگاری برای خود نمی توانند تحصیل نمایند و
نمایندگان را متوحش و مضطرب ساخته که بالاخره از وظایف خود مجبوراً

کناره‌جویی اختیار نمایند. تصور می‌کنم حضرت مستطاب اجل اشرف عالی را وضعیات کنونی اجازه می‌دهد که پرده را از روی کار برداشته تصریحاً به دربار انگلستان وخامت اوضاع و اختلال امور و عدم موافقت و عدم رضایت عامه و بالاخره انقلاباتی را که تأخیر الغاء این قرارداد در سرتاسر مملکت دارد با نهایت عجله تولید می‌کند یادآوری فرمایید. بدون تزلزل در خود با نهایت جدیت و استقامت الغاء قرارداد را اظهار فرمایید، عقلا و دانشمندان انگلستان خودشان مراتب عدم رضایت ایرانیان را حس کرده نتایج وخیمه تعقیب قرارداد را هم ملتفت شده‌اند ولی فقط و فقط سکوت دربار ایران و اظهار این دربار را که قرارداد ارجاع به مجلس شورای ملی خواهد شد دربار انگلستان را البته به حال تحیر نگاه می‌دارد و آن دولت را اجازه می‌دهد که انتظاراتی در آتیه داشته باشد.

از طرف دیگر وزیر مختار دولت انگلیس به همین نظریه و به نظریات دیگری بی‌حق نیست، اگر الغاء این قرارداد را در دربار دولت متبوعه خود تقاضا و درخواست ننماید و شاید وظایف درجه و مقامشان ایشان را اجازه ندهد که از مذاکرات اولیای دولت علیه در طرح الغاء قرارداد حُسن استقبال بنماید.

بنائاً علیهذا به حضور مستطاب اجل امجد اشرف عالی پیشنهاد می‌کنم که موقع را مغتنم شمرده بدون مذاکره و مراجعه با سفارت انگلیس به توسط وزیر مختار ایران مقیم لندن شدائد اوضاع و تنفر و انزجار عمومی را از قرارداد با انقلابات و مخاطرات متصوره‌ای که نزدیک است کاملاً مواجه شویم با این زمینه‌ای که در اختلال افتتاح مجلس شورای ملی پیش آمده است به دربار انگلستان تلگرافاً خاطر نشان فرمایید و حقایق را بدون ملاحظه بیان فرموده تصریح فرمایند که درخواست دولت ایران برای حفظ امنیت داخله مملکت و بقای روابط حسنه انصراف از این قرارداد است که به کلی ملفی گردد، و نیز به وزیر مختار ایران اجازه داده شود در این زمینه از هر نوع تشبثات مقتضیه به وسیله ملاقاتهای لازمه از وزراء و

سایر متنفذین انگلستان و درج مقالات و روزنامه‌جات و موافق نمودن صاحبان جراید غفلت و تعلل ننماید حتی اعتباری به او داده شود که بتواند حقایق مطالب را در جراید اعلام نماید. ولی در خاتمه این نکته را هم عرض می‌نمایم که وضعیات مملکتی ایجاد روابط حسنه و معاهده جدیدی را با دربار انگلستان ایجاب نموده و خیلی خیلی شایسته و سزاوار است دولت علیه یک سفیر فوق‌العاده که کاملاً محل اعتماد و وثوق باشد و به وضعیات گذشته و حالیه استحضار تام داشته باشد سریعاً معین فرموده به دربار انگلستان اعزام فرمایند و زمینه عهدنامه جدیدی را با توافق نظریات مرکز تهیه نماید.

بی‌مناسبت هم نیست در تلو همین تلگرافی که به وزیر مختار ایران مخابره می‌فرمایید لزوم عهدنامه جدید و اعزام سفیر فوق‌العاده را اشعار فرمایید که ایشان نیز به دربار انگلستان اظهار نمایند و نیز مقتضی است که سفارت ایران مقیم پاریس را از تمام این مراتب مستحضر فرموده مقرر فرمایید با وزارت خارجه فرانسه داخل مذاکره شده مساعدتهای آن دولت را هم جلب نماید.

الامر الاجل الاشرف العالی مطاع

امین‌الضرب حسین

[سند شماره ۳/۲]

ریاست وزراء

در جلسه ۱۳ حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹

به اتفاق آراء هیئت وزراء تصویب و تصمیم نمودند معاهده ۹ اوت ۱۹۱۹
الغاء گردد و وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس اطلاع دهد.

مشیر معظم

ریاست وزراء

جناب جلالتمآب فخامت و مناعت انتساب دوستان استظهار مشفق مکرم مهربانا

تغییر وضعیات عمومی و پیش آمدهای اخیر که خاطر آن جناب جلالتمآب دوستان استظهاری از آن اطلاع حاصل نموده است چنین ایجاب نموده است که برای رفع هر گونه سوء تفاهات و محض تمکین مناسبات و دادیه مابین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و اعلیحضرت شاهنشاه ایران که تاریخ یک قرن آن را تثبیت نموده است رئیس الوزراء در بیانیه خود اعلان نموده اند عقیده هیئت دولت به این تعلق گرفته که قرارداد ایران و انگلستان مورخه اوت ۱۹۱۹ که اجرای آن معلق به تصویب مجلس شورای ملی گشته است [؟] به طوری که خواطر [خاطر] فحمت مظاهر آن جناب مطلع است قرارداد مزبور در موقعی انعقاد یافت که اجرای آن از نقطه نظر تجدید تشکیلات و اصلاحات متضمن فواید بسیار برای مملکت ایران بود ولی وضعیات سیاست دنیا و مخصوصاً وضعیت و پیش آمدهای ایران مانع اجرای آن گردید. در همان حال حوادث ناگهان چنان تغییر اساسی یافت که حتی بزرگترین طرفداران قرارداد مزبور اعتراف می نمایند که اجرای آن فقط مناسبات روشن و صمیمانه ای که در سوابق ایام و حالیه مابین این دو امپراطوری وجود داشته قرین مخاطره خواهد داشت زیرا نه تنها استعداد قبول اجرای آن در [؟] فراهم نبود حتی افکار عمومی انگلستان هم آن را با تردید و شبهه تلقی می نمود. روابط و علایق

مابین این دو مملکت چنان اساسی مستحکم در قلوب ملت ایران و انگلستان دارد که دولت دوستدار به نام منافع طرفین لازم می‌دانم که قرارداد مزبور فدای مصالح بزرگتری گردد. و لازم نیست دلایلی را ذکر کنم که منافع انگلستان هم الغاء این قرارداد را ایجاب می‌نماید. بدیهی است که نقض این قرارداد زمینه‌ای برای مناسبات مستحکمتری تهیه می‌نماید و مانع این نخواهد بود که دولت دوستدار به وسیله جلب مستشار عالی مالیه مساعدت انگلستان را خواستار گردد. دوستدار از آن جناب جلالتمآب تقاضا می‌نمایم که مراتب را به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده و بعد از دریافت جوابی که انتظار دارم کاملاً مساعد خواهد بود مراتب را به دوستدار اطلاع خواهید داد تا این که به وسیله موافقت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در انجام این مقصود مسرت دولت دوستدار کاملاً فراهم گردد.

حاشیه:

توضیح: این مراسله پس از پاکت‌نویس به وزرات خارجه ارسال شود که [؟] به امضای

آقای وزیر خارجه ارسال شود. ۱۸ حوت

[از] سفارت انگلیس [در] طهران

۱۳ رجب ۱۳۳۹

آقای وزیر

شرف دارم جناب مستطاب عالی را مستحضر سازم که تصمیم دولت علیه مندرجه در مراسله ۳۷ جمادی الثانی جناب مستطاب عالی راجعه به نسخ قرارداد انگلیس و ایران مورخه ۱۹۱۹ را به دولت خود اطلاع داده‌ام، حال از وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان به دوستدار دستورالعمل رسیده جناب مستطاب عالی را مستحضر سازم که هیچ وقت به قدر دقیقه‌ای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل نبوده‌اند در قبول قرارداد از طرف دولت ایران و مجلس شورای ایران یا از طرف اهالی ایران اصراری بنمایند.

جناب لرد کرزن از دوستدار خواسته‌اند جناب مستطاب عالی را مطمئن سازم که دولت انگلیس نمی‌تواند دوستی سیصد ساله‌ای را که فیما بین مملکتین برقرار بوده است فراموش نمایند و اقدامی که دولت ایران مجبور به آن بوده‌اند باعث این نشده است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان صرف نظر از دوستی خود در باره ملت ایران بنماید. بنابر این دولت انگلیس در الغای قرارداد از طرف دولت ایران و سیاستی که مناسب اصلاح تأسیسات مملکتی خود دیده‌اند ایرادی ندارند.

مسلم است که اگر دولت ایران در آتیه مساعدت دولت انگلیس را لازم داشته باشند الغای قرارداد اسباب این نخواهد بود که دولت انگلیس مساعدت خود را دریغ

نمایند. لهذا به اعتقاد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بیشتر بسته به دولت ایران است تا به دولت انگلیس که دوستی صادقانه خود را ثابت نمایند و در حالی که خیر دولت را می‌خواهند و مایلند تسهیل سیاسی که اسباب ترقی ایران خواهد بود بنمایند چنین حس نمی‌نمایند که بایستی دلایل صمیمیت اصلاً از طهران به منصهٔ بروز و ظهور برسد.

ضمناً دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این نکته را باید خاطر نشان نمایند که به واسطهٔ نسخ قرار [داد]، دولت ایران از بابت یکصد و سی و یک هزار لیره که در ماه اگست ۱۹۱۹ پس از انعقاد قرارداد از بابت قرض دو میلیون لیره که می‌بایستی داده شود مساعده گرفته‌اند مسئول می‌باشند. و هم چنین بایستی به دولت ایران تأکید نمایند که قیمت اسلحه و قورخانه را که از زمان امضای قرارداد مزبور به آنها داده شده است بپردازند.

خاطر جناب مستطاب عالی را نیز باید به فصل ششم قرارداد مزبور راجعه به تعرفه گمرکی جلب نموده اشعار نمایم حال که دولت علیه قرارداد را رد نمودند طبعاً مسئله مدخلیت این فصل قرارداد و اقداماتی را که الغای آن لازم می‌سازد تحت نظر در آورند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

[سند شماره ۳/۵]

[ناخوانا]

تاریخ ارسالی ۱۷ حوت ۹۹

وزارت امور خارجه

هیئت وزرا در جلسه ۱۳ حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹ به اتفاق آراء تصویب و تصمیم نمودند که معاهده مورخه ۹ ماه اوت ۱۹۱۹ منعقدہ فیما بین ایران و انگلیس الغاء گردد و وزارت امور خارجه الغاء آن را به سفارت انگلیس اعلام دارد. مواد مراسله ای که می بایست از طرف وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس ارسال گردد قرائت و تصویب شد. تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.

بخش چهارم:

انحلال پلیس جنوب

راه‌نمای اسناد بخش چهارم:

[سند شماره ۴/۱]:

از: -

به: -

موضوع: صورت جلسه سوم حمل ۱۳۰۰ هیأت دولت در باره انتقال امکانات و
پرسنل پلیس جنوب به دولت ایران
تاریخ: سوم حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۴/۲]:

از: کلنل فریزر

به: سیدضیاءالدین طباطبایی

موضوع: گزارش در باره اساس تشکیلات پلیس جنوب
تاریخ: ۱۶ مارس ۱۹۲۱

[سند شماره ۴/۳]:

از: کلنل فریزر

به: سیدضیاءالدین طباطبایی

موضوع: گزارش کامل از اساس و تشکیلات پلیس جنوب
تاریخ: [؟]

ریاست وزرا

در جلسه سوم حمل تخاقوی ٹیل ۱۳۰۰

نظر به این که دولت انگلیس مصمم شده است تشکیلات تأمینیه موسوم به پلیس جنوب ایران را که از چند سال به این طرف در ایالات فارس و کرمان تأسیس نموده منحل نماید و نظر به این که لزوم استقرار امنیت در نقاط مختلفه مملکت ازدیاد قوای ژاندارمری دولتی را قویاً ایجاب می‌کند و نظر به این که اگر قوای مزبوره منحل گردد از طرفی افراد آن که تمام اشخاص کارآزموده جنگی باشد بی‌کار و از طرف دیگر رشته انتظامات چند ایالت مهمه مملکت متلاشی خواهد گشت و در آتیه با صرف میلیونها و مدتی وقت ممکن است امنیت و آسایش را اعاده داد و برای جلوگیری از انحلال آن، مذاکرات و اقداماتی قبلاً از طرف حضرت آقای رئیس‌الوزراء شده و در جلسات سابق هیئت وزراء هم مذاکره در اطراف این مسأله شده بود، اینک هیئت وزراء به اتفاق آراء تصویب نمودند که با دولت انگلیس مذاکرات لازمه به عمل آید تا تشکیلات تأمینیه مزبوره فوق با مهمات آن به دولت علیه ایران منتقل گردد و صاحب‌منصبان انگلیسی و هندی آن از خدمت خارج و تشکیلات آتیه این قوه مطابق تشکیلات ژاندارمری دولتی و دستورالعمل دولت علیه [۹] شود. مقرر شد این تصمیم دولت علیه را وزارت امور خارجه در ضمن مراسله به سفارت انگلیس اطلاع دهد

تهران

مورخه ۱۶ مارس ۱۹۲۱

حضرت اشرف آقای آقا سیدضیاءالدین رئیس الوزراء

بر حسب میل حضرت اشرف، این جانب با نهایت توقیر و احترام اولاً یادداشت‌هایی راجع به اساس و تشکیلات کنونی پلیس جنوب تقدیم داشته، ثانیاً توصیه‌هایی در موضوع جرح و تعدیلات لازمه می‌نمایم تا آن که در موقع انتقال قوای مزبوره به خدمت دولت علیه اشکالاتی تولید نگردیده و چنان که حضرت اشرف در نظر گرفته‌اند قوای مزبوره بتوانند از عهده انجام مسئولیت‌های سنگینتری برآیند.

اگر چه این جانب به خوبی می‌دانم که یادداشت‌های مزبوره ناتمام و ناقص می‌باشد لکن به واسطه عدم مجال و فرصت نتوانستم بیش از این به طول و تفصیل پردازم ولی امیدوارم به حد کفایت مفید واقع گشته و خاطر مبارک از وضعیات استحضار حاصل نموده و تصمیمی راجع به اصول قضیه اتخاذ فرمایند.

امضا

لیوتنان کلنل فریزر

[سند شماره ۴/۳]

قسمت اول

تشکیلات:

پلیس جنوب دارای یک مرکز ارکان حرب واقعه در شیراز و دو بریگاد ساخلو شیراز و کرمان می باشد.

مرکز ارکان حرب عبارت است از یک نفر مفتش کل و اعضاء و یک نفر مستشار مالی.

هر بریگادی دارای یک مرکز بریگاد - یک فوج سوار - دو باطالیون پیاده - یک اسکادران توپ مسلسل - یک باطری توپ - یک کمپانی مهندس صحرائی - یک مریضخانه سیار - یک قورخانه - یک بیطاری - یک گرو سایل نقلیه - و دو قسمت به جهت تهیه آذوقه می باشد.

عده نفرات و ترتیب تقسیم آنها در صفحه الحاقیه (الف) مفصلاً ذکر شده است.

اسلحه:

اسلحه قوای پلیس جنوب از حکومت هندوستان تحصیل شده و ساخت جدید است.

پیاده نظام دارای تفنگ بلند ([؟]) هفت تیر ۰/۳۰۳ می باشد. سواره نظام

شیراز هم همان قسم تفنگ دارد، اما سواره نظام کرمان کارابین پنج تیر ۰/۳۰۳ دارد. سواره نظام به علاوه تفنگ شمشیر هم دارد. فوج سوار فارس دارای چهار قبضه تفنگ سریع الاطلاق (اتوماتیک) می باشد و یک باطالیون فارس دو قبضه از آن تفنگ دارد. اسکادرانهای فارس هر کدام چهار عدد توپ مسلسل ماکیزم ۰/۳۰۳ دارند. باطری توپ فارس نیز دو عراده توپ کوهستانی ده پوندی انگلیسی و دو عراده توپ شنیدر دارد. قسمت کرمان چهار توپ ده پوندی [؟] انگلیسی. در صفحه الحاقیه (ب) شرحی در موضوع اسلحه و قورخانه ذکر شده است.

لوازم و مهمات:

لوازم و مهمات و زین و یراق قوای جنگی ساخت جدید انگلیسی می باشد و از حکومت هندوستان تحصیل گشته ولی زین و یراق باری و سایل نقلیه در محل تدارک شده است و هر کدام از مریضخانه های سیار دارای لوازم و مهمات دو قسمت سیار معالجه و یک دستگاه عملیات جنگی کوچک حاضر کار در مرکز بریگاد می باشد.

لباس:

[؟] خاکی و پارچه دریل از هندوستان اتباع و در محل دوخته می شود. نفرات قوا بلوز گشاد می پوشند و کلاه ایرانی بر سر می گذارند. کلیه ملبوس مجاناً به نفرات داده می شود.

حقوق:

حقوق نفقات در هر ماه از این قرار می باشد:

قران

توپخانه	پیاده	سوار	
۴۰	۳۵	۴۵	تابین
۵۵	۵۰	۶۵	سرجوخه دویم
۷۵	۷۰	۸۰	سرجوخه اول
۹۵	۹۰	۱۰۰	وکیل
۱۱۰	۱۰۵	۱۱۵	وکیل ناظر
۱۲۰	۱۱۵	۱۲۵	وکیل باشی

صاحب منصب

۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	آسپیران دویم
۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	آسپیران اوّل
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	نایب دویم
۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	نایب اوّل
۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	سلطان دویم
۹۵۰	۹۵۰	۹۵۰	سلطان اول
۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	یاور

در موقع مسافرت روزی هشت قران به هر سلطان و یاور و چهار قران به صاحبمنصبان پست تر داده می شود.

آذوقه:

صاحبمنصب کل مأمور تهیه آذوقه، کلیه مأكولات را موافق کنطرات [کنترات] ابتیاع می نماید.

صاحب منصبان بریگاد آذوقه مأكولات را بین دستجات تقسیم می کنند. هردسته ای دارای آشپزخانه و خبازخانه می باشد و غذا و نان را خودشان می پزند. هر نفری در ظرف روز دو مرتبه غذای مکفی و چای و قند دارد.

صاحبمنصبان انگلیسی:

تفصیل صاحبمنصبان انگلیسی که حالیه جزو پلیس جنوب هستند از این قرار می باشد.

مرکز ارکان حرب: حقوق در ماه فی ۳۵۰ قران

یک نفر مفتش کل لیوتنان کلنل ۲۳۵۰ روپیه = ۸۲۲۵

یک نفر صاحبمنصب عضو

برای عملیات و اخبار ماژور ۱۵۰۰ روپیه = ۵۲۵۰

یک نفر صاحب منصب عضو

۱۵۰۰ روپيه = ۵۲۵۰

ماژور

برای اداره کردن

۱۸۰۰ روپيه = ۶۳۰۰

غير نظامی

یک نفر مستشار مالی

یک نفر صاحب منصب کل

۱۵۰۰ روپيه = ۵۲۵۰

ماژور

آذوقه و وسایل نقلیه

یک نفر صاحب منصب امور

۹۱۵ روپيه = ۳۳۴۰

کاپیتان

نظامی

یک نفر صاحب منصب

۹۲۵ روپيه = ۳۳۷۵

کاپیتان

ی/ک.م. نقلیه

دو بریگاد:

کاپیتان ۱۳۵۰ ۴۷۲۵

دو نفر صاحب منصب ارکان حرب

کاپیتان ۱۲۰۰ ۴۲۰۰

دو نفر صاحب منصب ارکان حرب

کاپیتان ۱۱۵۰ ۴۰۲۵

سه نفر صاحب منصب مأمور آذوقه

کاپیتان ۱۶۵۰ ۵۷۷۵

دو نفر صاحب منصب سوار

کاپیتان ۱۱۵۰ ۴۰۲۵

دو نفر صاحب منصب سوار

کاپیتان ۱۵۵۰ ۵۴۲۵

چهار نفر صاحب منصب پیاده

شش نفر صاحب‌منصب پیاده	کاپیتان	۱۱۰۰ روپیه = ۳۸۵۰ قران
دو نفر صاحب‌منصب توپخانه	کاپیتان	۱۲۰۰ روپیه = ۴۲۰۰ قران
یک نفر صاحب‌منصب توپخانه	کاپیتان	۸۷۵ روپیه = ۳۰۶۲ قران
دو نفر صاحب‌منصب توپ مسلسل	کاپیتان	۱۱۵۰ روپیه = ۴۰۲۵ قران
یک نفر صاحب‌منصب طبّی	کاپیتان	۱۸۰۰ روپیه = ۶۳۰۰ قران
پنج نفر صاحب‌منصب طبّی	کاپیتان	۱۱۵۰ روپیه = ۴۰۲۵ قران
دو نفر صاحب‌منصب بیطاری	کاپیتان	۹۵۰ روپیه = ۳۳۲۵ قران

به اضافه حقوق فوق‌الذکر به کلیه صاحب‌منصبان مزبور روشنی، سوخت، آذوقه، نوکر، و منزل مجانی داده می‌شود.

وظایف قوا:

حفظ راه از شیراز به بوشهر و از کرمان به بندرعباس بر عهده قوای پلیس جنوب است. در نقاط مهمه نیز برای مساعدت به ادارات کشوری ساخلو گذاشته شده است.

قسمت دویم

حضرت اشرف به این جانب فرمودید که دولت علیه قصد دارد قوای پلیس جنوب را داخل خدمت خود نموده و به اسرع اوقات وجه آن را پرداخته و وضعیات آنها را به قسمی که با اوضاع جدید مطابقت کند اصلاح نموده و مسئولیت امنیت ایالات اصفهان، فارس، کرمان و یزد را بر عهده آنها واگذار کند.

ضمناً حضرت اشرف اصرار فرمودید که مخارج قوای مزبوره لازم است به

قدری تقلیل یابد که بتوانند امرار حیات نموده و از عده صاحبمنصبان انگلیسی به قدری که به هیچ وجه بیش از آن گنجایش نداشته باشد کاسته شود. لازم نیست این نکته مفصلاً اظهار شود که به واسطه تقلیل مصارف و تخفیف صاحبمنصبان انگلیسی از قابلیت و استعداد قوای مزبوره کاسته خواهد شد و در حقیقت تقلیل مخارج و تزئید عده صاحبمنصبان انگلیسی سهلتر انجام پذیر خواهد گشت.

این جانب در پیشنهادهای ذیل اهتمام کرده‌ام موازنه ملاحظات اقتصادی و قابلیت و استعداد قوا را از دست ندهم لکن باید منتظر بود که قوای مزبوره در آتیه از نقطه نظر جنگی بودن به این خوبی نخواهند بود.

این جانب پیشنهاد می‌کنم که خوب است قوای مزبوره در تشکیلات جدید تقریباً عبارت از نه هزار در [؟] بوده و یک مرکز ارکان حرب در اصفهان یا شیراز داشته و به سه فوج سوار، شش باطالیون پیاده، چهار باطری توپ و شعب فرعیّه لازمه منقسم گردد.

علاوه بر این موقتاً یک هزار نفر قراول محلی برای حفظ راه‌ها بر آن عده افزوده‌ام. به عقیده این جانب تقسیم قوا هم باید از این قرار باشد که یک فوج سوار، دو باطالیون پیاده، یک باطری توپ مأمور هر یک از سه ایالت اصفهان، فارس و یزد گشته و یک باطری توپ هم به طور اضافه برای اصفهان تخصیص داده شود.

در موضوع تقسیم نفرات در حدود هر یک از ایالات سه گانه بایستی بعدها تصمیمی اتخاذ گردد. به عقیده این جانب در مرکز ارکان حرب هر ایالت بایستی یک مریم‌خانه کوچک، یک انبار قورخانه، یک شعبه تهیه آذوقه و یک اداره کوچک بیطاری باشد.

به عقیده این جانب مرکز کل باید دارای یک نفر مفتش کل و چند نفر عضو و یک نفر مستشار مالی باشد و همین شخص اخیر الذکر صاحبمنصب کل محاسبات

نیز باشد. شرح تشکیلات قوا در صفحه الحاقیه (ب) مفصلاً ذکر گردیده است.
جرح و تعدیلات مهمه که به عقیده این جانب می توان در تشکیلات کنونی داد از این قرار می باشد:

۱. عده معتابهی از صاحبمنصبان انگلیسی کاسته شود.
۲. هندیهایی که حالیه جزو قوا هستند منفصل گردند. (این اقدام مقرون به صرفه نیست زیرا مخارج ثباتهای هندی، اسلحه سازها و رانندگان اتومبیل ارزانتر از مصارف ایرانی ها می باشد لکن علی الظاهر نظریات سیاسی این اقدام را ایجاب می کند).
۳. بر هم زدن تشکیلات ذیل از نقطه نظر رعایت اقتصاد و میانه روی:
الف - موزیک. دو دسته موزیک تصویب می شود.^۱
ب - کمپانی های مهندسین صحرائی. یک کمپانی [۹] تصویب می شود.
پ - دستجات گاری و غیره. شش صد رأس قاطر و چهل گاری تصویب می شود.
- ت - ادارات امور نظامی. منحل می شود.
- ث - اسکادرانهای توپ مسلسل.
- این جانب توصیه می کنم که در آتیه یک دسته مخصوص توپ مسلسل تشکیل نشود و توپهای مسلسل جزو باطالیونهای پیاده و افواج سوار باشد. این اقدام از قابلیت قوا می کاهد لکن بیشتر مقرون به صرفه می باشد. تصویب می شود.

۴. تقلیل بسیار زیاد:

- الف - وسایل نقلیه چرخ دار. منحل می شود.
- ب - ادارات آذوقه. با تقلیل تصویب می شود.

۱. بخش هایی که با خط کج (ایرانی) آمده به خط سیدضیاءالدین طباطبایی می باشد.

ت - اطبا. ۳ نفر دکتر انگلیسی تصویب می شود.

تقلیل شعب فوق الذکر از استعداد و قابلیت قوا فوق العاده می کاهد لکن من باب تقلیل مخارج و تخفیف عده صاحب منصبان لازم است مجرا شود.

۵. اضافه بر عده حاضر دسته جات ذیل باید استخدام شود.

- یک فوج سوار.

- دو باطالیون پیاده.

- دو باطری توپ.

:

اسلحه و مهمات:

عجالتاً تفنگ و مهمات برای رفع حوائج آنی قوای اصلاح شده موجود است. این جانب توصیه می کنم که هر فوج سوار دو توپ مسلسل و سه قبضه تفنگ سریع الاطلاق (اتوماتیک) و هر باطالیون پیاده دو توپ مسلسل و هشت قبضه تفنگ سریع الاطلاق داشته باشد. تصویب می شود.

از قراری که ذکر گشت عده توپهای مسلسل بالغ بر هجده و عده تفنگهای سریع الاطلاق بالغ بر پنجاه و هفت قبضه خواهد گشت و حالیه شش عدد توپ مسلسل و شش قبضه تفنگ سریع الاطلاق موجود است، بقیه نیز بایستی به اسرع وسایل از حکومت هندوستان اتیاع شود. این جانب پیشنهاد کرده ام که عده باطریهای کوهستانی به چهار باطری که هر کدام دارای چهار عراده توپ باشد بالغ گردد. اکنون توصیه می کنم که بالاخره باید سه باطری آن کوهستانی (که بر پشت قاطر حمل می شود) و یک باطری دیگر صحرائی باشد، ولی عجالتاً نظر به این که تحصیل توپهای صحرائی معطلی دارد و همچنین تعلیم و تربیت توپچی ها اسباب تعویق کار می شود هر چهار باطری بایستی کوهستانی باشد. [۹] وسایل توپهای صحرائی

تصویب می‌شود که تهیه شود.

من توصیه می‌کنم که توپ ده پوندی انگلیسی مناسب‌ترین توپها می‌باشد. حالیه شش عراده موجود است و بنابر این برای تکمیل چهار باطری ده عراده دیگر ضرورت دارد.

لوازم و مهمات و ملبوس:

قسمت اعظم لوازم و مهمات و ملبوس برای رفع حوائج آنی موجود می‌باشد. تا زمانی که کارخانجات محلی نمی‌توانند پارچه خوب تهیه کرده و به قیمت مناسب بفروشند این جانب توصیه می‌کنم که دولت علیه آن ضروریات را از هندوستان تحصیل کرده و از دولت شاهنشاهی انگلیس تقاضا کند اجازه داده شود اجناس مزبوره به قیمتی که در کتابچه قشونی هند ثبت است فروخته شود. تصویب می‌شود.

این جانب توصیه می‌کنم که عجالاً لباس و مهمات و لوازم کاملاً به خرج دولت به نفرات داده شود. تصویب می‌شود.

ترکیب لباس:

این جانب توصیه می‌کنم که بهترین طرز لباس بلوز گشاد پارچه دریل خاکی رنگ برای تابستان و [؟] به جهت زمستان می‌باشد. بلندی لباس پیاده باید تا دو عرض دست به زانو مانده باشد ولی لباس سوار بایستی فی الجمله بلندتر باشد. کلاه نیز بایستی ایرانی بوده و نشان دولتی ایران بر آن نصب باشد ولی عجالاً لازم نیست قضیه لباس تحت مطالعه و مذاقه واقع گردد. تصویب می‌شود که فعلاً از لباسهای

موجوده استفاده شود بعد مطابق اونیشرم ژاندارمری دولتی لباس تهیه شود.

حقوق:

حقوق و اضافه‌هایی که به صاحب‌منصبان ایرانی و تابین‌ها داده می‌شود بایستی به همین حال باقی بماند. تصویب می‌شود.
مسئله مستمری فعلاً مسکوت عنه می‌ماند تا بعد تصمیم اتخاذ شود.

شرایط استخدام:

استخدام باید به طور داوطلب باشد. تابین‌ها بایستی به این شرط داخل خدمت گردند که مدت سه سال جزو قشون مانده و در هر نقطه‌ای که خارج از حدود ایران نباشد و مأموریت یابند اطاعت نمایند. صاحب‌منصبان یا به واسطه خدمت ترقی رتبه پیدا کرده و یا اشخاص لایقی مستقیماً به سمت صاحب‌منصبی تعیین گشته و این ترتیب دوام خواهد یافت تا مدرسه کادت صاحب‌منصب تهیه کند. صاحب‌منصبان مدت یک سال استاز خواهند داد و باید مدت سه سال خدمت کنند. موافق نظام عمومی ژاندارمری تعیین خواهد شد این مسئله مسکوت می‌ماند تا تکلیف عمومی ژاندارمری معلوم شود.

موقعیت قوا:

از قراری که استنباط می‌کنم قصد حضرت اشرف این است که قوای مزبوره

تحت اوامر وزارت داخله باشند و بنا بر این توصیه می‌کنم که موسوم به «ژاندارمری دولتی جنوب» گردیده و یک نفر صاحب‌منصب رابط قوای مزبوره در وزارت داخله مانده و وزیر داخله از مجرای صاحب‌منصب مذکور احکام را به مفتش کل صادر نماید.

کلمه جنوب حذف می‌شود (فقط ژاندارمری دولتی نامیده شود) مرجع آنها مرجع ژاندارمری خواهد بود ممکن است این مرجع وزارت داخله یا جنگ باشد.

کلیه احکام نیز بایستی به توسط مفتش کل به دستجات ابلاغ و اعلام شود.

تکالیف و مسئولیتها:

قوا بالاخره مسئول حفظ نظم و قانون در نقاطی که از طرف دولت تعیین خواهد شد خواهد بود، لکن قوایی که این جانب توصیه می‌کنم یک مرتبه نمی‌توانند مسئولیت‌های مزبوره را کاملاً بر عهده بگیرند و تا مدتی با نهایت زحمت قادر خواهند بود شاهراه‌های تجارتی را مفتوح نگاه داشته و مراکز مهمه ادارات کشوری را مأمون نگاه دارند. همواره وظیفه فرماندهان دستجات آن است که به ادارات کشوری مساعدت کرده و با تمام قوت و قدرت خود به مأمورین دولت یاری نمایند، لکن قوای مزبوره بایستی از مداخلات مأمورین کشوری محلی مصون باشند و اگر چه مأمورین مزبوره همیشه حق استمداد جستن دارند لکن هیچگاه نباید به آنها مأموریت دهند. صاحب‌منصبان قوا هم مسلماً بدون تجویز مأمور کشوری ذی‌مدخل به اقدامی که در ادارات کشوری تأثیری داشته باشد متشبث نخواهند گشت.

ظاهراً لازم است این نکته تکرار شود که نباید حفظ و حراست ادارات دولتی

و خانه‌های شخصی را به استثناء حکمران بر عهده قوای مزبوره وا گذاشت، زیرا این کار حقاً متعلق به پلیس می‌باشد و استعمال نفرات تعلیم یافته به جهت این قبیل امور نهایت افراط و تبذیر است.

صاحبمنصبان انگلیسی:

من باب این که لیاقت و استعداد قوا به حداقل باقی بماند تا رعایت اقتصاد شده باشد به عقیده این جانب اقلاً قوای مزبوره باید دارای بیست نفر صاحبمنصب انگلیسی باشند. پس از مطالعات ثانوی بنده بدین نتیجه رسیده‌ام که لازم است یک نفر صاحبمنصب بر عده‌ای که با حضرت اشرف مذاکره کرده‌ام افزوده شود، معذک به عقیده راسخ این جانب دولت علیه باید عده‌ای به درجات بیش از آن چه ذکر شد به خدمت گمارد و در عین حال هم مراعات اقتصاد و هم لیاقت قشونی به عمل آمده باشد و فقط ملاحظات مهمه دیگری بایستی دولت علیه را از این منظور باز دارد. رتبه‌ها و حقوقی که صاحبمنصبان مذکور باید دارا باشند از این قرار خواهد بود:

رئیس ارکان حرب	۱ نفر بادرجهٔ ماژری	ماهی ۵۳۰ تومان
	در قشون انگلیس	

مستشار مالی	۱ نفر سویل [؟]	ماهی ۶۵۰ "
-------------	----------------	------------

معلم برای هر فوج سوار	۳ نفر بادرجهٔ سلطانی	فی نفری ۵۳۰ "
	قدیم یا ماژری جدید	

معلم برای ۶	
باطالیون پیاده	۶ نفر " " "
معلم برای هر باطری توپ ۴ نفر کاپتن [کاپیتان]	فی نفری ۵۳۰ "
صاحبمنصب طبی	۳ نفر
صاحبمنصب بیطاری	۳ نفر
جمع	۲۱ نفر

علاوه بر حقوق فوق بایستی در موقع مسافرت روزی دو تومان به هر نفر داده شود و منزل مجانی و سوخت از قرار روزی ده من در موسم زمستان و علیق برای هر چند رأس اسب که لازم است داشته باشند مجاناً به آنها داده شود. صاحبمنصبان انگلیسی باید به عنوان معلم و برای مدت دو سال و سه ماه استخدام گردند و پس از انقضای سال دوم هر صاحبمنصبی حق خواهد داشت که سه ماه مرخصی گرفته و دولت علیه هم باید حقوق سه ماه وی را کاملاً پرداخته و مخارج مسافرت تا انگلستان را نیز به او تأدیه نماید.

در موضوع حقوق تقاعدی به جهت صاحبمنصبان ناقص الاعضاء و خانواده صاحبمنصبانی که در موقع خدمت به دولت علیه مقتول گردیده و یا در حال احتضار می باشند بایستی قراردادهایی بین دولتین منعقد گردد و هر گاه صاحبمنصبان انگلیسی در این باب اطمینان کامل حاصل نکنند حاضر خدمت نخواهند گشت. وقتی که شرایط اصلی فوق الذکر پذیرفته شود سایر جزئیات کنطرات [کنترات] با صاحبمنصبان اشکالی نخواهد داشت.

کلیه مخارج:

مخارج سالیانه قوای مزبور تقریباً از این قرار خواهد بود:

مبلغ جنس یا قیمتهای	۲۵۹۶۰۰۵ تومان وجه	مبلغ
[؟] که شده است	۱۳۱۴۸۶۴ من گندم	مقدار
و تصرفاتی که نموده‌اند	۱۰۵۰۳۸۰ من جو	مقدار
تغییر خواهد کرد.		
	۱۶۲۳۶۰۰ من کاه	مقدار

در دو صفحه الحاقیه (ب) و (ت) ترتیب تقسیم ارقام فوق کاملاً شرح داده شده است و از روی تجربه هم این ارقام معین گردیده. به جهت آن که این نقشه قابل اجرا گردد این جانب توصیه می‌کنم که دولت علیه فوراً به اقدامات ذیل تشبث جوید:

الف - به دولت شاهنشاهی انگلیس اطلاع دهد که قصد دارد پلیس جنوب را با تمام مهمات به خود انتقال دهد.

ب - از دولت شاهنشاهی انگلیس تقاضا کند به اسرع اوقات پنجاه و یک عراده توپ لوئیس یا هاچکس، دوازده توپ ماکیزم و ده عراده توپ ده پوندی کوهستانی با دوهزار عدد فشنگ سریع‌الانفجار و هشت هزار عدد گلوله شراپنل به وی بدهد.

مدرسه نظام:

این جانب یک پیشنهاد الحاقیه راجع به اعضاء یک باب مدرسه نظامی که دارای چهار صد و پنجاه نفر محصل باشد تقدیم می‌دارم و توصیه می‌کنم که دولت علیه اجازه تأسیس چنان مدرسه‌ای را بدهد. تصور هم نمی‌کنم مخارج آن در سال بیش از ۱۰۰۰۰۰ تومان وجه نقد، ۷۸۱۹۳ من گندم، ۳۰۱۸۰ من جو و ۴۱۰۴۰ من کاه باشد (به صفحه ۳ مراجعه شود).

ورقه‌های الحاقیه^۱

صورت اسلحه و مهمات

تفنگ بلند ۰/۳۰۳	۵۲۰۰ قبضه
کارابین کوتاه ۰/۳۰۳	۲۳۰۰ قبضه
رولور	۲۲۰ قبضه
شمشیر سوار نظام	۲۳۰۰ قبضه
فشنگ ۰/۳۰۳	۲/۷۵۰۰۰۰ عدد
گلوله توپ ده پوندی	۴۰۰۰ عدد
توپ کوهستانی ده پوندی	۶ عراده
توپ مسلسل ۰/۳۰۳	۸ عراده
توپ مسلسل ۰/۳۱۱	۲ عراده
تفنگ سریع‌الاطلاق (اتوماتیک)	۶ قبضه
فشنگ ۰/۳۱۱	۱۰۰۰۰ عدد
فشنگ رولور	۳۰۰۰۰ عدد
گلوله شنیدر	۵۰۰ عدد

۱. ورقه‌های الحاقیه الف و پ و ت و ث که در متن از آنها یاد شده در دست نیست.

بخش پنجم:

مصوبات هیئت دولت

راه‌نمای اسناد بخش پنجم:

[سند شماره ۵/۱]:

موضوع: ضبط کلیه داراییهای تجارتخانه طومانیانس

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۲]:

موضوع: استخدام مستشار خارجی

تاریخ: ۳۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۳]:

موضوع: لغو قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۴]:

موضوع: پرداخت حقوق دی و بهمن ۱۲۹۹ کارکنان دولت

تاریخ: ۲۴ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۵]:

موضوع: ممنوعیت ورود مشروبات الکلی به داخل کشور

تاریخ: ۲۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۶]:

موضوع: تشکیل کمیسیونی به ریاست منصورالسلطنه برای تدوین قوانین عدلیه
تاریخ: ۳۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۷]:

موضوع: ممنوع بودن صرف چای و قهوه با هزینه دولت در ادارات
تاریخ: ۲۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۸]:

موضوع: خرید راه آهن برازجان
تاریخ: ۲۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۹]:

موضوع: پرداخت پاداش به هیأت اعزامی به مسکو
تاریخ: ۳۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۵/۱۰]:

موضوع: مذاکره با دولت انگلیس جهت انتقال پرسنل و امکانات پلیس جنوب به
ایران
تاریخ: ۳ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۱]:

موضوع: استخدام مستشار انگلیسی برای پلیس جنوب

تاریخ: ۳ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۲]:

موضوع: پرداخت یکصد هزار تومان به دیویزیون قزاق برای اعزام به قزوین

تاریخ: ۱۴ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۳]:

موضوع: پرداخت پنجاه هزار تومان برای خرید اسلحه جهت قشون انگلیس

تاریخ: ۱۴ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۴]:

موضوع: پرداخت یکصد هزار تومان برای خرید اسلحه از بغداد

تاریخ: ۱۴ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۵]:

موضوع: استخدام مستشار امریکایی برای وزرات پست و تلگراف

تاریخ: ۱۴ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۶]:

موضوع: تعیین حقوق مستشاران خارجی

تاریخ: ۱۶ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۷]:

موضوع: پرداخت وام به مهاجرین گیلانی

تاریخ: ۲۵ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۸]:

موضوع: افزایش مالیات دخانیات

تاریخ: ۲۵ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱۹]:

موضوع: پرداخت پنجاه هزار تومان برای خرید گندم به مالیه قزوین

تاریخ: ۲۵ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۲۰]:

موضوع: افزایش نرخ تلگراف

تاریخ: اول ثور ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۲۱]:

موضوع: مالیات بر مشروبات الکلی

تاریخ: اول ثور ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۲۲]:

موضوع: تصویب مقرری بازنشستگی برای ورثه سه نفر پلیس کشته شده در

کودتای سوم حوت

مصوبات هیئت دولت / ۲۲۹

تاریخ: ۱۳ ثور ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۲۳]:

موضوع: بخشنامه به کلیه ادارات در باره منع استعمال تریاک توسط کارکنان
دولت

تاریخ: ۲۱ ثور ۱۳۰۰

[سند شماره ۵/۱]

هیئت وزراء

به تاریخ ۱۷ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۲۱۱۷

هیئت وزراء در جلسه سیزدهم حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹ تصویب نمودند که کلیه دارایی تجارتخانه طومانیانس از منقول و غیرمنقول در هر نقطه مملکت که باشد در مقابل طلب دولت ضبط شود تا این که قرار لازم داده شود.
[امضای اعضای هیئت دولت]

هیئت وزراء

به تاریخ ۳۰ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۲۹۴۴

هیئت وزراء در جلسه ۱۳ حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹ تصویب نمودند یک نفر مستشار و ده نفر متخصص از انگلستان برای وزارت مالیه و سی الی پنجاه نفر صاحبمنصب با درجات مختلفه از مملکت سوئد برای ژاندارمری و یک نفر مستشار و ده نفر متخصص برای فلاح و تقسیم اراضی از مملکت اتازونی و یک نفر مستشار و تا چهار نفر متخصص از مملکت فرانسه برای وزارت عدلیه استخدام شود، تا این که هیئت دولت علیه بتواند در مقابل الغاء قرارداد مورخه ۹ ماه اوت ۱۹۱۹ موفق به اصلاحات مملکتی شود.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۳]

هیئت دولت

به تاریخ ۱۷ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۲۱۴۰

هیئت وزرا در جلسه ۱۳ حوت پیچی نیل ۱۲۹۹ به اتفاق آرا تصویب و
تصمیم نمودند که معاهده مورخه ۹ ماه اوت ۱۹۱۹ منعقد فیما بین ایران و انگلیس
الغاء گردد و وزارت امور خارجه الغاء آن را به سفارت انگلیس اعلام دارد.

حاشیه:

سواد مراسله که می بایست از طرف وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس ارسال گردد
قرائت و تصویب شد.

[امضای اعضای هیئت دولت]

هیئت دولت

به تاریخ ۲۴ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۲۴۰۳

هیئت وزرا در جلسه ۲۲ حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹ تصویب نمودند که حقوق بروج جدی و دلو اجزاء و اعضاء وزارتخانه‌ها پرداخته شود و راجع به برج حوت عجلتاً حقوق مستخدمین جزو از قبیل سرایدار و فراش و پیشخدمت و غیره را پردازند و نسبت به اجزاء پشت میز نشین تا تشکیلات وزارتخانه‌ها تکمیل شود هر عضوی که از خدمت منفصل شد حقوق حوت را دریافت کند و هر عضوی که در خدمت باقی ماند از حقوق حوت صرف نظر کند. در صورتی که از بابت برج حوت وجهی قبلاً دریافت کرده باشد باید از حقوق آتی او موضوع گردد. ولی وزارت پست و تلگراف از این ترتیب معاف است و اعضاء آن حقوق مرتب خود را دریافت خواهند داشت.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۵]

هیئت وزراء

به تاریخ ۲۹ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۲۷۴۱

هیئت وزراء در جلسه ۲۵ حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹ تصویب نمودند که از ورود مشروبات الکلی به مملکت جلوگیری شود و وزارت مالیه مدلول این تصمیم را به تمام نقاط گمرکی ابلاغ و امر اکید نماید که از این به بعد از ورود هر نوع مشروب و لیگرائز الکلی ممانعت کامل به عمل آید.

[امضای اعضای هیئت دولت]

هیئت وزراء

به تاریخ ۳۰ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۲۹۴۳

در جلسه ۲۲ حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹ هیئت وزراء قرار شد کمیسیون مرکب از آقایان مفصله ذیل تشکیل یابد که در تحت ریاست آقای منصورالسلطنه قوانین راجع

- آقای منصورالسلطنه

- آقای ذکاءالملک

- آقای حاج سید نصرالله

- آقای میرزا محمد قمی

- آقای شیخ محمد بروجردی

- آقای میرزا علی قمی

- آقای شریعت زاده

به عدلیه را ترتیب دهند تا پس از آن که از روی دقت قوانین مزبوره حاضر شد

به هیئت وزراء پیشنهاد و تنفیذ گردد.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۷]

۱

هیئت وزراء

به تاریخ ۳ برج حمل ۱۳۳۹

نمره ۹۸

هیئت وزراء در جلسه ۲۵ حوت پیچی ٹیل ۱۲۹۹ تصویب نمودند که از اول حمل تخاقوی ٹیل ۱۳۰۰ در تمام ادارات کشوری و لشکری مرکز و ولایات صرف چای و قهوه با خرج دولت موقوف گردد و به این اسم به هیچ وجه تحمیلی بر بودجه دولت نشود.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۸]

هیئت وزراء

بد تاریخ ۲۵ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۲۵۰۱

نظر به این که خریداری راه آهن برازجان برای دولت ارزانتر از آنچه که خود دولت اقدام به کشیدن راه نماید تمام می شود و نظر به این که منافع و مصالح دولت خرید راه آهن ساخته و آماده مزبور را ایجاب می نماید هیئت وزراء در جلسه ۲۵ حوت پیچی نیل ۱۲۹۹ خریدن آن را تصویب نمودند. لازم است آقای وزیر فواید عامه به اسرع اوقات داخل مذاکره خریداری راه آهن مزبور شده و با قیمتی که کمال صرفه دولت در آن رعایت شده باشد عمل آن را ختم نماید.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۹]

هیئت وزراء

به تاریخ ۳۰ برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۲۹۴۵

نظر به خدماتی که میسیون اعزامیه به مسکو در معیت آقای مشاور الممالک
سفیر فوق العاده دولت علیه به تقدیم رسانده اند هیئت وزراء در جلسه ۲۷ حوت
پیچی ٹیل ۱۲۹۹ بر حسب پیشنهاد تلگرافی آقای مشاور الممالک تصویب نمودند
مبلغ چهار هزار تومان به اعضاء میسیون مزبور به طور انعام پرداخته شود.

حاشیه:

این تصویب نامه سند خرج حکم ۱۲۷۱۵ است.

[امضای اعضای هیئت دولت]

هیئت وزراء

(در جلسه سوم حمل تخاقوی ٹیل ۱۳۰۰)

نظر به این که دولت انگلیس مصمم است تشکیلات تأمینیه موسوم به پلیس جنوب ایران را که از چند سال به این طرف در ایالات فارس و کرمان تأسیس نموده اند منحل نماید و نظر به این که لزوم استقرار امنیت در نقاط مختلفه مملکت از دیاد قوای ژاندارمری دولتی را قویاً ایجاب می کند. نظر به این که اگر قوای مزبوره منحل گردد از طرفی افراد آن که تمام اشخاص کارآزموده جنگی هستند بیکار و از طرف دیگر رشته انتظامات چند ایالت مهمه مملکت متلاشی خواهد گشت و در آتیه با صرف میلیونها و مدتی وقت ممکن است امنیت و آسایش را اعاده داد و برای جلوگیری از انحلال آن مذاکرات و اقداماتی قبلاً از طرف حضرت آقای رئیس الوزرا شده و در جلسات سابق هیئت وزرا هم مذاکره در اطراف این مسئله شده بود اینک هیئت وزرا به اتفاق آراء تصویب نمودند که با دولت انگلیس مذاکرات لازمه به عمل آید تا تشکیلات تأمینیه مزبوره فوق با مهمات آن به دولت علیه ایران منتقل گردد و صاحب منصبان انگلیسی و هندی آن از خدمت خارج و تشکیلات آتیه این قوه مطابق تشکیلات ژاندارمری دولتی و دستورالعمل دولت علیه داده شود و مقرر شد این تصمیم دولت علیه را وزارت امور خارجه در ضمن مراسله به سفارت انگلیس اطلاع دهد.

[امضای اعضای هیئت دولت]

ریاست وزراء

به تاریخ ۵ برج ثور تخاقوی ثیل ۱۳۳۹

نمره ۱۳۸۰

نظر به این که برای نگاهداری و حسن انتظام قوه معروف به پلیس جنوب که از دولت انگلیس به دولت ایران انتقال می یابد وجود صاحبمنصبان لایق کافی ضرورت کلی دارد و این مسئله پوشیده نیست که در ایران صاحبمنصبان لایق به درجه کافی برای نگاهداری این قوه موجود نیست و نظر به این که انتخاب و اعزام صاحبمنصبانی که هیئت وزرا تصویب نموده اند از مملکت سوئد برای کلیه تشکیلات ژاندارمری استخدام شود مستلزم طول مدتی است که چنانچه در فاصله انتخاب و ورود آنها به ایران یک چنین قوه ای بی سرپرست بماند بیم آن می رود که از تحت انتظام خارج گردد، علیهذا هیئت وزرا در جلسه سوم حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ تصویب نمودند به طور موقت عده ای مرکب از ۱۵ نفر صاحبمنصب انگلیسی، یک نفر سیویل برای ریاست محاسبات، سه نفر دکتر و سه نفر بیطار که حداقل عده لازم از برای انتظام قوه مزبوره است با درجاتی که دولت معین می کند استخدام و در نقاط و قسمتهای تشکیلات ژاندارمری که دولت مقرر می دارد به خدمات دستجات ژاندارمری موقتاً گماشته شوند و مقرر شد که وزارت امور خارجه برای استخدام صاحبمنصبان فوق مراسله لازم به سفارت انگلیس بنویسند.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۱۲]

هیئت دولت

به تاریخ ۱۴ برج حمل ۱۳۳۹

نمره ۶۱۵

هیئت وزرا در جلسه ۱۴ حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ تصویب نمودند نظر به این که قشون انگلیسی فرونت قزوین را تخلیه می کنند و قشون دولت علیه باید قائم مقام آنها واقع شوند بر حسب پیشنهاد آقای وزیر جنگ برای مصارف اعزام قشون یکصد هزار تومان به دیویزیون قزاق اعتبار داده شود.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۱۳]

هیئت دولت

به تاریخ ۱۴ برج حمل ۱۳۳۹

نمره ۶۱۴

هیئت وزرا در جلسه ۱۴ حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ بر حسب پیشنهاد آقای وزیر جنگ تصویب نمودند مبلغ پنجاه هزار تومان برای خرید اسلحه قشون انگلیس مقیم قزوین به وزارت جنگ اعتبار داده شود.

[امضای اعضای هیئت دولت]

هیئت دولت

به تاریخ برج حمل ۱۳۳۹

نمره ۶۱۳

هیئت وزرا در جلسه ۱۴ حمل تخاقوی ٹیل ۱۳۰۰ بر حسب پیشنهاد آقای وزیر جنگ تصویب نمودند مبلغ یکصد هزار تومان برای خرید اسلحه از بغداد اعتبار داده شود.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۱۵]

هیئت وزراء

به تاریخ ۶ برج ثور ۱۳۳۹

نمره ۱۸۴۲

در تعقیب مراسله ۱۶۷۳ نظر به این که کترات مستر نیو مستشار تلگرافخانه و مسیو مولیتور رئیس پست، نزدیک به اتمام و منقضی شدن است هیئت وزراء در جلسه ۱۴ حمل تخاقوی ٹیل ۱۳۰۰ تصویب نمودند یک نفر مستشار امریکایی که متخصص در امور تلگراف و پست باشد برای وزارت پست و تلگراف استخدام شود. [امضای اعضای هیئت دولت]

هیئت وزراء

هیئت وزراء در جلسه ۱۶ حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ تصویب نمودند موجب کلنل اسمایس و کلنل هاولستن و کلنل فریزر از قرار ماهی هشتصد تومان به اضافه علیق دو اسب و پنجاه تومان کرایه منزل و سوخت و روشنایی به هر یک پرداخته شود و برای سایر صاحبمنصبان انگلیسی که به خدمت دولت ایران پذیرفته خواهند شد یک ربع بر میزان حقوقی که از انگلستان دریافت می دارند اضافه تر پرداخته شود. شرایط استخدام صاحبمنصبان انگلیسی موافق مواد کتتراتی که از طرف آقای وزیر امور خارجه و آقای وزیر جنگ و معاونین دو وزارتخانه مذکور و آقایان کلنل علی خان ریاضی و زمان خان تهیه شده و در هیئت وزراء قرائت شد تصویب گردید که بر طبق کتترات مزبور استخدام شوند.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۱۷]

هیئت وزراء

بد تاریخ ۲۹ برج حمل ۱۳۳۹

نمره ۱۴۵۴

نظر به پریشانی مهاجرین گیلانی و نظر به این که وظیفه دولت است از آنها نگاهداری نماید هیئت وزراء در جلسه ۲۵ حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ تصویب نمودند مبلغ شصت هزار تومان از بانک شاهنشاهی برای مهاجرین به ضمانت دولت به مدت نه الی بیست و یک ماه قرض شود که مبلغ مزبور را در مدت چهار ماه بانک به اقساط متساوی بپردازد و در عوض دولت املاک مهاجرین را برای مبلغ مزبور رهن بگیرد که اگر در انقضاء مدت مقروضین دین خود را نپردازند املاکشان را دولت تصرف نماید.

[امضای اعضای هیئت دولت]

هیئت وزراء

به تاریخ ۳ برج ثور ۱۳۳۹

نمره ۱۶۸۷

هیئت وزراء در جلسه بیست و پنجم حمل ۱۳۰۰ تصویب نمودند از اول ثور
هذه السنه بر مالیات مصوبه دخانیات از قرار صدی ده افزوده شود به طوری که از
تاریخ مزبور به انضمام مالیات سابق کلیتاً از تنباکو و توتون چیق صدی چهل و از
توتون سیگار صدی سی اخذ شود.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۱۹]

هیئت وزراء

به تاریخ ۲۷ برج حمل ۱۳۳۹

نمره ۱۲۹۶

در جلسه ۲۵ حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰

نظر به این که کمی غله در قزوین اسباب زحمت اهالی شده و وضع نان شهر غیر منظم گردیده هیئت وزرا بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه تصویب نمودند مبلغ پنجاه هزار تومان برای خرید گندم اعتبار به اداره مالیه قزوین داده شود که تهیه گندم نموده و بعد وجه آن را مجدداً به وزارت مالیه مسترد نمایند.

[امضای اعضای هیئت دولت]

هیئت وزرا

به تاریخ ۸ برج ثور ۱۳۳۹

نمره ۲۰۲۲

نظر به این که به واسطهٔ سیم‌کشیهای جدید، افزایش حقوق اجزاء و ترقی قیمت‌آلات و ادوات لازمهٔ تلگراف مخارج ادارهٔ تلگراف زیاد و عایدات آن رو به نقصان نهاده است، هیئت وزرا در جلسهٔ اول ثور تخاقوی‌ئیل ۱۳۰۰ بر حسب پیشنهاد وزارت پست و تلگراف تصویب نمودند از دهم برج ثور جاری به هر کلمه از تلگرافات فارسی و لاتینی در داخلهٔ مملکت یک صد دینار افزوده و دریافت شود.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۲۱]

هیئت وزراء

به تاریخ ۱۰ برج ثور ۱۳۳۹

نمره ۲۰۲۳

اگر چه اساساً هیئت دولت استعمال مسکرات را اکیداً قدغن نموده است و لیکن نظر به این که فعلاً موجبات اجرای این تصمیم در بعضی از نقاط مملکت فراهم نشده لذا هیئت وزراء در جلسه اول ثور تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ برای جلوگیری از شیوع استعمال مسکرات در نقاط مزبوره تصویب می نمایند که در هر قسمت از ایالات و ولایات که هنوز به واسطه فقدان موجبات تصمیم منع استعمال مسکرات به موقع اجرا گذاشته نشده قیمت باندل برای هر بطری از قرار سه قران اخذ شود.

[امضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۲۲]

هیئت وزراء

به تاریخ ۲۴ برج ثور ۱۳۳۹

نمره ۶۶۸

نظر به رعایت احوالات ورثه سه نفر مستخدمین مفصلة الاسامی نظمیه که در لیلۀ سوم حوت سنۀ ماضیه مقتول شده اند هیئت وزراء در جلسۀ ۱۳ ثور تخاقوی ٹیل ۱۳۰۰ بر حسب پیشنهاد وزارت داخله و تقاضای اداره نظمیه تصویب نمودند که از قرار شرح ذیل حقوق:

- ورثۀ محمدخان [؟] درجه ۲ مأمور مرکز که در شب ۳ حوت مقتول شده

ماهیانہ

- ورثۀ باقرخان آژان درجه ۲ مأمور باجه ۲ که به قتل رسیدہ ماهیانہ

- ورثۀ یعقوبعلی خان آژان درجه ۳ مأمور ناحیہ ۹ که اخیراً فوت کردہ ماهیانہ

تقاعدی برای مدت سه سال در بارۀ آنها برقرار و ماهیانہ پرداخت گردد.

[امضای اعضای هیئت دولت]

[سند شماره ۵/۲۳]

وزارت مالیه

نمره ۱۸۳۰

به تاریخ ۲۱ برج ثور ۱۳۰۰

متحدالمآل به عموم ادارات و دواير مرکزی وزارت مالیه

اداره کابینه وزارتى

به موجب دستخط نمره ۱۴۵۶ مقام منیع ریاست وزراء عظام نظر به مضار
مسئله استعمال تریاک مقرر است که اعضا و عمال دولتی اعم از کشوری و لشکری
که معتاد به استعمال تریاک بوده و به آن مداومت نمایند قطعاً از خدمت منفصل
گردند، ولی وزارت مالیه با مذاکراتی که در این امر به عمل آورده و با جلب نظریات
وزارت جلیله صحیه، یک ماه فرجه برای ترک آن تعیین کرده و اینک از رؤساء ادارات
تمنی می شود که به عموم اعضا خود اخطار نمایند که هر گاه از تاریخ وصول این
حکم تا یک ماه دیگر فردی از کارکنان آن اداره مداومت به استعمال تریاک نماید جداً
از طرف وزارت مالیه تعقیب و بدون پذیرفتن هیچ گونه عذری از خدمت دولت
منفصل خواهد شد و البته هر نوع اطلاعاتی برای ترک آن لازم باشد می توانند از
متخصصین وزارت صحیه تحصیل نمایند و به علاوه برای تسهیل امر در جراید
دستورهایی کلی اشاعت خواهد یافت، علیهذا لازم است مراتب را در ضمن حکم
اداری به عموم اعضا که ذیل آن را امضا خواهند نمود سریعاً اطلاع داده و نتیجه را
اشعار دارید.

[امضا و مهر]

بخش ششم:

خلع سلاح عمومی

راه‌نمای اسناد بخش ششم:

[سند شماره ۶/۱]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: ژنرال وستداهل رئیس تشکیلات نظمیه

موضوع: شرکت در کمیسیون خلع سلاح عمومی

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۶/۲]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: رضاقلی‌خان معاون تشکیلات نظمیه

موضوع: شرکت در کمیسیون خلع سلاح عمومی

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۶/۳]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: کلنل کاظم‌خان حاکم نظامی تهران

موضوع: شرکت در کمیسیون خلع سلاح عمومی

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۶/۴]:

از: وستداهل رئیس کل تشکیلات نظامیه

به: رئیس الوزرا

موضوع: گزارش کار کمیسیون خلع سلاح عمومی

تاریخ: ۱۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۵]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: اداره نظامیه

موضوع: ارسال اعلامیه خلع سلاح عمومی جهت اقدام

تاریخ: ۱۱ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۶]:

از: -

به: -

موضوع: اعلامیه خلع سلاح عمومی

تاریخ: ۱۱ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۷]:

از: صنف اسلحه فروش

به: رئیس الوزرا

موضوع: شکوه از توقیف اسلحه های صنف اسلحه فروش و پیشنهاد خرید

اسلحه ها توسط دولت

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۸]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: صنف اسلحه فروش

موضوع: تأکید در اطاعت از امر دولت

تاریخ: ۱۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۹]:

از: صنف اسلحه فروش

به: رئیس الوزرا

موضوع: پرداخت قیمت اسلحه های ضبط شده از این صنف

تاریخ: ۱۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۱۰]:

از: سید ضیاء الدین طباطبایی

به: صنف اسلحه فروش

موضوع: پیشنهاد واگذاری زمین جهت کشاورزی به صنف اسلحه فروش در

عوض گرفتن سلاحهای آنان

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۶/۱۱]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: ارسال صورت اسلحه‌های توقیف شده و تحویل آنها به رئیس

دیویزیون قزاق

تاریخ: ۲۳ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۱۲]:

از: -

به: -

موضوع: صورت جلسه خلع سلاح عمومی در کابینه مشیرالدوله و تعداد

اسلحه‌های ضبط شده

تاریخ: ۱۵ ذیقعه ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۱۳]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: کلنل گلروپ

موضوع: شرکت در کمیسیون خلع سلاح عمومی

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۶/۱۴]:

از: سردار معظم

به: رئیس الوزرا

خلع سلاح عمومی / ۲۵۹

موضوع: شرح اسلحه‌های موجود در خانه و تقاضای صدور مجوز جهت
اسلحه‌های شکاری
تاریخ: ۲۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۱۵]:

از: دفتر ریاست وزرا
به: حکومت نظامی تهران
موضوع: دستور صدور جواز حمل برای اسلحه‌های شکاری سردار معظم
خراسانی
تاریخ: ۳۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۶/۱]

ریاست وزراء

آقای ژنرال وستداهل رئیس تشکیلات نظمیه

نظر به این که دولت در نظر دارد اسلحه‌ای که نزد اشخاص متفرقه می‌باشد جمع نماید لازم است کمیسیونی مرکب از اشخاص ذیل برای مطالعه در طریق اجرای این

- آقای کاپیتان کاظم خان کماندان شهری

- آقای کلنل گلروپ

- آقای رضاقلی خان معاون تشکیلات

امر چهار ساعت بعد از ظهر امروز در نظمیه تشکیل یافته فوراً نظریات خود را اعلام دارند.

ریاست وزراء

آقای رضاقلی خان معاون تشکیلات نظمیه

نظر به این که دولت در نظر دارد اسلحه‌ای که نزد اشخاص متفرقه می‌باشد جمع نماید لازم است امروز چهار ساعت بعد از ظهر در نظمیه کمیسیونی مرکب از اشخاص ذیل:

- آقای ژنرال وستداهل

- آقای کلنل گلروپ

- آقای کاپیتان کاظم خان

برای مطالعه در طریق اجرای این امر تشکیل یافته فوراً نظریات خود را اعلام دارید.

[سند شماره ۶/۳]

ریاست وزراء

آقای کاپیتان کاظم خان کماندان شهری

نظر بر این که دولت در نظر دارد اسلحه‌ای که نزد اشخاص متفرقه می‌باشد جمع نماید لازم است امروز چهار ساعت بعد از ظهر در نظمیہ کمیسیونی مرکب از اشخاص ذیل تشکیل یافته:

- آقای ژنرال وستداهل

- آقای کلنل گروپ

- آقای رضاقلی خان معاون تشکیلات نظمیہ

در طریق اجرای آن امر مطالعه نموده فوراً نظریات خود را اعلام دارند.

نظمیه طهران

مورخه ۱۹ شهر جمادی الآخر مطابق دهم برج حوت ۱۳۳۹

نمره ۱۴۰۸

مقام منیع بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد ارفع افخم آقای

رئیس الوزراء دامت شوکتہ

در نتیجه کمیسیون وزارت جلیله داخله راجع به جمع آوری اسلحه این طور
رای داده شد که اعلانی مشتمل بر چهار ماده انتشار و به مدلول آن اقدام گردد. اینک
صورت اعلان لفاً از لحاظ مبارک می گذرد که در صورت تصویب به دستخط مبارک
موشح و اعاده فرمایند که طبع و نشر شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه

وستداهل

امضا

[سند شماره ۶/۵]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۱۸۹۴

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۱۱ حوت ۹۹

اداره نظمیة

مراسله نمره ۱۴۰۸ به ضمیمه اعلان که مشتمل بر مواد پنجگانه راجع به جمع آوری اسلحه بود واصل و ملاحظه گردید. اینک پس از تصمیمات لازمه موافق ورقه علیحده که لفافه ملاحظه می نمایند اقدام لازم به عمل خواهید آورد.

امضا

اعلان

بر حسب امر و اشاره بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته برای اطلاع عامه به نشر این اعلان اقدام و به عموم اهالی دارالخلافه مواد چهارگانه ذیل اخطار و اعلام می‌گردد:

ماده اول - نظر به این که حکومت نظامی در شهر دارالخلافه حکم فرماست به استثنای طبقات نظامی، عموم صاحبان اسلحه از اسلحه فروش و غیره مکلفند که اسلحه موجود در حجرات و امکنه و منازل خود را به انضمام فشنگ بدون فوت وقت به کمیساریای محلی خود تسلیم و قبض چایی که تهیه شده است دریافت نمایند.

ماده دوم - ۶ روز بعد از نشر این اعلان کلیه اسلحه‌های موجوده که قبلاً به کمیساریای محلی تسلیم نگشته باشد بدون دادن قبض اخذ و ضبط دولت علیه خواهد شد.

ماده سوم - هرگاه یک ده روز از تاریخ نشر این اعلان بگذرد و صاحبان اسلحه در اجراء مواد این اعلان خودداری و تخلف نموده باشند علاوه بر اخذ و ضبط اسلحه مرتکب به مجازاتهای سخت حتی ممکن است محکوم به اعدام شود.

ماده چهارم - به مأمورین نظمیه و قوای تأمینیه حق داده شده و می‌توانند در هر موقع امکنه و منزلی را که مورد سوءظن واقع شود ورود و تفتیش نمایند.
تبصره - تفنگهای ساچمه‌زنی و شکاری از مواد فوق مستثنی و برای حمل آن

باید در این فاصله از اداره نظمیه جواز تحصیل نمایند.

یازدهم حوت پیچی نیل ۱۳۳۹

رئیس کل تشکیلات نظمیه و حاکم نظامی شهر طهران مأمور اجرای مواد فوق هستند.

حاشیه:

[در حاشیه ماده‌ای با شماره ۲ افزوده شده که پس از آن کلیه شماره‌ها تغییر کرده است]

۲ - در قبض [؟] و انواع تفنگ و مقدار فشنگ تصریح خواهد شد.

صنف بی پناه اسلحه فروش

قال الله تبارک و تعالی

یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض لتحکم بین الناس بالعدل

به مقام منیع نبیل ریاست وزراء عظام دامت عظمتہ و قدرتہ
شغل چاکران [؟] منحصر به اسلحه فروشی و از این ممر معاش اهل و عیال را
اداره نموده و می نماییم. از بدو کابینه آقای مشیرالدوله به واسطه توقیف شدن
موجودی چاکران به کلی از کسب و کار افتاده، گرچه تا سه ماه قبل اداره نظمیه جزئی
شهریه از این بابت به چاکران می پرداخت ولی آن هم مقطوع و تاکنون آنچه داشته
فروخته به مصرف معیشت اهل و عیال رسانیده ایم و از هستی ساقط و دارایی
چاکران منحصر به چند قبضه تفنگ و حال با این اعلان جدید اداره نظمیه بالکلیه
امید چاکران مقطوع و طرق معیشت به کلی مسدود، پناه به آستان مبارک آورده و
استدعای عاجزانه از آن مقام منیع می نماییم محض بروز عدالت و آسایش سیصد نفر
کاسب معیل امر و مقرر فرمایند که کارگزاران دولت علیه تفنگ و فشنگهای چاکران را
به قیمتی که چاکران را از هستی ساقط ننماید خریداری نموده وجه آن را به چاکران
بپردازند که سرمایه خود نموده به کسب دیگر مشغول و لقمه نانی به جهت اهل و
عیال تحصیل نموده دعاگو باشیم. امر امر مبارک است

[حاشیه: بیش از ۵۵ امضا و مهر]

[سند شماره ۶/۸]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۱۹۷

کارتن ۱۲ دوسیه ۴/۳

تاریخ ارسالی ۱۹ حوت ۹۹

آقایان صنف اسلحه فروش

عرض حال شما راجع به تحویل دادن اسلحه و کسب تکلیف برای کسب و گذران خودتان در آتیه ملاحظه شد جواباً می نویسم اوامر دولت لازم الاجرا است و باید فوراً اطاعت کرد سپس دولت قرار مقتضی خواهد داد.

امضا

مقام منبع و ساحت رفیع ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ

مع الاحترام عرض و بہ استحضار خاطر مقدس می‌رسانیم امروز کہ بحمداللہ تعالی الطاف حضرت الہی شامل حال این ملت ضعیف ایران گردیدہ و آن وجود مقدس را کہ در گنجینہ رأفت خود سالیان چندی برای داوری و دادرسی مظلومین بہ ذخیرہ نگاہ داشتہ و اینک بر سر این ملت ستمدیدہ سایہ افکن گردیدہ و بہ مساعدت قضا و قدر رشتہ امور ملت و مملکت را بہ کف کفایت آن وجود مقدس واگذارده، ہمگی منتظر عدل و اقتصاد و چشم آسایش و داد داریم بہ طوری کہ خاطر مبارک مستحضر است در کابینہ اسبق (آقای مشیرالدولہ) تاکنون کہ قریب ہشت ماہ می‌شود امر بہ توقیف کلیہ اسلحہ صادر و جہت آسایش حال اسلحہ فروشان مقرر فرمودند مادامی کہ اسلحہ در توقیف است بہ عدد ہر یک قبضہ مبلغ یک تومان بہ اسلحہ فروشان مرحمت شود. قریب چہار ماہ مبلغ یک تومان را بہ اشخاص اسلحہ فروش عاید داشتند و چہار ماہ دیگر را تاکنون مرحمت نفرمودہ اند. در این اواخر سال و موقع تجدید سنہ کہ ہر کس محتاج بہ مخارج فوق العادہ است صنف اسلحہ فروش بہ ہیچ وجہ کسب ننمودہ و جہت امرار معاش ضروریہ اہل و اطفال خود در عسرت ہستیم و از طرفی بر حسب امر مبارک قدغن فرمودہ اند اسلحہ خود را تحویل کارکنان دولت نمودہ و قبض دریافت نماییم. در این صورت تکلیف یک عدہ صنف اسلحہ فروش با یک مشت اہل و اطفال چہ می‌شود، امر معاش خود را از چہ طریقہ ادارہ نماییم و حال آن کہ خاطر مبارک بہ تمام اصناف شہر بہ خصوص صنف اسلحہ فروش کہ از ہمہ طبقات فروش و دخل آنها کمتر است مستحضر است از

گرانی امر معاش و قلت کار [در] این مملکت و عده بیکاران و فقرای هر گوشه و کنار مسبوق که همه روزه به واسطه سختی معاش و عدم کار بر بیکاران و فقرای شهر افزوده می شود. این است که دست تضرع به ذیل عنایت آن وجود مقدس دراز نموده استرحام می نماییم امر مطاع شرف صدور یابد که آنچه اسلحه از ما بیکاران دریافت می نمایند به قیمت عادله مطابق تصدیق خبره وجه آن را به صاحبان اسلحه مرحمت فرمایند تا در آن وجه [؟] کسب نموده معاش اهل و اطفال خود را تهیه کرده دچار فلاکت و گدایی نشویم.

امر امر مطاع

ریاست وزراء

صنف اسلحه فروش

مشروحه تظلم آمیز واصل گردید. وضعیات کنونی اجازه نمی دهد که اسلحه در دست مردم باشد ولی برای جبران خسارت قدغن خواهد شد که از اراضی دولتی قسمتی به کسانی که اسلحه داشته اند داده شود که کشت و زرع نموده بیش از حرفت سابق خود استفاده نمایند.

سید ضیاء الدین طباطبایی

[سند شماره ۶/۱۱]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۳۸۱

کارتن ۱۲ دوسیه ۴/۳

تاریخ ارسالی ۲۳ حوت ۹۹

حکومت نظامی شهر طهران

لازم است صورت کلیه اسلحه [های] که تا این تاریخ جمع شده است ارسال دارید و هر مقدار از این اسلحه [؟] و مورد استفاده دیویزیون قزاق باشد خود جنابعالی مستقیماً برای ریاست محترم دیویزیون قزاق ارسال داشته قبض رسید دریافت دارید.

ریاست وزراء

تفنگ	هفت تیر و طپانچه	فشنگ
۱۵۲	۳۵	۷۹۶۰
۱۶۹		
۲۸		۳۹۰۰۰
۳		۱۵۲۰۰۰
۳		۱۵۰۰
۱۵		
۳۷۰		۱۹۲۵۰۰

در جلسه ۱۵ ذیقعدہ الحرام $\frac{۱۲۹۹}{۱۱۰}$ تصویب گردید که وزارت جنگ به موجب صورتی که در کابینه هیئت وزراء ضبط است ۳۷۰ قبضه تفنگ و ۳۵ قبضه طپانچه و ۱۹۲۵۰۰ عدد فشنگ اسلحه فروشان را از این تاریخ الی مدت دو ماه توقیف و به هر قبضه تفنگ ماهی یک تومان و به هر قبضه طپانچه ماهی پنج قران و به هر هزار فشنگ نیز ماهی پنج قران وزارت مالیه بپردازد.

[سند شماره ۶/۱۳]

ریاست وزراء

آقای کلنل گلروپ کفیل ریاست تشکیلات ژاندارمری

نظر به این که دولت در نظر دارد اسلحه‌ای که نزد اشخاص متفرقه می‌باشد جمع نماید لازم است کمیسیونی مرکب از اشخاص ذیل امروز چهار ساعت بعد از ظهر در نظمیّه

- آقای ژنرال وستداهل

- آقای کاپیتان کاظم خان

- آقای رضاقلی خان معاون نظمیّه

برای مطالعه در طریق اجرای این امر تشکیل یافته فوراً نظریات خود را اعلام دارند.

سردار معظم

۲۰ حوت

مقام منبع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

اعلانی از طرف حکومت نظامی شهر طهران مورخ به تاریخ ۱۲ برج جاری راجع به اسلحه منتشر شد. ماده اول آن حاکی است که باید صاحبان اسلحه، اسلحه خود را به کمیساریای محل خود تسلیم نمایند. ماده دوم این اعلان، ماده اول را تغییر کرده و بیان می نماید که مقصود از اسلحه تفنگ و فشنگ است و بنابر این طپانچه های موزر و امثال آن از این حکم مستثنی می شوند. در تبصره این اعلان ذکر می شود که تفنگهای ساچمه زنی و شکاری از مواد فوق مستثنی و برای حمل آن باید از نظمیّه جواز تحصیل نمود.

مطابق اعلان معروضه اگر کسی تفنگ گلوله زنی جنگی داشته باشد باید به نظمیّه تسلیم نماید و تفنگهای ساچمه زنی و گلوله زنی شکاری و موزر و امثال آن از این قاعده مستثنی و صاحبان آنها فقط برای حمل باید دارای جواز باشند.

با وجود این برای موزر به وسیله آقای وزیر پست و تلگراف از حضرت اشرف کسب دستورالعمل شد و دیشب مرقومه ایشان زیارت شد که موزر را حضور مبارک تقدیم دارم و عازم بودم که فردا صبح که روز تعطیل است فرمایش حضرت اشرف عالی را به موقع اجرا بگذارم که امروز عصری در غیبت بنده، منزل بنده مورد

تفتیش مأمورین نظمیه و پلیس نظامی واقع گردیده و اگر چه مأمورین با نهایت درجه نذاکت و حسن سلوک رفتار کرده بودند ولی یک قبضه تفنگ شکاری سیستم فرزر و یک قبضه تفنگ بچگانه فلوبر و یک قبضه موزر و یک قبضه موزر قنذاق دار کوتاه بنده را برده اند. اگر این اقدام بر طبق اعلانی است که مطابق مقدمه آن بر حسب امر و اشاره حضرت اشرف منتشر شده و محض تذکار خاطر مبارک مواد ۱-۲ و تبصره آن لفاً تقدیم می گردد همچو به نظر می آید که اسلحه ضبط شده بنده باید معاف از مصادره می شد. در هر صورت مطلب فقط از نقطه نظر اطلاع حضرت اشرف به عرض رسید و زیاده عرضی ندارم.

امضا

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۸۰۶

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۳۰ حوت ۹۹

حکومت نظامی طهران

سواد مراسله آقای سردار معظم خراسانی را در باب اسلحه‌ای که از منزل ایشان مأمورین نظامی گرفته‌اند تلوأ ملاحظه خواهید کرد لازم است تفنگهای شکاری را به طوری که در ضمن مواد اعلان مورخ ۱۲ حوت تصریح شده است با دادن جواز حمل برای معزی‌الیه پس فرستاده و مسترد بدارند.

بخش هفتم:

اعلامیه‌ها

راه‌نمای اسناد بخش هفتم:

[سند شماره ۷/۱]:

موضوع: اولین اعلامیهٔ کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ با عنوان: «حکم می‌کنم»

تاریخ: سوم حوت ۱۲۹۹

صادرکننده: رضاخان میرپنج، رئیس دیویزیون قزاق

[سند شماره ۷/۲]:

موضوع: بیانیهٔ سیدضیاءالدین رئیس‌الوزرا در توجیه کودتای سوم حوت

تاریخ: ۸ حوت ۱۲۹۹

صادرکننده: سیدضیاءالدین طباطبایی

[سند شماره ۷/۳]:

موضوع: بیانیهٔ رئیس دیویزیون قزاق در توجیه کودتای سوم حوت

تاریخ: ۸ حوت ۱۲۹۹

صادرکننده: رضاخان رئیس دیویزیون قزاق

[سند شماره ۷/۴]:

موضوع: دستور به حکومت نظامی برای بازگشایی سینماها و تئاترها

تاریخ: ۱۱ حمل ۱۳۰۰

صادرکننده: رئیس دفتر ریاست وزرا

[سند شماره ۷/۵]:

موضوع: ارسال دو فقره اعلامیه از حکومت کل بنادر و جزایر خلیج ایران

تاریخ: ۲۱ رجب ۱۳۳۹

صادرکننده: وزارت امور خارجه

[سند شماره ۷/۶]:

موضوع: تکذیب شایعه عدم امنیت در پایتخت به واسطه واقعه کودتا

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

صادرکننده: وزارت داخله برای حکومت کل بنادر و جزایر خلیج ایران

[سند شماره ۷/۷]:

موضوع: ارسال یک فقره اعلامیه برای ریاست وزرا

تاریخ: ۲۱ رجب ۱۳۳۹

صادرکننده: وزارت امور خارجه

[سند شماره ۷/۸]:

موضوع: تکذیب شایعه عدم امنیت در پایتخت

تاریخ: [؟]

صادرکننده: وزارت امور خارجه

[سند شماره ۷/۹]:

موضوع: اعلامیه ریاست وزرا راجع به الغاء قرارداد ۱۹۱۹

تاریخ: ۷ حمل ۱۳۰۰
صادرکننده: سیدضیاءالدین طباطبایی

[سند شماره ۷/۱۰]:

موضوع: اعلامیه ریاست وزرا در باره خروج نیروهای بیگانه از ایران

تاریخ: ۲۷ حمل ۱۳۰۰
صادرکننده: سیدضیاءالدین طباطبایی

[علامت شیر و خورشید]

حکم می‌کنم:

- ماده اول - تمام اهالی شهر طهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند.
- ماده دوم - حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و پلیس مامور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید.
- ماده سوم - کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.
- ماده چهارم - تمام روزنامجات، اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به کلی موقوف و بر حسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد باید منتشر شوند.
- ماده پنجم - اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه به کلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوه قهریه متفرق خواهند شد.
- ماده ششم - تمام مغازه‌های شراب و عرق‌فروشی، تئاتر و سینما توگرافها و کلویهای قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد.
- ماده هفتم - تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات و دوائر دولتی غیر از اداره ارزاق تعطیل خواهد بود. پستخانه، تلفونخانه، تلگرافخانه هم مطیع این حکم خواهند بود.
- ماده هشتم - کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمه

نظامی جلب و به سختترین مجازات‌ها خواهند رسید.

مادهٔ نهم - کاظم خان به سمت کماندانی شهر انتخاب و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود.

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت اقدس شهرباری و فرمانده کل قوا

(رضا)

[سند شماره ۷/۲]

بیانیه رئیس‌الوزرا

هم‌وطنان!

پس از پانزده سال مشروطیتی که به قیمت گران‌بهارترین خون فرزندان ایران خریدۀ شد؛ پس از پانزده سال امتحانات و تجربیات و تحمل انواع محن و مصائب؛ پس از پانزده سال کشمکش با اشکالات غیر قابل تصور داخلی و خارجی، وطن ما به روزگاری افکنده شد که نه تنها هیچ یک از سیاستمداران وقت نخواستند بارگران مسئولیت زمامداری را به عهده گیرند، بلکه حتی مبعوثین و وکلا جرأت ننمودند که به وظایف خویش اقدام نمایند و از قبول تحمل این بار استنکاف ورزیدند، آیا سبب و مسئول این وضعیت و بی‌تکلیفی چه اشخاصی بودند؟ کسانی که ملت را به وعده‌های مشروطیت و آزادی و استقرار قانون و عدالت فریب داده، در همان حال این مواعید را حجاب قرار دادند تا در سایه آن رویه هرج و مرج، اساس انتفاع شخصی و لجام‌گسیختگی اصول ملوک‌الطوایفی قرون وسطی، اصولی که سیاهی و تیرگی‌های فجایع و جنایات احاطه شده بود، مستقر سازند.

چند صد نفر اشراف و اعیان که زمام مهام مملکت را به ارث در دست گرفته بودند، مانند زالو خون مردم و ملت را مکیده، ضجه وی را بلند می‌ساختند و حیات سیاسی و اجتماعی وطن ما را به درجه‌ای فاسد و تباه نمودند که حتی وطن‌پرست‌ترین عناصر، معتقدترین اشخاص به زنده بودن روح ملک و ملت امید خود را از دست داده، کشور ایران را در میان خاک و خاکستر سرنگون می‌دیدند.

پژمردگی و افسردگی و بالاخره نزدیک شدن آخرین لحظات اندیشه‌آور، ادامهٔ وضعیات را غیر ممکن می‌ساخت. موقع رسید که این وضعیات خاتمه یابد، موقع فرارسید که عمر حکومت این طبقه سپری گردد. مسببین فلاکت و پریشانی ایرانی که باز هم دست نالایق خویش را از عمارت فرو ریختهٔ ایران نمی‌کشیدند به حساب دعوت شدند. بالاخره روز واژگون شدن و انتقام فرا رسید، در این روز تاریخی و هولناک است که ارادهٔ نیرومند اعلیحضرت اقدس شاهنشاه زمام امور را در دست من جای می‌دهد، مرا روی کار می‌آورد. اکنون قضا و قدر مرا تعیین کرده است که مقدرات و سرنوشت ملت خود را در این موقع بحران و خطرناک در دست گرفته، وی را از آن پرتگاهی که حکومتهای بی‌اراده و نالایق پرتاب کرده بودند، نجات بخشم. با احاطه و اطلاع از مشکلات سهمگین وقت، من اطاعت امر تاجدار ارجمند و این پیش‌آمد را وظیفهٔ مقدسهٔ وطن‌پرستی و انسانیت دوستی گرفته، شانه‌های خویش را حاضر برای قبول این بار می‌نمایم.

من امر خسرو متبوع معظم خویش را اطاعت و این بار را قبول می‌کنم، نه از آن جهت که به لیاقت شخصی خود اعتماد می‌کنم، بلکه اعتماد اول به خدای متعال بخشندهٔ نیرو و دلیریست که خدمتگزاران و پاک‌نیتان را هدایت و راه‌نمایی می‌نماید، دوم به شاهنشاه ایران که پرتو علاقهٔ وی بر سعادت و وطن‌مانند خورشیدی درخشان و قلبش از فرسودگی و ضعف ملت و مملکتش خونین است، سوم بر قشون شجاع و وفاداری که دشت و هامون را با خونهای خویش در راه وطن گلگون کرده و بالاخره به حس فداکاری هم‌وطنان عزیز است که با چشمهای باز، گذشته را نگریسته و آینده را منصفانه قضاوت و حکمیت خواهند نمود.

هم‌وطنان!

لازم است عمارات متزلزل و لرزانی که مفتخواران در آن آشیانه نهاده‌اند،

سرنگون گردد. لازم است اداراتی که تأسیس آنها برای اسراف و تبذیر مال و پولی است که با قطرات عرق توده ملت تحصیل شده یا بالاتر و بدتر از همه به قیمت شرافت و استقلال ایران از اجانب قرض شده است، از میان برود و به جای آن مبانی محکمی استوار گردد که وظیفه به مملکت را از عهده بر آید، موقع فرارسیده که شرافت و استقلال وطن به شکل پول در جیب مفتخواران فرو نرود، باید سعی و کوشش نمود که مملکت با عواید داخلی خود اداره شود و برای گردش دوایر مفتخواری محتاج به قرض از اجانب نگردد. انجام این امر، یعنی محو و انهدام مفتخواری، و مبانی امنیت و رفاه، استفاده کارگران از مشقت خویش، اولین وظیفه من خواهد بود.

لازم است بنیان عدلیه ما که مرکز فجایع و جنایات است، واژگون و معدوم گشته، بر روی خرابه‌های وی یک عدالتخانه حقیقی که ارکانش مبنی بر عدل و نصفت باشد، بنا کرد؛ زیرا فقط چنین عدالتخانه‌ای می‌تواند شالوده یک حکومت عالی باشد.

لازم است قیمت زحمت و مشقت کارگران و دهقانان سنجیده گشته و دوره فلاکت و بدبختی آنان خاتمه یابد، برای حصول این مقصود اولین اقدامی که باید به عمل آید تقسیم خالصجات و اراضی دولتی ما بین دهقانان و همینطور وضع قوانینی که زارع را از املاک اربابی بیشتر بهره‌مند سازد و در معاملات ارباب با دهقانان تعدیلی شود و موجبات صحت و زندگانی آنان را تأمین کند.

لازم است وضعیت هرج و مرج کنونی مالیه و تشکیلات سوئی که مهمترین عامل اختلال آن بوده است، محو گشته به جای آن تشکیلاتی برقرار گردد تا مالیاتی که از ملت گرفته می‌شود با رعایت کمال اقتصاد و صرفه‌جویی، صرف حوایج ملت گردد.

لازم است که اخلاق، قوای روحیه و احساسات ابناء ما به وسیله تعلیمات ملیّه وطن پرستانه نمو و ترقی نماید تا وطن ما، موطن فرزندان لایق فداکار گردد. لازم است مدارس تأسیس گردد که برای کشور ایران، آری برای ایران که مانند خورشید فروزان و آبادان بود و اکنون از تمدن و ترقی دور افتاده است تدارک فرزندان لایق و شایسته نماید، بهره مند شدن از نعمت تعلیم و تربیت نباید از حقوق مختصّه طبقات متمول، اولاد ظالمان بی لیاقت گردد، بلکه برعکس تمام طبقات مردم و دهقانان از نعمت تعلیم و تربیت [بایستی] بهره مند شوند.

لازم است تجارت و صناعت به طریق عملی تشویق گشته، حیات تجارتي و صنعتی ما از ورطه کنونی که نتیجه ضعف اداری است، خلاصی یابد.

لازم است سختی و گرانی زندگانی که به واسطه فقدان وسایل حمل و نقل و شدت احتکار و در عین حال زینت [و] تجملات بیهوده غیر قابل تحمل گردیده، خاتمه یابد.

لازم است وسایل ترقی را که با استقرار وسایل حمل و نقل و ارتباطات میسر می گردد، برقرار نمود.

علاوه بر مراتب فوق و توأم با تغییرات محتتمه مقرر خواهد شد که اقدامات جزئیّه برای خاتمه دادن به وضعیات فلاکت آمیز پایتخت و سایر مراکز ایران به عمل آید. برای این مقصود بلدیّه معاصری با تشکیلات وسیع و مهمی تأسیس خواهد شد که تا پایتخت ایران منظری شایسته کرسی یک دولت شاهنشاهی را داشته و فلاکتهای بی حد و حصر سکنة آن خاتمه یابد. همین اقدام نسبت به سایر بلاد ایران به عمل خواهد آمد، زیرا نباید محروم از نعمتی باشد که پایتخت از آن متمتع است.

اما برای این که تمام این اقدامات میسر گردد، باید قبل از همه چیز و مافوق هر گونه اقدامی، مملکت دارای قشونی گردد که دشمنان داخل و خارج را به حساب دعوت نماید. لازم است امنیت در محوطه شاهنشاهی ایران حکمفرما گردد و این

فقط در پرتو قشون و قوای تأمینیه میسر می شود. فقط سپاهیان دلیر قادرند که حیات هستی مملکت را تأمین نموده، ترقی و سعادت و اقتدار را فراهم سازند. قبل از همه چیز و بالاتر از همه چیز قشون، هر چیزی اول برای قشون و باز هم قشون، این است اراده و مرام زمامداری که قشون به درجات عالیّه خود نایل گردد.

اما سیاست خارجی ما:

در این جا نیز یک تغییر اساسی لازم است. لازم است یک سیاست شرافتمندانه بر مناسبات ما با ممالک خارجه حکومت داشته باشد.

در این ایام هیچ مملکتی بدون ارتباط با جامعه ملل نمی تواند زندگانی نماید؛ بعد از جنگ بین المللی که مبانی تشکیلات جدیدۀ دنیا اصول مشارکت و دوستی شده است، اصول مزبوره در وطن صلح جوی ما بیش از سایر نقاط قابل اتخاذ است. ملت ما انسان دوست است، نسبت به جمیع ملل خارجه مهربان و شفیق و صمیمی است، ملت ما وارث حکم و اندرزهای اعصار و قرون متوالیه است. حکمی که حسن مناسبات بین المللی را مقرر می دارد. ولی بدیهی است دوستی ما نباید وسیله استفاده های غیر مشروع اجانب گردد که در جامعه ملل به شرافت و استقلال ایران لطمه وارد آورد.

مناسبات ما با هر یک از دول خارجه نباید مانع از حسن مناسبات و دوستی با سایرین گردد، به نام همین دوستی، کاپیتولاسیون را که مخالف استقلال یک ملت است، الغاء خواهم نمود و برای موفقیت در این مقصود و این که اتباع خارجه از عدالت تام بهره مند بوده، حقوق خود را بتوانند حقاً دفاع نمایند، ترتیبات و قوانین مخصوصه ای با محاکم صلاحیتداری وضع و ایجاد خواهد شد تا همه نوع وثیقه داشته باشد.

بر طبق اصول فوق‌الذکر اعلام می‌دارم که بعضی از امتیازاتی که در گذشته به اجانب داده شده است، باید اساساً مورد تجدیدنظر واقع گردد. ما باید به تمام همسایگان به نظر دوستی نگریسته و با همه آنها مناسبات حسنه همجوارانه داشته باشیم و روابط مودت و تجارت را محکم کنیم. در این تجدید تشکیلات، ما بایستی در استفاده از مساعدتهای جمیع دول اعم از آن که مساعدتهای مزبور به صورت مستشار یا سرمایه باشد، آزاد باشیم و هیچ ملتی هر قدر قوی و نیرومند باشد، نباید آزادی ما را محدود نماید؛ ما آزادیم و آزاد باقی خواهیم بود.

به نام همین اصول و به خاطر همین اصول است که الغاء قرارداد ایران و انگلستان مورخه اوت ۱۹۱۹ را اعلام می‌دارم! قراردادی که موقع انعقاد آن وضعیات دنیا دگرگون بود و موجباتی که ما را ناگزیر به استفاده از آن می‌نمود، دیگر وجود ندارد.

اراده قطعی اصلاحات داخلی و تصمیم به عظمت و نیرومندی قشون ما را از احتیاج به قراردادهایی که در نتیجه وضعیات تغییر یافته دنیا و حوادث بر ما تحمیل گشت، مستغنی می‌سازد.

من الغاء قرارداد ایران و انگلستان را اعلام می‌دارم تا تأثیرات سوئی بر سیره ما نداشته باشد، زیرا در ظرف مدت صد سال اخیر در سختترین و تیره‌ترین دقایق تاریخ ما، انگلستان به دفعات دست دوستانه خود را برای مساعدت نسبت به ایران دراز کرده و از طرف دیگر ایران نیز به دفعات نسبت به انگلستان صداقت و وفاداری خود را ثابت نمود. بنابر این نباید گذارد یک چنین دوستی تاریخی به واسطه عقد قراردادی کدر گردد. الغاء قرارداد هر نوع سوء تفاهمی را که مابین ملت ایران و انگلستان وجود داشته معدوم و شالوده جدیدی را برای طرح مناسبات صمیمانه ما با تمام ممالک طرح‌ریزی خواهد نمود.

تخلیه ایران از قشون اجانب بهترین موضوعی است که اساس مناسبات

دوستی ما را با دول همجوار مستحکمتر خواهد نمود.

انتظار داریم پس از تصدیق قراردادهایی که نماینده ما با حکومت مسکو منعقد نموده، باب روابط و دادیه با روسیه مفتوح و نگرانی توقف قشون اجانب، به وسیله تخلیه هر دو طرف به عمل آید.

هم وطنان!

به نام شاهنشاه جوانبخت ماکه از اعلیحضرت وی جمیع احکام ساطع است. به نام قشون دلیر و فداکار وی، من شما را به انتظام و سعی و کوشش در نجات وطن دعوت می نمایم.

من اعتماد به وطن پرستی شما دارم، من اعتماد به مشارکت شما دارم، از تمام شماها درخواست می نمایم که به وسیله طرح پیشنهادها و تقدیم افکار و مشورت هایی که در نزد من کمال وقع و تعظیم را خواهد داشت، مرا مساعدت کنید.

اکنون اعلام می دارم که از این به بعد فرصت ملاقات کمتر خواهم داشت، لکن هر گونه مسائلی که کتباً ارسال گردد مورد توجه و مطالعه کامل واقع خواهد شد، در همان حال اعلام می دارم که هیچ چیز و هیچ ملاحظه ای مرا از مهمی که بر عهده گرفته ام باز نخواهد داشت؛ زیرا پس از تفصلات سبحانی و تأییدات اولیای اسلام، به توجّهات قاهرانه شهریار ارجمند مستظهر و به نیت پاک متکی هستم، حتی اگر برادر در نجات مملکت از مصائب کنونی مخالفت ورزد به او رحم نخواهم کرد.

هم وطنان!

شما را به انتظام و کار دعوت می نمایم.

هشتم حوت ۱۲۹۹

سیدضیاءالدین طباطبایی

رئیس الوزرا

بیانیه رئیس دیویزیون قزاق

هم‌وطنان!

وظایف مقدسه فداکاری نسبت به شاه و وطن ما را به میدانهای جنگ هولناک گیلان اعزام نمود، همان میدانهای خونین مرگباری که قشون دشمن برای تسخیر ایران و تهدید پایتخت با قوای فزونتر و اسلحه مکمل تر تشکیل نموده بود. افراد دلاور قزاق این وظیفه مقدسه را با جان و دل استقبال نمودند، زیرا تنها قوه منظم ایرانی که می توانست وظیفه مدافعه وطن را ایفا نماید، همین قوه و افراد آن بودند که بدون لباس، بدون کفش، بدون غذا، بدون اسلحه کافی سینه و پیکر خود را سپر توپهای آتشفشان نمودند، غیرت و حمیت ایرانی را ثابت و دستجات انبوه متجاسرین را از پشت دروازه قزوین تا ساحل دریا راندند. اگر فداکاری و خدمات جانبازانه اردوی قزاق نتیجه مطلوب را حاصل نکرد و نتوانستیم خاک مقدس وطن و عصمت برادران گیلانی خود را از دست دشمن نجات دهیم، تقصیری متوجه ما نبود، بلکه خیانتکاری صاحب منصبان و کسانی که سرپرستی و اداره امور به آنها محول شده بود، موجب عقیم ماندن نتیجه خدمات ما گردید، ولی باز افتخار می کنیم که فوران خون قزاق دلیر توانست پایتخت وطن مقدس ما را از استیلای دشمن نجات دهد. اگر خیانتکاران خارجی توانستند نتیجه فداکاریهای اولاد ایران را خنثی نمایند، برای این بود که خیانتکاران داخلی، ما را بازیچه دست و آلت شهوت خود و دیگران قرار می دادند. هنگام عقب نشینی از باتلاقیهای گیلان، در زیر آتش توپ دشمنان

احساس نمودیم که منشأ و مبدأ تمام بدبختیهای ایران، ذلت و فلاکت قشون، خیانتکاران داخلی هستند. در همان هنگامی که خون خود را در مقابل دشمن مهاجم می‌ریختیم، به حرمت همان خونهای پاک و مقدس قسم خوردیم که در اولین موقع فرصت، خون خود را نثار نماییم تا ریشه خیانتکاران خودخواه تن‌پرور داخلی را برانداخته ملت ایران را از سلسله رقت‌مُشتی دزد و خیانتکار آزاد نماییم.

مشیت‌کردگاری و خواست حضرت خداوندی این فرصت را برای ما تدارک دیده اینک در تهران هستیم.

ما پایتخت را تسخیر نکرده‌ایم، زیرا نمی‌توانستیم اسلحه خود را در جایی بلند کنیم که شهریار مقدس و تاجدار ما حضور دارد. فقط به تهران آمدیم که معنی حقیقی سرپرستی مملکت و مرکزیت حکومت بدان اطلاق گردد. حکومتی که در فکر ایران باشد، حکومتی که فقط تماشاچای بدبختیها و فلاکت ملت خود واقع نگردد. حکومتی که تجلیل و تعظیم قشون را از اولین سعادت مملکت به شمار آورد، نیرو و راحتی قشون را یگانه راه نجات مملکت بداند. حکومتی که بیت‌المال مسلمین را وسیله شهوترانی مفتخواران تنبل و تن‌پروران بی‌حمیت قرار ندهد. حکومتی که سواد اعظم مسلمین را مرکز شقاوتها، کانون مظالم و قساوت نسازد. حکومتی که در اقطار سرزمین آن هزارها اولاد مملکت از گرسنگی و بدبختی حیات را بدرود نگویند. حکومتی که ناموس و عصمت گیلانی، تبریزی، کرمانی را با خواهر خود فرق نگذارد. حکومتی که برای زینت و تجمل معدودی، بدبختی مملکتی را تجویز ننماید. حکومتی که بازیچه دست سیاسیون خارجی نباشد. حکومتی که برای چند صدهزار تومان قرض هر روز آبروی ایران را نریزد و مملکت خود را زیر بار فروتنی نبرد.

ما سرباز هستیم و فداکار، حاضر شده‌ایم برای انجام این آمال، خون خود را نثار نماییم و غیر از قوت و عظمت قشون برای حفظ شهریار و وطن مقدس آرزویی

نداریم. هر لحظه چنان حکومتی تشکیل شود و موجبات شرافت وطن، آزادی، آسایش و ترقی ملت را عملاً نمودار سازد و با ملت نه مثل گوسفند زبان بسته رفتار نماید، بلکه به معنی واقعی ملت بنگرد، آن لحظه است که ما خواهیم توانست به آتیه امیدوار بوده و چنانچه نشان دادیم وظیفه مدافعه وطن را ایفا نماییم، با تمام برادران نظامی خود، ژاندارم، افواج پلیس که آنها هم با دل‌های دردناک شریک فداکاری اردوی قزاق بودند، کمال صمیمیت را داشته و اجازه نخواهیم داد که دشمنان سعادت قشون، بین ماها تفرقه و نفاق بیافکند؛ همه شاه‌پرست و فداکار وطن، همه اولاد ایران، همه خدمتگزار مملکت هستیم. زنده باد شاهنشاه ایران، زنده باد ملت ایران، پاینده باد ملت ایران، قوی و با عظمت باد قشون قزاق دلاور ایران.

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت شهرباری و فرمانده کل قوا

رضا

[سند شماره ۷/۴]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۴۵۱

کارتن ۷ دوسیه ۱

ذکر نمره های قبل ۵

تاریخ ارسالی ۱۱ حمل [۱۳۰۰]

حکومت نظامی طهران

مقرر دارید سینماتوگرافها و تئاترها آزاد باشند مشروط به این که از ساعت شش شروع شده ساعت نه و نیم شب خاتمه یابد.

وزارت امور خارجه

اداره کابینه دایره

مورخه ۲۱ شهر رجب / ۳۹

نمره ۲۷۴۰۱۵۰

ضمیمه دو نسخه اعلان

کابینه محترم ریاست وزراء عظام

دو نسخه از اعلان منتشره در بوشهر را که کارگزار مهمام خارجه بنادر به این وزارتخانه فرستاده لفاً ارسال می‌دارد که از نظر مبارک حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء دامت عظمته بگذارنید.

مهدب‌الدوله

[اسند شماره ۷/۶]

از طهران به بوشهر

سند ۱۲۹۹

حکومت بنادر از قرار مسموع یک سلسله اراجیف و شایعات بی اساس در ولایات منتشر می شود اوضاع مرکز را که با نهایت آرامش و سکونت جریان دارد به اشکال مختلف نقل و تعبیر می کنند لازم است عموم اهالی را آگاه کنید که وضعیات نه تنها مساعد و امنیت تا آخرین نقطه محفوظ است بلکه اصلاحات وطنی و اجتماعی شروع شده و رئیس دولت مرا مأمور ساخته عامه را آگاهی دهم که روز اصلاحات فرارسیده و دولت تمام ساعات خودش را مصروف ازدیاد قوای تأمینیه کرده تا خوش بختانه ساکنین ولایات نعمت امنیت را به معنی حقیقی خودش ادراک کنند و هیچ جای نگرانی نیست وقت مسرت و امیدواری است.

حوت نمره ۲۰۰۱۷ وزارت داخله

برای اطلاع عموم اهالی بنادر تلگراف فوق که ۱۷ حوت از وزارت جلیله داخله رسیده طبع و منتشر گردید.

حکومت کل بنادر و جزایر خلیج ایران

(در مطبوعه مظفری بوشهر طبع شد)

وزارت امور خارجه

اداره کابینه

مورخه ۲۱ شهر رجب / ۳۹

نمره ۲۷۳۵/۱۴۹

ضمیمه یک نسخه اعلان

کابینه محترم ریاست وزراء عظام

یک نسخه از اعلان منتشره از طرف حکومت بنادر را که متضمن تلگراف وزارت جلیله داخله است و کارگزار مهمام خارجه بوشهر در ضمن راپرت خود به این وزارتخانه فرستاده لغاً ارسال می‌دارد که از نظر مبارک حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء دامت عظمته بگذارنید.

مذهب‌الدوله

اعلامیه ریاست وزراء راجع به الغاء قرارداد ایران و انگلستان

هم وطنان!

با مواعیدی که این جانب در طی بیانیه اول خود دادم وظیفه مقدس خویش می شمارم قدمهایی که برای اجرای نقشه های منظوره برمی دارم و هرگونه نتایجی که در پرتو مجاهدات برای نیل به آمال ملیه حاصل می گردد به سمع عامه برسانم، اعم از این که این مجاهدات با موفقیت مقرون شود یا به واسطه ظهور موانع و اشکالات نیل به مقصود تأخیر افتد. از آن جایی که من نسبت به اصول مشارکت ملی وفادار هستم و همواره این رویه را تعقیب خواهم کرد لازم می دانم اقداماتی که برای سعادت ملت به عمل می آید برای قضاوت به پیشگاه وی تقدیم دارم.

اکنون مسرورم که در ایام شفاف و شادمانی نوروز می توانم فرح و انبساط عامه را از اعلام این قضیه افزون نمایم که پس از آن که قرارداد را در بیانیه خود الغاء نمودم و این تصمیم را در هیئت وزرا مذاکره و متفق الرأی تعقیب مقصود را همگی تصویب و متعاقب آن وزارت امور خارجه در طی مراسله رسمی تصمیم دولت را به سفارت انگلیس ابلاغ نموده، موافقت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در الغاء قرارداد خواستار شده بود. اینک در نتیجه مذاکرات مبسوط و طولانی که در عرض چند هفته برای انجام این مقصود جریان داشت، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان سفارت خود مقیم تهران را مأمور نمودند که موافقت آنها را در الغاء قرارداد رسماً به وزارت امور خارجه دولت علیه ایران ابلاغ نماید. روح موافقتی که از طرف دولت

انگلستان در موضوع الغاء قرارداد ابراز گشته بار دیگر نیت حسنه و مودت دیرینه بریتانیای کبیر را ثابت می‌نماید.

من و هیئت من مخصوصاً از دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امتنان داریم که در همان حال که الغاء قرارداد را قبول نموده‌اند، هیچ‌گاه در احساسات مودت‌آمیز دولت علیه تردیدی ننموده و با وجود الغاء قرارداد حاضر بودن خود را برای مساعدت به ایران تأکید و تکرار کرده‌اند.

ملت و دولت ایران این علامت و برهان مودت صمیمانه دولت انگلستان و حس احترامی که از طرف دولت معزی‌الیها نسبت به مصالح و آمال ایران و سیاستی را که دولت کنونی برای تجدید تشکیلات و اصلاحات مملکتی خود اتخاذ نموده‌اند، ابراز داشته از صمیم قلب تقدیر می‌نماید. بنابر این اقدام مهم سیاسی نه تنها رشته‌های دوستی را که ما بین دو ملت موجود است، ضعیف نمی‌نماید بلکه بر عکس نظر به احتراماتی که ملتین نسبت به احساسات یکدیگر می‌نمایند رشته‌های مودت مستحکمتر می‌گردد. ضمناً وظیفه خود می‌دانم که در این موقع به استحضار عامه برسانم که در حصول این نتیجه درخشان وزیر مختار محترم انگلستان و اعضای سفارت معزی‌الیه به وسیله بیان و تشریح حقیقت وضعیت ایران به دولت متبوعه خودشان مساعدت خویش را به عمل آورده و وظیفه مأموریت حقیقی خود را که عبارت از تحکیم مناسبات بین دولتین و ملتین ایران و انگلستان است به طرز کمال ایفا نموده‌اند.

من ملت ایران را برای این موفقیت دو گانه یعنی الغاء قرارداد با موافقت طرفین و در عین حال تحکیم روابط دوستانه با همسایه عظیم‌الشأن تاریخی خود که نیت حسنه وی همواره برای ما گرانها بوده است، تبریک می‌گویم.

امروز ملت ایران می‌تواند مطمئن باشد که نه تنها حق حاکمیت و استقلال وی به طور کلی که انتظار داشت حفظ گشته، بلکه دوستیهای دیرینه باقی و ارکان

خونهای ما گرم و سوزان، و حاضر است که خاک وطن را برای سعادت و آزادی وی لعل گون کند. گر چه مرا اطمینان حاصل است که از جانب همسایه شمال، همسایه ای که در جرگه دوستان ما داخل شده و نماینده محترم وی تا چند روز دیگر به پایتخت وارد خواهد شد، برای ایران خطری متصور نیست.

نمایندگان ما هم برای تصفیه مناقشات گذشته به طرف گیلان عازم شده بودند، به حدود رشت رسیده و مذاکراتشان با رؤسای قوای محلی شروع شده است. انتظار دارم که وضعیات غم انگیز آنجا را اصلاح و جراحات وارده را التیام بخشند. مرا عقیده این است که تقریباً اندیشه و دغدغه ما از آن سوی بر طرف شده، سپاهیان دلاور ما مجال خواهند داشت که آسایش و راحت اختیار نمایند، آسایشی که به واسطه مهیا بودن در ایفای وظیفه آن را حاصل خواهد شد.

•

هم وطنان!

اکنون آن موقع بزرگ و مهمی است که همگی باید وظیفه خود را که عبارت از قربانی نمودن موجودیت خویش است، تشخیص دهیم. به نیروی اراده و قوت عزم خویش باید تکیه کنیم. اکنون لازم است عملیات درخشنده سپاهیان ایران چشمان ما را باز و قلوبمان را مسرور و شادمان سازد. اکنون موقع آن است که اعتماد به نفس و شجاعت در حراست مملکت حق زندگانی فرزندان ایران را تثبیت کند.

اما شما اهالی تهران!

می توانید مطمئن و راحت باشید که در پرتو فداکاری دولت و قشون پایتخت ایران محفوظ خواهید بود.

۲۷ حمل ۱۳۰۰ شمسی

سیدضیاءالدین طباطبایی

رئیس الوزرا و وزیر داخله

بخش هشتم:

مراسم مذهبی در حکومت کودتا

[سند شماره ۸/۴]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: عدم ممانعت از دخول اتباع روس به کلیسای پامناز به منظور عبادت مذهبی

تاریخ: ۱۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۸/۵]:

از: حکومت نظامی تهران

به: دفتر رئیس الوزرا

موضوع: گزارش کار از مراسم مذهبی اتباع روس در کلیسای پامناز

تاریخ: ۱۵ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۸/۶]:

از: زین العابدین آژان شماره ۳۹۲

به: صاحب منصب کشیک کمیسری ناحیه ۸ تهران

موضوع: دستگیری حاجی محمدعلی به علت تجمع برای نماز

تاریخ: حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۸/۷]:

از: کمیساریای ناحیه ۸ تهران

به: حکومت نظامی

موضوع: اعزام حاجی محمدعلی به حکومت نظامی

تاریخ: ۲۲ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۸/۸]:

از: اداره نظمیّه

به: -

موضوع: بازجویی از حاجی محمدعلی به علت تجمع بدون مجوز برای مراسم مذهبی

تاریخ: اول شعبان ۱۳۳۹

[سند شماره ۸/۹]:

از: رضا

به: کمیساریای ناحیه ۸

موضوع: ضمانت تن حاجی محمدعلی

تاریخ: [۹]

[سند شماره ۸/۱۰]:

از: حکومت نظامی تهران

به: زندان

موضوع: بازداشت حاجی محمدعلی تا اطلاع ثانوی

تاریخ: ۲۲ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۸/۱۱]:

از: حکومت نظامی تهران

[سند شماره ۸/۱]

ریاست وزراء

شرحی به کماندان نظامی شهر از طرف مقام ریاست وزراء عظام کتباً یا شفاهاً اشعار شود که ختم مرحوم حاجی میرزا فضلعلی آقا راکه می خواهند در مسجد شیخ عبدالحسین (مسجد ترکها) بگذارند ممانعت ننمایند.

۱۱ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۸/۲]

ریاست وزراء

به تاریخ ۱۱ حوت ۹۹

نمره ۱۱۹۲۰

خدمت حضرت اجل آقای سلطان کاظم خان کماندان نظامی شهر طهران

حسب الامر قدغن نمایند از مجلس ترجیم مرحوم حاج میرزا فضلعلی آقا که

در مسجد شیخ عبدالحسین انعقاد خواهد یافت ممانعت ننمایند.

[سند شماره ۸/۳]

وزارت امور خارجه

خیلی فوری است

مورخه نیم ساعت قبل از ظهر ۱۵ حوت ۹۹

کابینه محترم ریاست وزراء عظام

امروز چهار ساعت بعد از ظهر و فردا دو ساعت قبل از ظهر در سفارت روس
واقعه در محله پامناز در کلیسا مراسم مذهبی اجرا می شود. از طرف مقام منبع
ریاست وزراء لازم است به کماندان شهر امر شود که از دخول اتباع روس و مأمورین
آنها جلوگیری نمایند.

امضا

[حاشیه]:

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب یادداشت راجع به عدم ممانعت از اتباع روس برای اجرای مراسم مذهبی آن
وزارت جلیله را مستحضر می دارد دستور لازم به آقای کلنل کاظم خان [؟]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۲۰۳۴

کارتن ۱۲ دوسید ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۱۵ حوت ۹۹

خدمت حضرت اجل آقای کلنل کاظم خان حکمران نظامی دارالخلافة طهران دام
اقباله

احتراماً سواد مراسله وزارت امور خارجه را لفاً تقدیم می دارد. حسب الامر
مستدعی است مقرر فرمایید که از دخول اتباع روس در سفارت روس واقعه در پامناز
جلوگیری به عمل نیاورند.

حکومت نظامی طهران

به تاریخ ۱۵ برج حوت ثل ۱۳۳۹

نمره ۳۶۱۳

ریاست محترم کابینه ریاست وزرا عظام دام اقباله

در جواب مرقومه نمره (۱۲۰۳۴) متضمن سواد مراسله وزارت جلیله امور خارجه راجع به دخول اتباع روس در کلیسای پامنا را اطلاعاً زحمت می دهد به مأمورین نظمیه دستور داده شد که از دخول آنها به کلیسا ممانعت نمایند.

مهر و امضا

[۹] حمل ۱۳۰۰ / ۹۹ [۳۹]

خدمت صاحب منصب محترم کشیک دام اقباله

در ساعت ۷ بعد از ظهر حسب الامر رفتم به منزل حاجی محمد علی گماشته حاجی میرزا یعقوب امینی. موقعی که بنده با اجازه داخل خانه مشارالیه شد تقریباً بیست نفر اشخاص ذیل در آن جا جمع بودند. اسامی آنها را برداشته و حاجی مذکور را به کمیساریا جلب نمودم و اسامی آن اشخاص از قوار ذیل است:

حاج شیخ عبدالله مازندرانی	آقا شیخ حسین دشتستانی
میرزا مهدی، آدم آقا	ملا عباسقلی
حیدرقلی خان	حاجی محمد اسماعیل شیخ المشایخ
میرزا سید احمد خان	مشهدی حسین علی
میرزا عبدالله	آقا میرزا کمال
آقا محمد اسماعیل صراف	آقا سید ابوسعید
غلامحسین خان	آقا میرزا علی خان
آقا میرزا حسن خان	آقا میرزا عبدالحسین
آقا محمد حسین	آقا مصطفی
آقا محمد هاشم	آقا میرزا آقا جان
آقا شیخ محمود صدرالذکرین	
محضر اطلاع عرض شد	[امضا]

[سند شماره ۸/۷]

پلیس اونيفرمه

راپورت نمرة ۴۸۱

طهران ۲۲ برج حمل ۱۳۰۰-۱۳۳۹

متن راپورت:

اداره جلیله حکومت نظامی

ساعت ۷ عصر ۲۱ برج جاری زین العابدین آژان نمرة ۳۹۲ [؟] ۲۷ راپورت می‌دهد که جمعی در منزل حاجی محمدعلی پیشکار حاج میرزایعقوب امینی مقیم کوچه حاج کاظم جمع هستند. از کمیساریا حسن خان [؟] درجه ۱ مأمور تحقیقات [در] مراجعت خود حاج محمدعلی را به کمیساریا آورده راپورت داد که بیست نفر اشخاص ذیل:

حاج شیخ عبدالله ملقب به صالح علی شاه
میرزامهدی، گماشته حاج شیخ عبدالله
حیدرقلی خان، اجزاء معارف
میرزاسید احمدخان، اجزاء وزارت مالیه
میرزا عبدالله قمی [؟]

آقا میرزا کمال، دستفروش

غلامحسین خان، خیاط

آقا محمد حسین، گماشته خازن نظام

میرزا حسن خان، رئیس کابینه انبار دولتی

آقا محمد هاشم، دلال

آقا شیخ حسین دشتستانی

ملا عباسقلی فلاح

شیخ اسماعیل شیخ المشایخ

مشهدی حسین قلی سمنانی

آقا محمد اسماعیل صراف

میرزا علی خان منظوری

میرزا عبدالحسین سراجی

آقا مصطفی، اجزاء وزارت عدلیه

سید ابوسعید، دلال

آقا میرزا آقاخان، اجزاء سابق وزارت مالیه

در منزل مشارالیه جمع، آنها را متفرق و صاحب خانه جلب شد. از حاج محمدعلی تحقیقات شده اظهار می دارد که ماها از مریدهای حاجی شیخ محمدحسن گون آباد [گناباد] خراسان هستیم و حاج شیخ عبدالله نماینده ایشان می باشد و در هفته پنج شب مریدها در منازل اشخاص ذیل جمع:

شب دوشنبه در منزل حاج میرزا یعقوب امینی، کوچه عزت الدوله.

شب سه شنبه در منزل آقا شیخ محمدحسین.

شب چهارشنبه منزل مشیرالسلطنه ولد عضدالملک.

شب پنج‌شنبه منزل حاج سید محمدهادی دلال، تکیه زرگرها.
شب جمعه منزل آقای حاج شیخ عبدالله، جنب امامزاده یحیی.

و مشغول عبادت می‌شویم. چون شیخ عبدالله امشب را به بازدید عید بنده آمدند، مریدهای دیگر هم مستحضر شده شخصاً در موقعی که ما مشغول نماز خواندن بودیم که [به] تدریج جمع شده مشغول نماز شدند. لذا چون حاج محمدعلی برخلاف اعلان منتشره رفتار و فعلاً به کمیساریا اطلاع نداده بود، به قید کفیل مرخص اکنون مشارالیه را با دو ورقه توضیحات و یک ورقه راپورت [؟] مأمور اعزام و ارسال که هر نوع مقتضی است اقدام نمایند.

[مُهر و امضا]

ادارهٔ نظمیه طهران

ورقهٔ استنطاق حاجی محمدعلی گماشته حاج میرزایعقوب امینی به تاریخ ۱ شهر شعبان المعظم ۱۳۳۹

س - اسم و شهرت خودت را بیان کنید.

ج - حاجی محمدعلی ولد مرحوم آقا میرزاجان اصفهانی، شغل گماشته حاجی میرزایعقوب امینی، منزل کوچهٔ حمام فیروزه کوچهٔ حاجی کاظم خانهٔ آقا محمد صحاف نمره ۱ [مُهر]

س - اشخاصی که امشب در منزل شما جمع شده بودند برای چه کاری آن جا بودند بیان کنید؟

ج - برای بازدید عید به منزل بنده آمده و تمام این اشخاص از مَرَدِ آقای کونابادی [گنابادی] می‌باشند. در شبهای جمعه در عرض سال در منزل آقای شیخ عبدالله مازندرانی، در شبهای دوشنبه در منزل حاج میرزایعقوب امینی، در شبهای سه‌شنبه از یک ساعت به غروب مانده الی دو از شب گذشته در منزل آقا شیخ محمدحسین [؟] در بازارچه مروی در کوچه باغ، در شب چهارشنبه در منزل مشیرالسلطنه خانه عضدالملک، در شب پنجشنبه در منزل حاجی محمدآقای دلال اصفهانی حجره ایشان در سرای حاجی ملاعلی جنب تکیه زرگرها کوچهٔ چاپخانه خانهٔ شخصی [مُهر]

س - در صورتی که اعلان از طرف دولت شده بود که هر کس مهمانی یا عروسی یا

جلسه‌ای بخواهد فراهم نماید قبلاً باید به کمیساریای همان محل اطلاع بدهد، شما که امشب مجلس داشتید علت اطلاع ندادن به کمیساریا چه بوده بیان کنید؟

ج - آقا شیخ عبدالله خواستند که امشب بازدید عید بیایند به منزل بنده، خودشان و پسر ایشان [مُهر]

س - اشخاصی که در آن جا امشب ورود نموده بودند از کجا اطلاع داشتند که آقا در منزل شما می‌باشند؟

ج - چون فهمیدند این اشخاص که آقا امشب در منزل بنده می‌باشند بدون این که بنده دعوت از اینها بنمایم خودشان آمدند و عادت این مرده‌ها [مرده] این است که بدون دعوت همین که بفهمند که آقا در کدام یک از منازل این اشخاص می‌باشند تماماً در آن منزل جمع می‌شوند برای نماز و روضه [مُهر]

س - شما ابتدا اظهار نمودید و گفتید که چون حاج میرزا یعقوب در این جا نبودند قرار شد که آقا شیخ عبدالله بیایند به منزل بنده، در صورتی که شما اطلاع داشتید، چرا اطلاع به کمیساریا ندادید؟

ج - فقد [فقط] دو نفر یا سه نفر که آقا باشد و پسرش و نوکر ایشان، و این چند نفر ابتدا رفته بودند به منزل آقا شیخ عبدالله سراغ گرفته بودند، چون فهمیدند که در منزل بنده می‌باشند خودسرانه آمدند به منزل بنده، وقتی که نماز می‌خواندیم. [مُهر]

س - پس این که این اشخاص آمدند به منزل شما هنوز مشغول نماز نشده بودید، چرا خبر ندادید؟ آن وقت می‌خواستید خبر بدهید.

ج - چون در شبهای دوشنبه پشت سر آقا نماز می‌خواندند آمده بودند در منزل بنده، نماز که تمام شد خواستم بیایم به کمیساریا اطلاع بدهم که شما آمدید. [مُهر]

س - معلوم است که شما خیال اطلاع دادن نداشتید و الا همان موقع اطلاع به کمیساریا می‌دادید و ممکن بود که پیش از نماز خبر می‌دادید.

ج - موقعی که بنده اقتدا به آقا نمودم فقط ما سه نفر بودیم یکی یکی رسیدند و اقتدا

نمودند. [مُهر]

س - شما در شبهایی که در جاهای دیگر مجلس داشتید به کمیساریا اطلاع می دادید یا خیر؟

ج - البته به کمیساریاها اطلاع می دهند و من اطلاع نداشتم و الا اطلاع به کمیساریا می دادم. [مُهر]

س - سواد [و] مُهر دارید؟

ج - هم مُهر دارم، هم سواد دارم. [مُهر]

[سند شماره ۸/۹]

این جانب آقا رضا ضمانت تن حاجی محمدعلی را می‌نمایم که تا فردا دوشنبه در ساعت چهار به ظهر مانده در کمیساریای محترم ناحیه هشت حاضر شوند. هرگاه حاضر نشوند هر چه که کمیساریا بفرمایند از عهده برآیم.

رضا

[امضا]

حکومت نظامی طهران

تاریخ ۲۲ حمل ۱۳۰۰

دایره محبس

حاج محمدعلی راکه از کمیساریای نمره ۸ به حکومت نظامی اعزام داشته‌اند
در تحت نظر داشته باشید تا دستور ثانوی داده شود.

[امضا]

[حاشیه:]

تحویل صاحب منصب کشیک داده شد.

[امضا]

[سند شماره ۸/۱۱]

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۷۵۲

کارتن ۸ دوسید ۷

تاریخ خروج ۲۲ برج حمل تخاقوی نیل ۱۳۰۰

کمیساریای پنج (بازار)

راجع به راپورت نمره ۴۸۱ لازم است صدق اظهارات حاجی محمدعلی را کاملاً از اشخاصی که اسم برده است تحقیق نموده مراجعت بدهید.

[امضا]

پلیس اونیفرمه

تاریخ ۲۸ حمل ۱۳۰۰

نمره ۶۲۱

اداره جلیله حکومت نظامی

در جواب مرقومه نمره ۷۵۲ در تعقیب راپورت ۴۸۱ این ناحیه در خصوص صدق اظهارات حاج محمدعلی از اشخاصی که اسم برده، محترماً معروض می‌دارد که از دو نفر اشخاص مدعوین که در این ناحیه سکونت دارند توسط تقی خان مفتش تحقیقات به عمل آمده اظهار داشته‌اند که برای اداء نماز جمع بودند. سایرین در حدود این ناحیه سکونت ندارند که تحقیق شود.

[مهر و امضا]

[سند شماره ۸/۱۳]

به تاریخ ۲۷ برج حمل ۱۳۰۰

مطابق ۱۶ ماه آوریل ۱۹۲۱

مقام محترم کماندان حکومت نظامی طهران دام اقباله

خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که بر حسب معمول و آداب مذهبی ارامنه همه ساله مراسم تعزیت و سوگواری قتل حضرت مسیح [را] به عمل می‌آورند. بنابر این در شب جمعه ۹ برج ثور سه ساعت از شب گذشته تا مقارن صبح تمام ارامنه باید به نماز خانه رفته رسوم مذهبی خود را به انجام برسانند، لهذا متمنی است که کتباً اجازه فرمایند اعلانی در این خصوص به زبان ارمنی منتشر نماییم که عموم ارامنه بتوانند آزادانه در آنشب مزبور به نمازخانه‌های دروازه قزوین و دروازه شاه‌عبدالعظیم رفته رسوم مذهبی خود را بجا بیاورند و ضمناً به عموم کمیساریاها و مأمورین نظم شهر و پلیس و قزاق قدغن فرمایند که در تمام آن شب ممانعت و مزاحمت از عبور و مرور ارامنه در شهر نمایند. زیاده منتظر جواب و اجازه کتبی می‌باشیم.

از طرف متولیان نمازخانه‌های ارامنه طهران

نایب رئیس [امضا]

منشی [امضا]

[حاشیه]:

نمره ۳۸۲

۲۹ حمل ۱۳۰۰

به ادارهٔ نظمیه سواد فرستاده و بنویسید راجع به اعلان به طوری که مقتضی است اقدام کنید و راجع به حضور ارامنه در نمازخانه‌های خود لازم است اولاً در داخله نمازخانه‌ها به طور نزاکت مفتش مخفی گذارده که مراقب حرکات و انتظامات داخله باشند، ثانیاً در اطراف نمازخانه و معابر آنها باید مأمورین پلیس ایشان را با یک طریقهٔ مقتضی مراقبت نموده، ثالثاً در خطوط سیر عبور آنها هم باید کاملاً مواظبت نمایند که حرکات خارج از مقررات دولتی رخ ندهد.

آدرس

دروازه قزوین نمازخانه ارامنه

[سند شماره ۸/۱۴]

حکومت نظامی طهران

به جای مینوط [مینوت] است
متولیان نمازخانه‌های ارامنه طهران

در جواب مراسله مورخه ۱۶ ماه آوریل شما مزاحمت می‌دهد در این باب به
اداره نظمیہ دستورات لازم داده شده، خوب است به اداره مذکور مراجعه نمایید.

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۱۰۱۲

تاریخ خروج ۲۹ برج حمل تخافوی ثیل ۱۳۰۰

اداره جلیله نظمیه

سواد مشروحه متولیان نمازخانه‌های ارامنه لفاً ارسال می‌شود. در باب اعلان به طوری که مقتضی است اقدام نموده و راجع به حضور در نمازخانه‌ها اولاً لازم است در داخله نمازخانه‌ها به طور نزاکت و معقولیت مفتش مخفی گمارده شود که مراقب حرکات و نظامات داخله باشند و هم چنین در اطراف نمازخانه و خطوط سیر و عبور آنها نیز باید مأمورین و پلیس با یک طریقه [؟] مراقبت نمایند که حرکات خارج از نظامات و مقررات دولتی رخ ندهد.

[امضا]

[سند شماره ۸/۱۶]

مقام منیع حکومت نظامی تهران دامت شوکته

چون شب یکشنبه آینده عید بزرگ روسها است و ما مجبوریم در نمازخانه پامنا که مال روسها است اجتماع کنیم و به اوراد و ادعیه مشغول شویم این است که از مقام محترم اجازه می‌خواهد که در شب مزبور در نمازخانه اجتماع نموده اجرای آیین مذهبی خود را نماییم، و کلیه اشخاصی که در آن جا جمع می‌شوند از زن و بچه ۵۰ نفر زیادتر نخواهد بود. مستدعی است قدغن بفرمایند مأمورین پلیس و حکومت نظامی جلوگیری نکنند. در خاتمه احترامات فائقه تقدیم می‌دارد.

۸ ثور ۱۳۰۰

ناظر نمازخانه [امضا] نایب خلیفه نمازخانه روسها [امضا]
توضیح: اجتماع از ساعت ۸ بعداز ظهر تا ساعت ۳ بعداز نصف شب در نمازخانه خواهد بود.

[حاشیه:]

۸ ثور فوراً

سواد مراسله مزبوره به اداره نظمیه فرستاده شود. و بنویسید به طوری که راجع به اجتماع در نمازخانه‌های آرامنه در شب عیدشان در تحت نمره [؟] دستور داده شده است اقدام و با یک مواظبت و مراقبت مخصوص با نزاکتی مجلس را در تحت

انتظامات مأمورین خود خاتمه دهید.

به مراسله‌ای که در باب نمازخانه‌های ارامنه چند روز قبل نوشته‌ایم فوراً
مراجعه کرده نمره آن را در این ورقه ذکر کنید.

بخش نهم:

اسناد پراکنده

راه‌نمای اسناد بخش نهم:

[سند شماره ۹/۱]:

از: مخیرالدوله

به: رئیس دفتر رئیس الوزرا

موضوع: درخواست صدور کارت عبور در شب

تاریخ: ۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۹/۲]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: بازگشایی ادارات ثلث

تاریخ: ۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۹/۳]:

از: دفتر رئیس الوزرا

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: ایجاد روابط تلفنی بین وزارت امور خارجه با سفارتخانه‌ها و ادارات

تاریخ: ۱۰ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۹/۴]:

از: وزارت داخله

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: ممنوع بودن گشایش کلوپ تهران و این قبیل مجامع

تاریخ: ۱۳ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۹/۵]:

از: ایالت و بلدیة تهران

به: اداره نظمیه

موضوع: تعطیل کلیه مجامع و اجتماعات، کلوپها و تأتورها

تاریخ: ۱۷ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۹/۶]:

از: سفارت انگلیس

به: [؟]

موضوع: درخواست جواز عبور از دروازه تهران برای کاپیتان فرتسکیو

تاریخ: ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۳۹ برابر با ۲۶ فوریه ۱۹۲۱

[سند شماره ۹/۷]:

از: دفتر ریاست وزرا

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: صدور مجوز عبور برای کاپیتان فرتسکیو صاحب منصب انگلیسی

تاریخ: ۹ حوت ۱۲۹۹

[سند شماره ۹/۸]:

از: مشیر معظم

به: [؟]

موضوع: بازگشایی ادارات پست و تلگراف و تلفن

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۹/۹]:

از: سیدضیاءالدین طباطبایی

به: حکومت نظامی تهران

موضوع: آزادی باز شدن سینماها و تأثیرها

تاریخ: ۱۱ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۱۰]:

از: همایون مختارزاده

به: حکومت نظامی

موضوع: اجازه برای برگزاری مجلس عقد و عروسی

تاریخ: ششم رجب ۱۳۳۹

[سند شماره ۹/۱۱]:

از: جان کالدول وزیر مختار دولت امریکا

به: سیدضیاءالدین طباطبایی

موضوع: عودت اتومبیلهای دولتی

تاریخ: ۱۹ رجب ۱۳۳۹

[سند شماره ۹/۱۲]:

از: کمیساریای ناحیه ۴ سنگلج

به: رئیس پلیس

موضوع: اجازه برای تشکیل مجلس قمار توسط شاهزاده داراب میرزا

تاریخ: ۲۱ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۱۳]:

از: حاکم نظامی تهران

به: [؟]

موضوع: اجازه تشکیل اجتماعات خصوصی برای سالار اعتضاد

تاریخ: [؟]

[سند شماره ۹/۱۴]:

از: حکومت نظامی تهران

به: مأمورین نظامی

موضوع: اجازه تشکیل اجتماعات خصوصی برای سالار اعتضاد و رفقای درباری

او

تاریخ: ۲۷ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۱۵]:

از: وزارت جنگ

به: رئیس الوزرا

موضوع: تقاضای نشان درجه اول خارجه برای کلنل اسمایس

تاریخ: ۲۹ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۱۶]:

از: حکومت نظامی تهران

به: نظمیه

موضوع: اجازه برگزاری مراسم عقد و عروسی

تاریخ: ۳۰ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۱۷]:

از: الحازار کلیمی

به: حکومت نظامی

موضوع: درخواست اجازه برگزاری مراسم عقد و عروسی

تاریخ: ۳۱ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۱۸]:

از: ابوالقاسم

به: حاکم نظامی تهران

موضوع: درخواست اجازه برگزاری مراسم عقد و عروسی

تاریخ: ۱۰ شعبان ۱۳۳۹

[سند شماره ۹/۱۹]:

از: رحیم عطار

به: حکومت نظامی

موضوع: درخواست اجازه برای برگزاری مراسم عروسی

تاریخ: ۳۱ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۲۰]:

از: حکومت نظامی تهران

به: اداره نظمیه

موضوع: اجازه برگزاری مراسم ازدواج در منزل میرزاحیم عطار

تاریخ: ۳۱ حمل ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۲۱]:

از: وزارت مالیه

به: دفتر وزیر

موضوع: امضای اعضای دفتر وزیر در زیر بخشنامه منع استعمال تریاک کارمندان

دولت

تاریخ: ۲۲ ثور ۱۳۰۰

[سند شماره ۹/۲۲]:

از: سیدضیاءالدین طباطبائی

به: -

موضوع: پرداخت مقرری ماهیانه دوهزار و پانصد تومان برای استخدام نیرو به

حکمران سیستان

تاریخ: ۲۹ ثور ۱۳۰۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

خدمت ریاست محترم کابینه ریاست وزراء عظام دام اجلاله

بلیط عبور شب این بنده نرسیده است مستدعی است اگر حاضر است مقرر
فرمایید بیاورند تلگرافخانه فردای شنبه [؟] چه ساعت باید شرفیاب شود.
مخبرالدوله

۱۱۷۸۹ ۷ حوت ۹۹

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای سلطان کاظم خان کماندان قوای شهر دام اقباله

حسب الامر قدغن فرمایید یک طغرا جواز عبور شب به اسم جناب اجل آقای
مخبرالدوله به فوریت صادر کرده و به کابینه ریاست وزراء ارسال دارند.
(رئیس کابینه ریاست وزراء)
امضا

[سند شماره ۹/۲]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۱۸۲۳

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۱/۳

تاریخ ارسالی ۹ حوت ۹۹

به آقای سلطان کاظم خان کماندان نظامی

نظر بر این که تعطیل ادارات ثلث موجب خسارت دولت می باشد
حسب الامر به آقای موسس خان رئیس کل ادارات ثلث اجازه بدهید که به اداره رفته
هر عده اعضاء را که لازم می داند احضار نموده مشغول اجرای تعلیمیاتی که صادر شده
است بشوند.

امضا

[سند شماره ۹/۳]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۱۸۶۳

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

تاریخ ارسالی ۱۰ حوت ۹۹

از طرف کابینه

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای سلطان کاظم خان کماندان شهری دام اقباله

به موجب امر بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکتہ زحمت
می دهم که قدغن فرمایند کنترولر تلفونخانه روابط تلفونی وزارت جلیله امور خارجه
را با اداراتی که اجازه افتتاح آنها داده شده و با سفارتخانه ها دایر کرده و مجاز بدارند.
امضا

[سند شماره ۹/۴]

وزارت داخله

مورخه ۱۳ برج حوت ۱۲۹۹

اداره مرکزی

نمره ۴۷۶۳

حکومت نظامی طهران

در جواب مشروحہ نمره ۳۵۸۷ حاکی از این کہ تقاضا کرده‌اند کہ کلوب
[کلوپ] طهران افتتاح یابد، تذکر داده می‌شود کہ این قبیل مجامع ممنوع است.
[مُهر و امضا]

ایالت و بلدیہ طهران

نمره کتاب ثبت ۳۶۵۷

کارتن ۸ دوسیه ۷

تاریخ ۱۷ حوت ۱۲۹۹

اداره جلیله نظمیہ

حسب الامر اولیای معظم دولت علیه کلیه مجامع و اجتماعات از قبیل
کولوپها و تاترها ممنوع خواهد بود. لازم است به این مجامع اخطار نمایند که از
تشکیل و افتتاح کلوپها [؟؟] و اختصاصاً کلوپ طهران را هم از تصمیم اولیای دولت
مستحضر نمایند.

[امضا]

[سند شماره ۹/۶]

سفارت انگلیس

فوری است

۱۷ جمادی الثانیه ۱۳۳۹

۲۶ فوریه ۱۹۲۱

فدایت شوم

آقای کاپیتن فرتسکیو از صاحب‌منصبان این سفارت قصد دارند روز دوشنبه آینده از راه ساوه به همدان مسافرت نمایند. دو نفر نوکر با دو رأس اسب و تقریباً شش رأس قاطر چاروادار همراه ایشان خواهند بود. خواهشمندم اولاً یک ورقه جواز عبور از دروازه شهر از مقام لازمه به اسم ایشان صادر شود، ثانیاً یک ورقه توصیه به عنوان مأمورین ژاندارم عرض راه طهران - ساوه - همدان در باره آقای کاپیتن فرتسکیو صادر شود که در عرض راه کسی متعرض ایشان نگردد. خواهشمندم توصیه‌های مزبوره را نزد این جانب ارسال دارند که موجب امتنان خواهد بود. به علاوه خواهشمندم مقرر دارند روز دوشنبه پس فردا ساعت هفت و نیم صبح یک نفر ژاندارم یا یک نفر قزاق معین شده و نزد کاپیتن فرتسکیو به سفارت فرستاده شود که ایشان را مشایعت و همراهی نماید. زیاده تصدیع نمی‌دهد.

امضا

[اسند شماره ۹/۷]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۱۸۲۱

فوری

کارتن ۱۲ دوسیه ۱۲/۶

از کابینه

تاریخ ارسال ۹ حوت ۹۹

خدمت جناب مستطاب اجل آقای سلطان کاظم خان کماندان شهری دام اقباله

کاپیتن فرتسکیو صاحب منصب انگلیسی روز دوشنبه عازم همدان است. برحسب تقاضای سفارت انگلیس بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا دامت عظمت مقرر فرمودند جواز عبور به خارج از شهر برای خود مشارالیه و دو نفر نوکر و دو رأس اسب و شش رأس قاطر به سفارت معزی الیها برای مستر اسمارت ارسال فرمایید و نیز روز دوشنبه دهم حوت ساعت هفت و نیم صبح یک نفر ژاندارم یا یک نفر قزاق به سفارت انگلیس بفرستند که ایشان را مشایعت نماید.

فوری

اداره محترم تشکیلات ژاندارمری

حسب الامر مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته زحمت می دهم که چون کاپیتن فرتسکیو از خط ساوه عازم همدان است فوراً توصیه کتبی از آن اداره به مأمورین ژاندارمری عرض راه طهران - ساوه - همدان در مساعدت و تکمیل وسایل مسافرت ایشان صادر و ارسال فرمائید [و] برای مشارالیه فرستاده شود.

امضا

[سند شماره ۹/۸]

وزارت پست و تلگراف

خیلی فوری است

فدایت شوم

انشاءالله صبح جناب اجل عالی به خیر و خوشی است. دیروز در هیئت قرار شد پست و تلگراف و تلفن مفتوح شود و حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء مخصوصاً امر فرمودند امروز شروع به کار شود، تمام اجزاء را خبر کرده حاضر شده‌اند. به مردم هم اطلاع داده شده ولی هنوز از طرف حکومت نظامی به قزاق دستوری نرسیده و ممانعت دارند و تمام اجزاء در میدان و خیابان معطل و سرگردان هستند. البته تصدیق می‌فرمایید این ترتیب خوش نما نیست. لازم است به فوریت به حکومت نظامی اطلاع داده شود رفع ممانعت نمایند.

امضا

[سند شماره ۹/۹]

ریاست وزراء

نمره ۴۵۱

به تاریخ ۱۱ برج حمل ۱۳۳۹

حکومت نظامی طهران

مقرر داريد سينماتوگرافها و تئاترها آزاد باشند مشروط به اين كه از ساعت شش شروع شده، ساعت نه و نيم شب خاتمه يابد.

سيدضياءالدين طباطبائي

[امضا و مهر]

[سند شماره ۹/۱۰]

ششم رجب المرجب ۱۳۳۹

مقام محترم ریاست کماندانی شهر دام اجلاله العالی

چون در شب جمعه هشتم رجب در بنده منزل مجلس عقد و عروسی منعقد است و چند نفری دعوت دارند به کمیسریای ناحیه ۹ عودلاجان هم اطلاع داده شده. منزل چاکر هم مقتضی نیست که مدعوین شب را بخوابند لذا مستدعی است اجازه بفرمایند شب مذکور را آژانهای پست متعرض عابرین نشوند.

همایون مختارزاده

منزل: قُرب تکیه رضاقلی خان

[حاشیه]:

به توسط رضاقلی خان سلطان نظمیه به کمیسری عودلاجان اطلاع داده شود.

[امضا]

[سند شماره ۹/۱۱]

۱۹ رجب المرجب ۳۹

خصوصی است

خدمت [؟] رفعت حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم
آقای [؟] سیدضیاءالدین رئیس الوزراء دامت شوکته

نظر به این که عزیمت فامیل دوستدار به صوب آمریکا تحقیقاً معلوم نیست و موقتاً به عهده تعویق افتاده، اتوموبیلهای دولت علیه را به گاراژ اصلی خود عودت داده و از بذل مساعدت و ملاطفتی که حضرت اشرف و اولیای دولت علیه که تسهیل وسایل مسافرت آنها [را] فراهم نمودند صمیمانه تشکر نموده احترامات فائقه را تجدید می نماید.

جان کالدول

وزیر مختار دولت امریکا

[سند شماره ۹/۱۲]

پلیس اونیفرمه

راپورت نمرة ۲۴۲

طهران ۲۱ برج حمل ۱۳۳۹/۱۳۰۰

موضوع: راجع به مجلس قمار

[مُهر: کمیساریا نمرة ۴ سنگلج]

مقام محترم ریاست پلیس اونیفرمه

شاهزاده داراب میرزا ساکن بریکار [؟] که قمارباز است در ساعت ۱۰ صبح به کمیساریا آمده و مشروح‌های از حکومت نظامی طهران آورده که مرقوم داشته‌اند شاهزاده مزبور بعضی از روزهای دوشنبه و جمعه را مهمان خصوصی دارد ممانعت ننماید. در این خصوص از مشارالیه تحقیقات شفاهی شده معلوم می‌شود فردا را که دوشنبه است جمعی را دعوت کرده و قمار دارد، اطلاعاً معروض داشت که هر نوع مقتضی است و مقرر فرمایند رفتار شود.

[مهر و امضا]

[سند شماره ۹/۱۳]

حضرت آقای سالار اعتضاد و رفقای درباری ایشان در روزهای جمعه و سایر
ایام تعطیل اجتماعات خصوصی دارند مأمورین نظامی و گشتیها ممانعت نکنند.

حاکم نظامی طهران

[امضا]

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۸۷۶

کارتن ۸ دوسیه ۷

تاریخ خروج ۲۷ برج حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰

مأمورین نظامی

جناب آقای سالار اعتضاد و رفقای درباری ایشان روزهای جمعه و سایر ایام

تعطیل اجتماعات خصوصی دارند، متعرض نشوید.

[سند شماره ۹/۱۵]

وزارت جنگ

تاریخ ۲۹ برج حمل تخاقوی ۱۳۰۰

نمره ۵۲۹

مقام منیع حضرت اشرف ریاست محترم وزراء دامت عظمته

نظر به این که کلنل اسمایس در مدتی که مشغول خدمت بوده وزارت جنگ کمال رضایت را از ایشان دارد لهذا پیشنهاد می نماید که از طرف دولت نشان درجه اول خارجه به مشارالیه اعطا شود و ضمناً برای یادآوری خاطر مبارک را تصدیق می دهم در این موقع که ژنرال آیرن ساید و ژنرال گوری و بعضی از صاحبمنصبان انگلیسی که در فرونت گیلان ابراز لیاقت نموده و می خواهند از ایران مسافرت نمایند بی مورد نیست نشانهایی که حضرت اشرف مقتضی می دانند قبل از حرکت به آنها مرحمت شود.

امضا

[حاشیه]

عجالتاً بماند

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۱۰۶۹

کارتن ۸ دوسید ۷

تاریخ خروج ۳۰ برج حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰

اداره جلیله نظمیه

ابوالقاسم نام ساکن کوچه شهاب الملک محله عودلاجان تقاضا نموده است در لیالی چهارشنبه ۱۱ و پنجشنبه ۱۲ شعبان که مجلس عقد و ازدواج در منزل مشارالیه منعقد خواهد بود از ورود و خروج مدعوین ممانعت نشود. لازم است به مأمورین کمیساریای ناحیه مربوطه امر شود که مراقب باشند خلاف نظامی رخ ندهد.

[امضا]

[سند شماره ۹/۱۷]

نمره ۴۰۸

۳۱ حمل ۱۳۰۰

مقام ریاست حکومت نظامی طهران دام اقباله

محترماً خاطر مبارک را مستحضر می دارم که چون امشب که شب پنجشنبه است مجلس جشن عروسی در منزل آقا موسی تاجر واقعه در ناحیه ۹ عودلاجان واقع است و چند نفر مهمان می باشند لذا خواهشمندم اجازه عبور تا ساعت دوازده مرحمت فرمایند که اگر مجلس طول کشید آژانهای پُست ممانعت نکنند. توضیح آن که مهمانها کلیمی و از دو پُست زیادتر عبور نمی کنند. در خاتمه ادعیه خالصانه خود را تقدیم می دارم.

اقل الحازار کلیمی

[حاشیه]:

ضبط شود.

طهران به تاریخ ۱۰ شهر شعبان سنه ۱۳۳۹

خدمت ذی شوکت جناب مستطاب آقای میرزا کاظم خان فرمانده نظامی شهر

عرض می شود این جانب ابوالقاسم ساکن ناحیه ۹ عودلاجان کوچه شهاب الملک نظر به این که لیلۀ چهارشنبه و پنج شنبه (۱۱ و ۱۲ شهر حال) در بنده منزل مجلس عقد و امر خیر از برای چاکر بر پاست لذا از مقام محترم مستدعی است امر و مقرر فرمایند که کمیسریای محترم مانع از عبور و مرور نگردند.

زیاده ایام عزت و اقتدار برقرار باد

از طرف ابوالقاسم

[دو امضا]

[حاشیه]:

۳۱ حمل

آقای مدیرالسلطان

به [؟] مراجعه دهید که اقدام در تقاضای مزبور نماید.

[سند شماره ۹/۱۹]

نمره ۴۱۳

۳۱ حمل ۱۳۰۰

مقام محترم ریاست کماندان حکومت نظامی طهران دام اقباله العالی

چون امشب (۱۱) شعبان مجلس عروسی منعقد است از آن مقام محترم
مستدعی [است] اجازه عبور مرحمت فرمایند.

اقل رحیم عطار

آدرس - مسجد حوض، کوچه شاهسونها منزل نمره ۲

[حاشیه]:

۳۱ حمل - ضبط شود چون موقع گذشته است.

[اسند شماره ۹/۲۰]

حکومت نظامی طهران

نمره کتاب ثبت ۱۰۷۱

کارتن ۸ دوسیه ۷

تاریخ خروج ۳۱ برج حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰

اداره جلیله نظامیه

لیله پنجشنبه اول برج ثور در منزل نمره ۲ [؟] رحیم عطار ساکن کوچه شاهسونها محله مسجد حوض مجلس ازدواج منعقد است قدغن نمایند از ورود و خروج مدعوین ممانعت ننموده در ضمن مراقب باشید که خلاف نظاماتی رخ ندهد. [امضا]

[حاشیه:]

نظر به این که موقعش گذشته بود فرستاده نشد.

[سند شماره ۹/۲۱]

وزارت مالیه
کابینه وزیر

به تاریخ ۲۲ شهر ثور ۱۳۰۰

عین حکم متحدالمال نمره ۱۸۳۰ صادره از مقام منیع وزارت جلیله در موضوع قدغن استعمال تریاک در تلو این ورقه برای اطلاع آقایان اعضای کابینه ابلاغ می شود، لازم است آقایان اعضا پس از ملاحظه حکم فوق الذکر ذیل این ورقه را امضا نمایند.

[حدود ۱۹ امضا]

هیئت وزراء

پس از آن که قشون انگلیس خراسان را تخلیه کرده و قوای خود را که طبعاً به امنیت آن نقطه که اقامت داشتند کمک می‌کرد واپس کشیدند، شوکت الملک حکمران سیستان و قایمات کراراً درخواست کرد که اجازه استخدام یک مقدار قوه به فوریت برای انتشار امنیت در آن نقاطی که فعلاً به واسطه این تخلیه بی‌قوه مانده‌اند داده شود تا طرق تجارتی را که اهمیت فوق‌العاده دارد محافظه و از سرقت‌های ممکنه و قایه نماید. وزارت داخله درصدد بود موقعی که ژاندارم خراسان توسعه یابد به وسیله اعزام قوای لازم از ژاندارمری آنجا وسایل امنیت را در خطوط تجارتی تأمین کند لیکن اصرارهای محقانه حکومت و اطلاعات کافی لزوم اقدام فوری را ایجاب می‌نماید علیهذا در جلسه ۲۹ ثور تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ تصویب شد که تا تکمیل قوای ژاندارم خراسان و اعزام قوه منظم نظامی به سیستان، ماهیانه دوهزار و پانصد تومان برای استخدام دو بیست نفر سوار و جمازه به حکمران سیستان و قایمات اعتبار داده شود که در تحت ریاست یک نفر از صاحب‌منصبان قشونی محلی و نظارت مالیه این قوه را تشکیل و امنیت نقاط تجارتی را تأمین نماید تا زمانی که قوای ژاندارم جای‌نشین این قوه شده امنیت را عهده نماید.

سیدضیاءالدین طباطبایی

مورخه ۱۲۳۹ شهر حبيب ۱۲۳۹

مقام مسيح ريت وزير اعظم دست
 در حاضره بهر الامه سرزاري در تهذيب و در حاضره
 ايک ترمين است اگر ترمين تعلق از حبيب و اگر با
 اگر در نشر شود مقرر لا به ابراهه طبع روزنامه
 (رسي و دست نليه يک) که سابق بهر حرم
 شود و اگر ايک بهر سابق بهر حرم است که
 مقرر تهذيب نامه - امتيازات - و آوازه يک
 (مورخه ۱۲۳۹ شهر حبيب ۱۲۳۹ - در واقع آن روزنامه)

تبع نصح بر اين خواجه به
 ۱
 ۱۰

۱۳۰۰
۱۱ مهر

شماره ۱۱
تاریخ ۱۳۰۰
مهر ۱۱
شماره ۱۱
تاریخ ۱۳۰۰
مهر ۱۱

لذا آتمام مخ صدور دستخط آید و چون
بدین مفسد که صورت اجتماعی سیاسی ادبی و فکری بنام
دولت میست، با بنیت منوع تنه نماید
و بر قریب مسم بیشتر جمعی و بر مفسد مکتب عقاید
بنیت سوتن سوتن زنی به زنگنه در خور قریب مسم
خواهش فتر خور و دلو

و نیز نایب آنگهی (امیر) بنام سید خیرعلی ابراهیم
در خواست ای حاکم که تاکنون نظارتش در این مفسد
اجان و دلاور گونیه سرحد بصیبه نایب نایب آنگهی (امیر) بنام
تاریکی به رشاد تنها دارد اجان و دلاور گونیه
نایب آنگهی برای تهیه گرایه قریب مسم موقوفه او اگر لازم
و آنچه تعلیمات برای این مفسد مکتب سیر فکری لیکن
بدین مفسد
در این مفسد
دولت و دلاور گونیه

ع ۹۹/۱۵۰

خدمت شما بمجلس محتج کسید دام آید

درست لا بد از طلب الامر فرستادن و بر محمد و خانواده و برزاقیقوب اسفیر
در قعیله که نبی و این در فرزندش را بر سر تقریباً بمسیر نفراشتن و غیره
جمع بودند از اینها ابرار داشته و در مذکور ابجد را به طلب نمود و این

آنکه این ضرا و قرار نیست حاج شیخ عبدالرزاق

عبد رقیب میرا سید احمد میرا عبدالله میرا احکار

محمد غلام محمد میرا احمد میرا محمد علی محمد باقر

شیخ علی محمد علی محمد علی محمد علی محمد علی محمد علی

محمد اسماعیل میرا محمد علی میرا محمد علی میرا محمد علی

محمد ابوسعید محمد علی محمد علی محمد علی محمد علی

محمد ابوسعید محمد علی محمد علی محمد علی محمد علی

محمد ابوسعید محمد علی محمد علی محمد علی محمد علی

محمد ابوسعید محمد علی محمد علی محمد علی محمد علی

محمد ابوسعید محمد علی محمد علی محمد علی محمد علی

محمد ابوسعید محمد علی محمد علی محمد علی محمد علی

تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۹
ضمیمه



دبیر یون قزاق
اعلی حضرت قویشوکت اقدس هاپون شاهنشاهی

نمره ۳۴۸۰

حکومت محترم نظامی

در جواب مرامنامه ۱۳۹۴ الفه رسید در روزنامه نیکان
آرستش را الله اعلم ندیده و خوانده ام در صورت لزوم
بشیران دستم تحویل شد. ریس دبیران قزاق خدمت آید
پسوند در زمانه کمال قدس نظامی



تاریخ ۱۳۳۹
ضمیمه



ریاست وزراء

نمره ۱۳۵۸۱

حکومت نظامی طهران

مدیریت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
در کمال احترام و تقدیر این دفاتر را در روزنامه نیکان
در روز ۲۹ بهمن ۱۳۹۹ در روزنامه نیکان
در روز ۲۹ بهمن ۱۳۹۹ در روزنامه نیکان
نیز در این بگرم



هیئت دولت

نمره

بشاریخ ————— روح ————— ۱۳۳

(در مجله شمع خورشید خورشید ۱۳۳)

نظر اینکه در این مجلس هم است گفتند تا خیزه برسم بهر خیزه ایران را از
 به طرف دیار ملت نامزد کنان، شمس نه منظر غایب و نظر اینکه مردم شهر را
 مختلفه محکمت از دیار دولتی از در درری حتی را قویا بجا میکند. نظر اینکه از
 مزبور به نظر گردد از طرف دیار دولتی در تمام نامی را که کرده بجا نیست به نظر
 دیگر نشانه است، چند دایره محکمت شدی خواهد گشت و در دایره محکمت
 در دایره وقت که نیست است و بهر ارجاع دارد و برای بهر که از آن محکمت
 و در دایره بقدر از طرف حضرت آری بر سر در در شده و در دایره محکمت
 هم مرکز در طرف این شدش بود این است در دایره باقی در دایره محکمت
 که به جهت انگیزش از کرات در در بهر ارجاع است گفتند تا خیزه برزم و قیامت
 این بدست علیه ایران منع گردد و در محکمت انگیزی و مندی کنان از طرف
 و گفتند که این قوه مطابق است گفتند از در در در حتی در کور بهر ارجاع
 شود و معترض بهر ارجاع علیه را در دایره بر طرف در در دایره محکمت علیه

سید علی میرزا
 میرزا محمد علی
 میرزا حسن
 میرزا حسین
 میرزا علی



۱۳

د یاست وزرا

نمبر ۱۱۹۴۰

بشارت بخ — روح — ۱۳۳
ضمیمه ۱۱ — ۱۹

فدای حضرت آیت الله العظمی کاشانی که در این تقدیر نامه را امضاء فرموده است

مسئله برتر از غرض نیست در مجلس تریسم روح و جان بر نفس است

که در مسجد شیخ عبدالحسین آمده خواهد یافت هفت تانید



بتاریخ ۲۵ شوال ۱۳۳۳

✶ وزارت مالیه ✶

كابينه وزير

$$\frac{A}{10} - 1K$$

عین حکمت ال ۱۶۳۰ (ص ۱۶۳۰) در شرح
 غفر سبقت پاک در شرح و در شرح
 لغت است ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳

Handwritten signatures and names in Urdu script, including "محمد", "عبدالله", and "عبدالحق".



حکم میکنم :

- ماده اول - تمام اهالی شهر طهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند .
- ماده دوم - حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بهدواز ظهر غیر از افراد نظامی و پلیس مأمور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید
- ماده سوم - کسانیکه از طرف قوای نظامی و پاپس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد
- ماده چهارم - تمام روزنامهجات - ادواق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت بکلی موقوف و بر حسب حکم و اجازه که بعد داده خواهند شد باید منتشر شوند
- ماده پنجم - اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه بکلی موقوف در معابر هم اکراً پیش از سه نفر کرد هم باشند با قوه قهریه مقرر خواهند شد
- ماده ششم - تمام مغازه های شراب و هرق فروشی تئاتر و سپهناکاراف ها و کلوب های قمار باید بسته شود و هر مست دینده شود بمحکمه نظامی جلب خواهد شد
- ماده هفتم - تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات و دوائر دولتی غیر از اداره اوقاف تعطیل خواهد بود - پستخانه تلفونخانه تلگرافخانه هم مطیع این حکم خواهند بود
- ماده هشتم - کسانیکه در اطاعت از مواد فوق خود داری امایند به محکمه نظامی جلب و سخت ترین مجازات ها خواهند رسید
- ماده نهم - کازم خان بسمت کمالدانی شهر انتخاب و معین میشود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود
- رئیس دیویزیون تنزاق اعلیحضرت اقدس شهرباری و فرمانده گل قوا
(رضا)



از طهران یوشهر

سنة ۱۳۹۹

حکومت بنادر از قرار مجموع یک سله اراجیف و شایعات بی اساس در ولایات متشر میشود
اوضاع مرکز را که با نهایت آرامش و سکونت جریان دارد باشکال مختلف نقل و نمیر میکنند لازم
است عموم اهالی را آگاه کنید که وضعیات نه تنها مساعد و امنیت تا آخرین قطعه محفوظ است بلکه
اصلاحات رطلی و اجتماعی شروع شده و رئیس دولت مرا مأمور ساخته عامه را آگاهی دهم که
روز اصلاحات فرا رسیده و دولت تمام ساعات خودش را مصروف ازدیاد قوای تأمینیه کرده
تا خوش بختانه ساکنین ولایات نعمت امنیت را بهی حقیقی خودش ادراک کنند و هیچ جای نگرانی
نیست وقت مسرت و امیدواری است حوت نمرة ۲۰۰۱۷ وزارت داخله

برای اطلاع عموم اهالی بنادر تلگراف فوق که ۱۷ حوت از وزارت جلیله داخله رسیده

طبع و منتشر گردید - حکومت کل بنادر و جزایر خلیج ایران

(درمطمنه مظفری یوشهر طبع شد)



ویاست وزدا

نمبره

بنامه یخ ————— برج ————— قبل ۱۳۳
ضمیمه

آه ز زلال دسته ابروی کشیدت نظیره

نظر باینکه حیات در نظر دارد ای کجاست ده خفاها من تغیر می باشد
مده است کسیر ز کتب زده انا من فیر رای مطالع در طریق ابرو

به کام من کاظمی کاظمی از علم کورب ————— از رضا همان ساد
نظیره

در چهار سمت بعد از هر اورد در نظیره کشیدت فیه ذرا نظیره

خود را اعلم دارند